

افق حوزه

از سوی مراجع عظام تقلید
مسئولان و نهادهای حوزوی عنوان شد
**ضرورت اقدامات عاجل
برای اوضاع بحرانی غزه**

هفت تکلیف راهبردی

حرکت نظامی و علمی شتابنده‌تر پیش خواهد رفت

در بیانیه اجلاس سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور در مشهد تصریح شد

حوزه علمیه؛ پرچمدار مقاومت و استکبارستیزی و حامی استوار نظام و رهبری حکیم



ابقای سه تن از فقهای شورای نگهبان توسط امام خامنه‌ای



حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، سه عضو فقیه شورای نگهبان را برای یک دوره دیگر منصوب کردند.

در پی نامه آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان مبنی بر پایان عضویت آیات سیداحمد خاتمی، علیرضا اعرافی و سیداحمد حسینی خراسانی در تاریخ ۲۵ تیرماه، رهبر انقلاب اسلامی در پاسخ، مرفوع فرمودند: «با سلام و تحیت، حضرات محترم نامبرده را مجدداً به عضویت فقهای شورای نگهبان منصوب می‌کنم.»

براساس اصل ۹۱ قانون اساسی، ۶ عضو فقیه شورای نگهبان از جانب رهبر انقلاب منصوب می‌شوند و نیز براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی نصب و عزل فقهای شورای نگهبان با رهبر انقلاب است. ۶ عضو حقوقدان شورای نگهبان نیز از میان حقوقدانانی که رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌کند، با رأی نمایندگان مجلس انتخاب می‌شوند.

اسلامی پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ، عنوان کرد: جامعه اسلامی دارای دو مرحله است؛ در دوران حیات پیامبر اکرم ﷺ، خصلت‌های انسانی و دینی در اوج قرار داشت؛ اما پس از رحلت ایشان، جامعه اسلامی دچار عقب‌گرد شد و از بسیاری از تعهدات و پیمان‌های خود عدول کرد.

وی واقعه عاشورا را نماد بارز شکست سوم جامعه اسلامی در وفاداری به پیمان‌های صدر اسلام دانست و افزود: حادثه کربلا، نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که نشان می‌دهد، چگونه جامعه‌ای که نام اسلام را یدک می‌کشد، می‌تواند در برابر حجت خدا ایستاده و مرتکب جنایت شود.

استاد حوزه علمیه قم، با تأکید بر نقش بی‌بدیل ایرانیان در احیای هویت اصیل اسلامی، خاطرنشان کرد: بازگشت به جامعه صدر اسلام، مأموریتی است که ملت ایران، آن را بر عهده گرفته است و هویت علوی، فاطمی و حسینی ملت ما، خود را در آئین‌های عزاداری و اشک بر مصیبت سیدالشهدا ﷺ نشان می‌دهد.

وی ادامه داد: وقتی نام حسین بن علی ﷺ برده می‌شود و اشک‌ها جاری می‌شود، این نشانه‌ای از زنده‌بودن هویت دینی ملت ایران است؛ درحالی‌که بسیاری از پیروان دیگر ادیان، چنین حس و ارتباطی را تجربه نمی‌کنند.

آیت‌الله اراکی در پایان، با اشاره به نقش بصیرت دینی در عبور از بحران‌ها، گفت: تنها با تکیه بر هویت دینی، صبر، ایثار و پشتکار می‌توان مسیر تعالی و پیشرفت را در جامعه اسلامی دنبال کرد.

آیت‌الله اراکی

ایرانیان در احیای هویت اصیل اسلامی نقش بی‌بدیل دارند



جامعه‌ای که می‌خواهد به تعالی برسد، باید هزینه آن را در قالب ایثار، صبر و تلاش پرداخت کند.

وی با اشاره به تفاوت ساختارهای اجتماعی در جوامع ایمانی و جوامع غربی، تأکید کرد: راه‌حل‌ها و الگوهای اجتماعی و اقتصادی غربی، قابل تعمیم به جامعه اسلامی نیست و تجربه ناموفق برخی طرح‌های اقتصادی در کشور، ناشی از وارداتی بودن آنها و عدم تناسب با هویت اسلامی و فرهنگی ایران است. آیت‌الله اراکی، با اشاره به روند تاریخی انحطاط جامعه

عضو مجلس خبرگان رهبری گفت: بازگشت به جامعه صدر اسلام و هویت اصیل اسلامی، مأموریتی است که ملت ایران آن را بر عهده گرفته است. به گزارش خبرگزاری مهر، آیت‌الله محسن اراکی ۲۳ تیر در مراسم گرامی داشت شهدای اخیر در جریان حمله رژیم صهیونیستی به خاک کشورمان که در حرم مطهر بانوی کرامت ﷺ برگزار شد، با اشاره به ایثارگری‌های نیروهای انتظامی کشور اظهار کرد: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، تاکنون بیش از ۱۴ هزار شهید در مسیر دفاع از اسلام، حفظ امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی کشور تقدیم کرده است.

وی با تأکید بر قانون‌مندی حاکم بر نظام هستی، افزود: در این عالم، هیچ رخدادی بدون ضابطه و قانون نیست و جوامع انسانی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و بر این اساس، رسیدن به سود و فایده، بدون پرداخت هزینه، ممکن نیست. عضو مجلس خبرگان رهبری، با بیان اینکه اقدامات اشرار در جامعه بدون هزینه نخواهد بود، گفت: همان‌گونه که انجام اعمال شورانگیز هزینه دارد، دستیابی به خیر و مطلوب نیز بدون هزینه میسر نیست و

آیت‌الله عباس کعبی

هرگونه تفکیک بین آمریکا و رژیم صهیونیستی خطایی راهبردی و انحراف در دیپلماسی است

تفکیک نکند. ما موافق مذاکره هستیم؛ اما مذاکره‌ای که پشتیبان میدان باشد؛ مذاکره‌ای که دستاوردهای ملت ایران را بتواند، در دوران بعد از جنگ حفظ نکند.

عضو مجلس خبرگان رهبری در پایان، با اشاره به اینکه شهادت باعث اقتدار ملت ایران شده، بیان کرد: خداوند در جنگ ۱۲ روزه ملت ایران را پیروز کرد و خشم و کینه دشمنان را به خودشان برگرداند؛ درحالی‌که هیچ دستاوردی نداشتند؛ اگر آنها ضربه زدند، ضربات سخت و جبران‌ناپذیری هم خوردند و ملت ایران و نیروهای مسلح به فرماندهی امام خامنه‌ای، مقتدرتر از همیشه آماده تنبیه سخت‌تر و ضربات محکم‌تری به دشمنان هستند.

تحمیلی ۱۲ روزه نیز، راه به جایی نبردند و پس از شهادت تعدادی از فرماندهان عزیز، فرمانده معظم کل قوا (مدظله العالی) ابتکار عمل را در دست گرفتند و رژیم متجاوز و منحوس صهیونیستی را بیچاره کردند.

آیت‌الله کعبی در بخشی دیگری از سخنان خود، با اشاره به بحث مذاکره، تأکید کرد: دیپلماسی قبل از جنگ با دیپلماسی دوران جنگ و دیپلماسی بعد از جنگ متفاوت است؛ روح این دیپلماسی باید اقتدار ملی، عزت ملی، دفاع ملی، ایران قوی، اقتدار میدان و دیپلماسی شهدا باشد؛ این دیپلماسی، دیپلماسی است که نمی‌تواند ترامپ خبیث و نتانیاهوی کودک‌کش را از هم

ایجاد کردند که حاصل آن، ۲۲ موج سهمگین وعده صادق ۳ شد و دشمن ذلیل و منحوس صهیونیستی را از پای درآورد و بیچاره کرد. وی با بیان اینکه شهدای اقتدار مشعل‌داران عزت و کرامت و سربلندی ایران اسلامی هستند، تصریح کرد: ما ملت متمدنی هستیم که در راه پیشرفت، عزت، کرامت و تمدن‌سازی قرار داریم و چون دشمن نمی‌تواند عظمت ایران اسلامی را تحمل کند، طی این سال‌ها جنگ‌های مختلفی را بر ما تحمیل کرده و با تحریم به دنبال ضربه‌زدن به ایران مقتدر است؛ درصورتی‌که ملت ایران از دل چالش‌ها و تهدیدها، پیشرفت و فرصت‌سازی می‌کند؛ لذا تصمیم گرفتند که جنگ سخت را امتحان کنند؛ اما در این جنگ

آیت‌الله کعبی، عضو مجلس خبرگان رهبری در مراسم بزرگداشت ۲۷ شهید اقتدار نمایندگی ولی فقیه در سپاه و روحانیون و طلاب بسیجی که در مسجد امام حسن مجتبی ﷺ شهرک فجر سپاه برگزار شد، اظهار کرد: ایران اسلامی ملتی مجاهدپرور، اقتدارآفرین و عزت‌آفرین است و بشارت آخرالزمان این است که ملت ایران پرچم اسلام ناب محمدی ﷺ بر پایه مکتب اهل بیت ﷺ را به دست حضرت بقیة الله ﷺ می‌سیار و کسانی که با ولایت فقیه همراه هستند، خدا از آنها راضی است و گناهان آنها را می‌بخشد. همچنین لطف امام زمان ﷺ شامل آنها می‌شود و همان‌طور که حاج قاسم فرمودند؛ عاقبت بخیر می‌شوند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله کعبی با بیان اینکه ما ملت امام حسین ﷺ هستیم، تأکید کرد: ملت ایران شکست‌ناپذیر است و دشمن نمی‌تواند اراده حسینی و عاشورایی ما را بشکند؛ شهدای اقتدار در تمامی مراحل کاری و زندگی خود، با وضو، توکل و توسل بودند و اقتدار کشورمان را با فرماندهی فرمانده معظم کل قوا

امام خامنه‌ای در دیدار رئیس و مسئولان عالی قوه قضائیه و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور

ملت با جهت‌گیری‌های گوناگون سیاسی و وزن متفاوت مذهبی پای ایران عزیز ایستاد

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی،

ایشان صبح چهارشنبه ۲۵ تیرماه در دیدار رئیس و مسئولان عالی

قوه قضائیه و رؤسای دادگستری‌های سراسر کشور، ضمن تحلیل کار بزرگ ملت ایران در جنگ تحمیلی اخیر و نقش برآب شدن محاسبات و نقشه‌های متجاوزان، به اتحاد عظیم ملت ایران با همه

اختلاف سلائق سیاسی و تفاوت وزن مذهبی برای دفاع از ایران عزیز اشاره و تأکید کردند: وظیفه همه، حفظ این اتحاد ملی است.

طبق آیه **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَبْغُزُهُ﴾**، نصرت خود را بر ملت ایران و ذیل نظام اسلامی و چتر قرآن و اسلام تضمین کرده و این ملت یقیناً پیروز خواهد شد.

رهبر انقلاب در این دیدار با قدردانی از رئیس و همه عناصر

فعال قوه قضائیه، اقدامات انجام گرفته در این قوه را خوب و خرسندکننده خواندند و افزودند: البته همواره در کنار کارهای انجام‌شده باید به کارهای لازم اما انجام‌نشده نیز توجه و برای انجام آنها پیگیری کرد.

ایشان پیگیری حقوقی جنایات انجام گرفته در جنگ اخیر رژیم

صهیونیستی را ضروری دانستند و گفتند: در قضایای قبلی نیز باید

پیگیری حقوقی انجام می‌شد که کوتاهی‌هایی شد؛ اما قوه قضائیه

باید جنایات اخیر را از طریق دادگاه‌های بین‌المللی و داخلی به صورت جدی، با دقت و هوشیاری کامل و ملاحظه همه جوانب پیگیری کند.

رهبر انقلاب با تأکید بر اینکه نتیجه همه سفارش‌ها به قوه قضائیه باید در اعتماد مردم به آن متبلور شود، گفتند: بارها در دیدار مسئولان قضایی گفته‌ام که باید به شکلی عمل کنیم که هر کسی در هر گوشه کشور مورد ظلم و تعدّی قرار گرفت، بداند مشکل او با مراجعه به دادگستری حل می‌شود.

ایشان لازمه دستیابی به این نقطه مطلوب را رسیدگی و مبارزه با فساد درون و بیرون از قوه قضائیه دانستند و افزودند: مبارزه با فساد باعث ایجاد امید و اعتماد در مردم می‌شود.

در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه در سخنانی، ناکامی دشمن در دستیابی به اهداف خود را موهون هوشیاری مردم و فرماندهی رهبر معظم انقلاب دانست و گفت: برگ زرین دیگری به کتاب افتخارات ملی اضافه شد و همه دنیا نیز غیرقابل اعتماد بودن طرف‌های مقابل ما را مشاهده کردند.

رئیس قوه قضائیه، «به‌روزرسانی سند تحول قوه و پیشرفت‌های خوب در تحقق اهداف سند»، «تدارک اقدامات لازم برای اجرای قانون اسناد غیرمنقول»، «تعامل بهتر با دستگاه‌های اجرایی برای نظارت بر حسن اجرای قوانین»، «کاهش زمان رسیدگی به دعاوی»، «افزایش حل و فصل اختلافات از طریق صلح و سازش»، «حضور فعال مسئولان قضایی در بین مردم و مساجد» و «راائه بیش از دو میلیون مشاوره حقوقی رایگان به مردم» را از اقدامات برجسته سال گذشته دستگاه قضایی برشمرد و افزود: در خصوص اقدام حقوقی علیه جنایتکاران و رژیم خبیث صهیونیستی در دادگاه کیفری بین‌المللی، کاری مؤثر با همکاری وزارت امور خارجه و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در حال انجام است.



طراحی دشمن اتفاق افتاد و معلوم شد بسیاری از محاسبات برخی افراد در زمینه‌های سیاسی و امثال آن نیز صحیح نیست.

ایشان با اشاره به آشکار شدن چهره، نقشه و اهداف پنهان دشمن متجاوز برای احاد مردم، گفتند: خداوند نقشه آنها را باطل و مردم را به پشتیبانی از دولت و نظام وارد میدان کرد و مردم نیز بر خلاف تصور دشمن به حمایت و پشتیبانی جانی و مالی از نظام برخاستند.

رهبر انقلاب سخن گفتن و کنار هم ایستادن افرادی با وزن مذهبی کاملاً متفاوت و جهت‌گیری‌های سیاسی گوناگون و حتی متضاد را باعث ایجاد اتحاد عظیم ملی خواندند و با تأکید بر ضرورت حفظ این وحدت بزرگ، گفتند: همگان اعم از روزنامه‌نگار، قاضی، مسئول دولتی، روحانی و امام جمعه موظف به صیانت و حفاظت از اتحاد ملی هستند.

ایشان وجود اختلاف سلیقه سیاسی و وزن متفاوت مذهبی را منافی کنار هم ایستادن برای دفاع از حقیقتی مشترک به نام دفاع از ایران عزیز و نظام اسلامی ندانستند و در بیان الزامات حفظ اتحاد ملی گفتند: تبیین و رفع مغالطات لازم است اما به میان کشیدن ایرادهای غیر لازم و بحث درباره آنها و جنجال بر روی مسائل کوچک مضّر است و حتی ابطال مغالطه باید به بهترین شکل انجام شود که مشکلی برای کشور ایجاد نشود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، اظهار وفاداری به نظام و تأیید و حمایت از سیاست‌های کلی را ضروری و مفید خواندند و افزودند: اما نباید اختلاف‌نظرهای موجود و این جناح و آن جناح کردن را که کاری مضّر است غلیظ کرد.

ایشان همچنین شور و هیجان عمومی مردم بخصوص جوانان را امری لازم و خوب خواندند و گفتند: اما بی‌صبری و پا به زمین کوبیدن و اعتراض به اینکه چرا فلان کار انجام نشد، مضّر است.

رهبر انقلاب در بیان آخرین توصیه، با تأکید بر استمرار فعالیت دستگاه‌های مسئول نظامی و دیپلماسی با قوت و با جهت‌گیری درست، گفتند: البته به جهت‌گیری‌ها باید توجه کنند؛ چرا که به‌خصوص در عرصه دیپلماسی، جهت‌گیری بسیار مهم است و باید با مراقبت و دقت، کار شود.

ایشان با اشاره به امکان اعتراض یک نفر به یک مسئول در قضیه‌ای نظامی یا دیپلماسی، افزودند: نمی‌گوییم اعتراض خود را مطرح نکنند اما اعتراض و انتقاد باید با لحن قابل قبول و پس از تحقیق و اطلاع‌یابی انجام شود؛ چرا که گاهی برخی اظهارات و اعتراض‌هایی که در رسانه‌ها منعکس می‌شود، ناشی از بی‌اطلاعی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه مسئولان باید با قوت و روحیه کامل به کار خود ادامه دهند، گفتند: همه بدانند که خداوند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: کار بزرگ مردم در جنگ ۱۲ روزه از جنس عزم، اراده و اعتماد به‌نفس ملی بود؛ چرا که نفس وجود روحیه و آمادگی مقابله با قدرتی همچون آمریکا و سگ زنجیری آن رژیم صهیونیستی، بسیار ارزشمند است.

ایشان با اشاره به خاطرات منتشر شده از عوامل رژیم پهلوی که حتی در خفا و جلسات خصوصی نیز جرأت اعتراض به آمریکا را نداشتند، خاطرنشان کردند: ایران از آن دوران، به جایی رسیده است که نه‌تنها از آمریکا نمی‌ترسد بلکه آن را می‌ترساند و این روحیه و اراده ملی همان چیزی است که ایران را سربلند می‌کند و به آرزوهای بزرگ خود می‌رساند.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه هم دوستان و هم دشمنان بدانند ملت ایران در هیچ میدانی به صورت طرف ضعیف حاضر نخواهد شد، افزودند: ما از همه ابزارهای لازم همچون منطق و نیروی نظامی برخورداریم؛ بنابراین چه در میدان دیپلماسی و چه در میدان نظامی، هرگاه وارد شویم به توفیق الهی با دست پُر وارد خواهیم شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: با وجود آنکه رژیم صهیونیستی را سرطان و آمریکا را به‌خاطر پشتیبانی از آن، جنایتکار می‌دانیم ولی ما به استقبال و پیشواز جنگ نرفتیم اگرچه هرگاه دشمن حمله کرد پاسخ ما کوبنده و محکم بود.

ایشان دلیل واضح بر پاسخ قوی و محکم ایران به رژیم

صهیونیستی را ناچاری آن از توسل به آمریکا خواندند و گفتند: اگر

رژیم صهیونیستی خم نشده و به زمین نه‌چسبیده بود و قادر به دفاع

از خود بود، اینگونه به آمریکا متوسل نمی‌شد؛ اما فهمید که از عهده

جمهوری اسلامی بر نمی‌آید.

رهبر معظم انقلاب، ضربه متقابل ایران به حمله آمریکا را نیز ضربه‌ای بسیار حساس خواندند و افزودند: مرکز مورد تهاجم ایران، مرکز فوق‌العاده حساس آمریکا در منطقه بود و هر گاه سانسورهای خبری برطرف شود مشخص خواهد شد که ایران چه ضربه بزرگی وارد کرده است. البته ضربه‌ای از این بزرگ‌تر هم می‌توان به آمریکا و دیگران وارد کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بروز امر ملی در جنگ اخیر را بسیار مهم و مانع تحقق نقشه دشمن دانستند و افزودند: محاسبه و نقشه متجاوزان این بود که با حمله به برخی شخصیت‌ها و مراکز حساس ایران، نظام ضعیف خواهد شد و آنگاه با به میدان آوردن هسته‌های خفته مزدوران خود از منافق و سلطنت‌طلب تا اراذل و اوباش، می‌توانند با تحریک مردم و به خیابان کشیدن آنها، کار نظام را تمام کنند.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: در عمل دقیقاً بر عکس

آیت‌الله سیداحمد خاتمی امام جمعه موقت تهران، در نشست یک‌هزار و پانصدمین سالگرد میلاد پیامبر اعظم ﷺ که در محل شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برگزار شد، وحدت را، نه یک شعار بلکه یک فرهنگ اصیل و ضرورت تمدنی دانست و تصریح کرد: در موضوع هفته وحدت، مطالبی هست که شاید برای همگان بدیهی تلقی شود؛ اما بر همین بداهت‌ها هم باید تکیه کنیم تا این مفاهیم در فرهنگ دینی و اجتماعی ما نهادینه و ماندگار شود. اولین نکته اینکه هفته وحدت از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول، یک انتخاب هوشمندانه بود تا جشن ولادت پیامبر اعظم ﷺ، بن‌مایه وحدت مسلمانان باشد. تولد پیامبر بر اساس منابع اهل سنت در دوازدهم ربیع‌الاول و در منابع شیعه در هفدهم همان ماه آمده؛ جمع این دو، زمینه‌ای شد تا یک هفته به‌نام «هفته وحدت» نام‌گذاری شود و هر ساله برنامه‌هایی با این هدف برگزار گردد.

به گزارش مهر، آیت‌الله خاتمی با اشاره به اینکه این مناسبت اگر تنها در حد شعارهای رسانه‌ای یا گردهمایی علما باقی بماند، کافی نیست گفت: شئون وحدت باید به فرهنگ بدل شود؛ یعنی وحدت میان شیعه و سنی نه یک پروژه بلکه یک رفتار، عادت جمعی و هویت ماندگار اجتماعی باشد. در این مسیر، سه نکته اساسی باید مورد

امام خامنه‌ای در پیامی به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران و دانشمندان هسته‌ای کشور

هفت تکلیف راهبردی

دشمنان ایران آهن سرد می‌کوبند

حرکت نظامی و علمی

شتابنده‌تر پیش خواهد رفت

به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان، سرداران باکفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای کشور توسط رژیم خبیث و جنایتکار صهیونی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پیامی صادر کردند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت سرافراز ایران!

چهلمین روز شهادت جمعی از هم‌میهنان عزیزمان، که در میان آنان سرداران باکفایت نظامی و دانشمندان برجسته هسته‌ای بودند، فراسید. این ضربه را گروه حاکم خبیث و جنایتکار صهیونی که دشمن رذل و عنود ملت ایران است وارد آورد. بی‌شک فقدان فرماندهانی چون شهیدان باقری و سلامی و رشید و حاجی‌زاده و شادمانی و دیگر نظامیان، و دانشمندانی چون شهیدان طهرانچی و عباسی و دیگر دانشمندان، برای هر ملتی سنگین است. اما دشمن ابله و کوتاه‌بین به هدف خود نرسید. آینده نشان خواهد داد که هر دو حرکت نظامی و علمی شتابنده‌تر از گذشته به سمت افق‌های بلند پیش خواهد رفت انشاء‌الله.

شهیدان ما خود راهی را برگزیده بودند که گمان دستیابی به مرتبه ولّای شهادت در آن کم نبود و سرانجام به آنجه آرزوی همه فداکاران است رسیدند؛ بر آنان گوارا باد؛ اما ناگواری آن برای ملت ایران به‌ویژه خانواده‌های شهیدان و به‌ویژه کسانی که آنان را از نزدیک می‌شناختند سخت و تلخ و سنگین است. در این حادثه نقاط درخشانی را نیز به‌روشنی می‌توان دید. اولاً تحمل و صبوری و استحکام روحیه بازماندگان که در نوع خود جز در تحولات جمهوری اسلامی ایران دیده نشده است. ثانیاً استقامت و ثبات دستگاه‌های زیر امر شهیدان، که نگذاشتند این ضربه سنگین، فرصت‌ها را سلب و در حرکت آنان وقفه ایجاد کند. و ثالثاً شکوه پایداری معجزه‌آسای ملت ایران که در اتحاد و استحکام روحی و عزم راسخ آنان بر ایستادگی یکپارچه در میدان به ظهور رسید. ایران اسلامی در این حادثه یک بار دیگر استواری بنیان خود را نشان داد. دشمنان ایران آهن سرد می‌کوبند. ایران اسلامی به توفیق

الهی روز به روز قوی‌تر خواهد شد باذن الله.

مهم آن است که ما از این حقیقت، و از تکلیفی که از سوی آن بر دوش ماست غفلت نکنیم. حفظ اتحاد ملی وظیفه یکایک ماست. شتاب لازم در پیشرفت دانش و فناوری در همه بخش‌ها وظیفه نخبگان علمی است. حفظ عزت و آبروی کشور و ملت، تکلیف بی‌امعاض گویندگان و قلم‌زنان است. مجهز کردن روزافزون کشور با ابزارهای حراست از امنیت و استقلال ملی، وظیفه فرماندهان نظامی است. جدیت و پیگیری و به نتیجه رساندن کارهای کشور وظیفه همه دستگاه‌ها مسئول اجرایی است. هدایت معنوی و نورانی کردن دل‌ها و توصیه به صبر و سکینه و ثبات مردمی وظیفه حضرات روحانی است. و حفظ شور و شوق و شعور انقلابی وظیفه یکایک ما و به‌ویژه جوانان است. خدای عزیز رحیم همگان را موفق بدارد.

درد بر ملت ایران و سلام بر جوانان شهید، بر بانوان و کودکان شهید، و بر همه شهیدان و داغداران آنان.

والسلام علیکم ورحمة الله

سیدعلی خامنه‌ای – ۳/ مرداد/ ۱۴۰۴

رکن برجسته دیده می‌شود: نخست محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام است. این عامل نه‌تنها مختص شیعیان بلکه در میان علمای اهل سنت نیز جایگاه دارد. عشق به اهل‌بیت علیهم‌السلام، همان‌گونه که شافعی از بزرگان اهل سنت اذعان داشته است: «یا اهل‌بیت رسول‌الله، محبت شما فرضیه‌ای الهی است…» شاعران کُرد اهل سنت نیز، حتی خود را عاشق اهل‌بیت معرفی کرده است. بانگ شور حسینی در ماه محرم به‌شکل مشترک در سراسر کشور به‌واسطه این محبت طنین‌انداز است و این محبت، بستر و زمینه وحدت است.

امام جمعه موقت تهران اضافه کرد: وطن‌دوستی دومین محور است؛ علاقه به وطن در روایات نبوی جایگاه دارد: «حب الوطن من الایمان». مردم ایران وطن اسلامی خود را دوست دارند و بین دینداری و میهن‌دوستی مرزی قائل نیستند. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی، همواره اهمیت ایران‌دوستی را در کنار اسلام‌دوستی گوشزد فرموده‌اند.

آیت‌الله خاتمی در پایان: ولایت‌مداری و حمایت از رهبری، از دیگر محورها بود؛ علاقه مردم به رهبری و اعتماد ملی به نظام جمهوری اسلامی، رمز بقای کشور و حفظ استقلال ایران بوده است. یکی از ثمرات جنگ ۱۲ روزه اخیر، افزایش انسجام ملی، نفرت عمومی نسبت به اسرائیل و آمریکا و ارتقای اعتماد مردم به نیروهای مسلح و رهبری بود.



ایشان نازل گردید: ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، لَا أَغْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ...﴾ (سوره کافرون، آیت ۶۲) ایشان تصریح کردند: پیامبر اعظم ﷺ نه تنها بر اصول توحید و حقانیت خویش استوار ماندند؛ بلکه حتی برای لحظه‌ای نیز به تأیید باطل راضی نشدند و حقیقت را با قاطعیت و وضوح اعلام کردند.

جدال احسن؛ معیار اسلامی در مناظرات

این مرجع تقلید با اشاره به روش پیامبر ﷺ در مواجهه با جریان شرک و دفاع از اصول توحیدی، اظهار کردند: ایشان هرگز به بهای وحدت ظاهری، باطل را امضا نکردند و حق را نیز انکار ننمودند؛ بلکه با «جدال احسن» و به شیوه‌ای کریمانه و صریح، به دعوت مخالفان پاسخ گفتند.

حضرت آیت‌الله سبحانی در ادامه خاطرنشان کردند: این شیوه در کلام امام حسن عسکری ﷺ نیز به‌صراحت بیان شده است که: «لَا يُغْنِي الْبَاطِلُ لِإِظْهَارِ حَقِّهِ وَلَا يُنْكَرُ حَقًّا لِتَقْوِيَةِ بَاطِلٍ؛ هیچ‌گاه برای اثبات حقانیت خود، نه باطلی را تأیید کند و نه حقی را انکار نماید.»

آموزه‌های قرآنی درباره عدالت و مناظره

معظم‌له به داستان حضرت داوود ﷺ که قرآن نقل فرموده، اشاره کردند و گفتند: زمانی که دو مُلک با ظاهری انسانی، نزد داوود نبی ﷺ آمدند و یکی با داشتن ۹۹ گوسفند، بر دیگری که تنها یک گوسفند داشت، فشار آورد، خداوند به پیامبرش آموخت که در قضاوت، باید سخن هر دو طرف دعوا را شنید و سپس حکم داد: «إِنْ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ...» (ص/۲۳).

ایشان تصریح کردند: قرآن کریم با ذکر این داستان می‌آموزد که در مواجهه با اختلافات، اصل بر عدالت، شنیدن استدلال همه طرفین و پرهیز از دوری یک‌سویه است؛ رویکردی که همواره در سیره اهل‌بیت ﷺ مورد تأکید بوده است.

ارجاع به مباهله و دفاع عقلانی از اعتقادات

معظم‌له در ادامه سخنان خود، به استدلال‌های عقلانی و بهره‌گیری از جدال احسن در برابر شبهات اهل باطل اشاره کردند و درباره شبهه برخی معاندان پیرامون منحصربودن معجزه پیامبر ﷺ به قرآن و عدم تحقق معجزات دیگر، پاسخ علامه طباطبائی ﷒ را یادآور شدند که در پاسخ گفت: «نه‌تنها قرآن معجزه‌ای بی‌مانند است؛ بلکه مباهله پیامبر ﷺ که در قرآن آمده نیز خود معجزه‌ای روشن و جاودان است.

ایشان در پایان تأکید کردند: خداوند در آیه ۶۱ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ... ثُمَّ نَنْتَهِلْ...﴾ که مباهله، رخدادی معجزه‌آسا و نمونه‌ای از روش‌های قرآنی برای دفاع از حقانیت اسلام است.

ایشان اهل مناظره بودند و این حقیقت در کتب شیخ مفید و شاگردانش به‌روشنی بیان شده است.

مناظره‌های علمی در مکتب اهل بیت ﷺ

این مرجع تقلید با اشاره به روایتی از کتاب الکافی، تأکید کرد: مرحوم کلینی می‌نویسد که امام صادق ﷺ روزی نشستند بودند که مردی از شام که خود را صاحب‌نظر در فقه و کلام و ادب می‌دانست، وارد مجلس شد و خواهان مناظره شد. امام ﷺ ابتدا از خادم خود پرسیدند که آیا آمادگی بحث و جدل دارد یا خیر؛ سپس شاگردان برجسته‌ای را به مناظره فرا خواندند.

ایشان یادآور شدند: امام صادق ﷺ نسبت به هشام‌بن حکم علاقه ویژه‌ای نشان دادند و فرمودند: «به جوانی که با زبان و بیانش از ما دفاع می‌کند، خوش‌آمد می‌گویم.» این اهتمام امام ﷺ به بحث علمی و مناظره، جایگاه رفیع تعامل فکری در مکتب شیعه را نشان می‌دهد و گواه آن است که شاگردان امام صادق ﷺ در سده دوم هجری نیز اهل جدال و علم‌آموزی بوده‌اند.

تفسیر جدال احسن و رسالت اهل مناظره

حضرت آیت‌الله سبحانی، با اشاره به آیه شریفه ﴿وَجَادِلْهُمْ بَالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ و تفسیر امام حسن عسکری ﷺ تصریح کردند: جدال احسن به‌معنای آن است که انسان حقیقت‌جو بدون اتکا به باطل و بدون انکار واقعیت، عقیده خود را عرضه کند. اهل مناظره باید پایبند به اصول اخلاقی و پرهیز از استفاده ابراهای ناروا باشند؛ وگرنه جدال آنان غیراحسن خواهد بود.

ایشان اظهار کردند: قرآن کریم و اهل‌بیت ﷺ ما را به گفت‌وگو و جدال صحیح و عالمانه فرا می‌خوانند و عالمان امین شیعه در طول تاریخ، این طریق را پاس داشته‌اند و باید همواره سرمشق جامعه علمی باشند.

معظم‌له با اشاره به فضای صدر اسلام و پذیرش جوانان مکه نسبت به دین اسلام، خاطرنشان کردند: پس از آنکه جوانان مکه به‌صورت مخفیانه جذب اسلام شدند، سران شرک از جمله ابوسفیان و ابوجهل، با احساس خطر نسبت به گسترش این دین الهی، تصمیم گرفتند با پیامبر مکرم اسلام ﷺ دیدار و مذاکره کنند.

ایشان افزودند: مشرکان در این دیدار خطاب به پیامبر ﷺ گفتند: تو با آوردن این آیین، در میان ما تفرقه و اختلاف ایجاد کرده‌ای؛ پیشنهاد ما این است که برای یک نوبت، ما خدای تو را بپرستیم و تو نیز یک‌بار خدایان ما را عبادت نمایی.

حضرت آیت‌الله سبحانی با تأکید بر هوشیاری و استقامت پیامبر اسلام ﷺ بیان کردند: اگر پیامبر اکرم ﷺ فردی صرفاً سیاسی بود، ممکن بود به‌ظاهر این درخواست را برای کسب منافع فوری و جذب افراد بپذیرد؛ اما وحی الهی بر

آیت‌الله‌العظمی سبحانی

استدلال و جدال احسن در برابر شبهات روش عالمان شیعه بوده است

این مرجع تقلید، با اشاره به نقش محوری استدلال عقلی و موعظه حسنه در آموزه‌های قرآنی تأکید کردند: عالمان شیعه همواره در مواجهه با شبهات و جریان‌های انحرافی با تمسک به منطق برهانی و رعایت اصول جدال احسن، از معارف اهل‌بیت ﷺ دفاع کرده‌اند.

ایشان اظهار کردند: در موعظه حسنه، می‌توان انسان‌های دارای ذهن سالم را با پند و اندرز به راه حق و هدف آفرینش رساند؛ درحالی‌که در جدال احسن، دو طرف با طرح نظر متفاوت بحث علمی می‌کنند و حقیقت‌یابی اصل است، نه اثبات حرف خود. اگر روشن شد سخن مقابل بر حق است، آن نظر را باید پذیرفت.

اشاره به سیره انبیاء ﷺ در جدال احسن؛ تبیین روایی و قرآنی

حضرت آیت‌الله سبحانی در ادامه، با اشاره به بهره‌گیری انبیاء ﷺ از شیوه جدال احسن در تبلیغ، افزودند: انبیای الهی ﷺ نه‌تنها اهل جدال، بلکه اهل جدال احسن بوده‌اند و قرآن کریم، نمونه‌هایی از جدال احسن انبیا را ذکر کرده است. حضرت ابراهیم خلیل‌الرحمن ﷺ دو بار در قرآن کریم با مخالفان وارد جدال شد. در یک نمونه با شاه زمان خود درباره ربوبیت جدال نمود و در آن مسیر، با اثبات مسأله تولد و مرگ، حقیقت را بیان کرد. اگر هدف جدال حقیقت‌یابی نباشد، جدال بی‌ثمر خواهد بود. معظم‌له خاطرنشان کردند: طرف مقابل حضرت ابراهیم ﷺ حقیقت‌یاب نبود و از مباحثه و عقلانیت بهره‌ای نبرد و به مغالطه متوسل شد. حضرت ابراهیم با منطق و حیانی جدال می‌کرد و با عقلانیت، خورشید را مثال زد؛ اما او حقیقت‌یابی نداشت و خود را پیروز معرفی می‌کرد.

نقش فرضیه‌سازی در جدال دوم حضرت ابراهیم ﷺ

حضرت آیت‌الله سبحانی درباره جدال دوم حضرت ابراهیم ﷺ اظهار کردند: در ماجرای «هذا ربّی»، حضرت ابراهیم ﷺ با رویکرد فرضیه‌سازی، ربوبیت ستاره، ماه و خورشید را به‌شیوه منطقی و فلسفی مطرح و سپس رد می‌کند.

ایشان ادامه دادند: هدف از این بیان‌ها بررسی علمی اصل فرضیه‌ها برای رسیدن به حقیقت است؛ همان‌طور که در پژوهش‌های امروزی، دانشمندان فرضیه‌ای را می‌آورند و در صورت بطلان، آن را کنار می‌گذارند.

وی در تبیین نتایج این سیره، گفتند: سرانجام در این مسیر، این پیام با آیه شریفه «وَكَذَلِكْ نَرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلِكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» آمده است و قرآن راهبرد ابراهیم ﷺ در طرح فرض‌های مختلف را نمونه جدال احسن برای همه جوامع می‌داند.

فرق ربوبیت با خالقیت از نگاه قرآن؛ پاسخ به وهابیان

این مرجع تقلید با بیان اینکه میان ربوبیت و خالقیت تفاوتی اساسی وجود دارد، یادآور شدند: در تاریخ بشر کسی ادعای خالقیت نداشته؛ اما مدعیان ربوبیت فراوان بوده‌اند. وهابیان خالقیت

گزارش خبری

به گزارش خبرگزاری حوزه از مشهد مقدس، حضرت آیت‌الله سبحانی در مراسم افتتاحیه سومین مدرسه تابستانی «دارالعلم» که با حضور اساتید و طلاب در مدرسه علمیه میرزا جعفر حرم مطهر رضوی برگزار شد، با اشاره به هدفمندی آفرینش انسان در تعلیمات قرآن کریم، اظهار کردند: خداوند متعال، انسان را برای هدیفی تعلیم داده و آفریده است و قرآن کریم این معنا را مکرراً متذکر شده است.

معظم‌له با تأکید بر اینکه در این آیات انسان مورد خطاب واقع شده، خاطرنشان کردند: آیه ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾، از جمله آیه‌هایی است که به هدف‌داری مسیر بشر اشاره دارد و راه رسیدن به این هدف از سه مسیر اصلی می‌گذرد که نخستین آنها فطرت انسان است.

ایشان تصریح کردند: فطرت انسان چراغی است که می‌تواند، انسان را در بسیاری موارد، به هدف آفرینش نزدیک کند؛ زیرا در تعلیم الهی و بر اساس فرموده قرآن کریم، انسان در این مکتب، خوبی‌ها و بدی‌ها را می‌شناسد.

حضرت آیت‌الله سبحانی، با استناد به آیه شریفه ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾، در توضیح بیشتر نسبت به شناخت فطری انسان از عدل و ظلم، گفتند: بر اساس عبارت دیگر قرآن کریم «وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ»، انسان فطرتاً مسیر ظلم و عدل، نیکی‌ها و بدی‌ها را تمیز می‌دهد و فطرت به‌عنوان راهی روشن تا سطح معینی می‌تواند انسان را به هدف الهی رهنمون کند.

تبیین نقش عقل پس از فطرت در مسیر هدایت انسان این مرجع تقلید سپس عقل را چراغ بزرگی برای هدایت انسان دانستند و گفتند: دومین چراغ در مسیر وصول انسان به هدف آفرینش، عقل اوست. عقل در معارف دین جایگاهی بنیادین دارد و قرآن کریم مکرراً بر عقل تکیه و تأکید کرده است.

ایشان در ادامه یادآور شدند: آیه شریفه «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» اساساً بر دعوت مردم به حق با استفاده از قواعد و مبانی عقلانی دلالت دارد.

حضرت آیت‌الله سبحانی افزودند: عقل می‌تواند در شناخت مبادی امور و در مسیر معارف الهی راه‌گشا و هدایت‌گر باشد. نخستین قدم، تکیه بر فطرت و دومین قدم، تکیه بر عقل است که به‌وضوح در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است.

نقش آموزه‌های آسمانی و انبیاء ﷺ به‌عنوان سومین چراغ هدایت

ایشان با تأکید بر اهمیت آموزه‌های انبیای الهی به‌عنوان سومین مسیر هدایت بشر، تصریح کردند: پس از فطرت و عقل، تعالیم آسمانی که توسط پیامبران و اولیاء الهی ﷺ آورده شده، مسیر کمال انسان را کامل می‌کند. این اهداف در سایه این سه عامل تکمیل می‌شود.

معظم‌له افزودند: فطرت به‌تنهایی کافی نیست و باید از طریق عقل و آموزه‌های انبیا و اولیا ﷺ این مسیر به کمال برسد تا انسان به سرمنزل مقصود خلقت نائل شود. ایشان با اشاره به جایگاه پیامبر خاتم ﷺ به‌عنوان آخرین آموزگار و هادی بشریت، گفتند: پیامبر اسلام ﷺ به‌عنوان صاحب آخرین مکتب، جوامع انسانی را به سوی کمال هدایت می‌کند. آیه شریفه «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»، بر اهمیت نقش پیامبر اسلام ﷺ و اهمیت تعقل و تفکر جمعی و فردی تأکید می‌کند.

تبیین سه راه عقل برای هدایت در قرآن کریم

حضرت آیت‌الله سبحانی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به راه‌های هدایت عقل از منظر قرآن کریم، تأکید کردند: قرآن مجید در این آیات برای عقل سه راه معین کرده است. نخست راه برهان است؛ برهان و استدلال که عقلا آن را درک می‌کنند؛ دوم، موعظه حسنه یا پند و اندرز است که برای کسانی که از قدرت استدلال برخوردار نیستند؛ اما ذهن پاک و سالم دارند، استفاده می‌شود؛ سومین راه جدال احسن است که باید دقت شود این جدال، جدال روشمند و اخلاقی و در پی حقیقت باشد.



آیت‌الله شب‌زنده‌دار در بازدید میدانی از نیروهای هوافضای سپاه

پیروزی جبهه حق؛ وعده‌ای قطعی و تخلف‌ناپذیر قرآن کریم در برابر کثرت دشمنان

خلاّهای به‌وجودآمده به‌سرعت جبران شد و دشمنان ناکام ماندند.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، یکی از نتایج جنگ تحمیلی اخیر را، شناخت نقاط ضعف و قوت برشمرد و پرداخت و تصریح کرد: نصرت الهی بعد از امتحانات و غربال‌های سخت، نصیب جبهه حق گردید.

گفتنی است، در ابتدای این دیدار برخی از فرماندهان، گزارشی از تجاوز رژیم غاصب صهیونیستی، عملکرد و موفقیت‌های نیروهای هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقابله با آنها ارائه دادند.

غیرِی» ایشار و استبدال در آن شایسته نیست.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، با بیان منطق قرآن پیرامون نصرت جبهه حق در مقابل کثرت دشمنان، به تفسیر و تبیین آیات مبارکات پیرامون داستان جالوت و طالوت پرداخت و تصریح کرد: نصرت الهی بعد از امتحانات و غربال‌های سخت، نصیب جبهه حق گردید.

آیت‌الله شب‌زنده‌دار در ادامه با بیان اینکه طبق آیات قرآن، عناد و دشمنی و کینه‌توزی یهود تا قیامت ادامه خواهد داشت، به تدابیر داهیانۀ رهبر معظم انقلاب در ساعات اولیه جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اشاره و تأکید کرد:

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه، از یکی از یادگان‌های هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بازدید و با فرماندهان و رزمندگان دیدار کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله شب‌زنده‌دار عضو فقهای شورای نگهبان، در ابتدای این دیدار برای شهدای جنگ تحمیلی اخیر، طلب علو درجات و برای جانبازان و مجروحان، شفای عاجل از درگاه الهی خواستار شد.

وی با بیان اینکه نصرت دین الهی، از جمله توفیقاتی است که براساس فرازی از دعایی در شب‌های ماه مبارک رمضان «وَتَجْعَلُنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهٖ لِذِيكِ وَلَا تُشَيِّدْ لِي بِي



• آیت‌الله‌العظمی سیستانی

دفتر آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیستانی در چارچوب موضع ثابت ایشان در قبال مسائل امت اسلامی و حمایت از مظلومان، بیانیه‌ای صادر کرد و در آن از جامعه بین‌المللی، به‌ویژه کشورهای عربی و اسلامی، خواست تا مسئولیت‌های اخلاقی و انسانی خود را پذیرفته و اقدامات فوری برای نجات غیرنظامیان از جنگال گرسنگی و مرگ انجام دهند. ترجمه متن بیانیه به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

پس از نزدیک به دو سال گذشتار و ویرانی بی‌وقفه که صدها هزار شهید و زخمی بر جای گذاشته و شهرها و مجتمع‌های مسکونی را به کلی نابود کرده است، این‌روزها مردم مظلوم فلسطین در نوار غزه با شرایط زندگی بسیار دشواری روبه‌رو هستند؛ به‌ویژه کمبود مواد غذایی که به فحقی گسترده انجامیده و حتی کودکان، بیماران و سالمندان را نیز درگیر کرده است.

اگرچه از نیروهای اشغالگر جزاین وحشیگری هولناک – در راستای تلاش‌های مداومشان برای آواره کردن فلسطینیان از سرزمینشان – انتظاری نمی‌رود، اما از کشورهای جهان، به‌خصوص کشورهای عربی و اسلامی، انتظار می‌رود که اجازه ندهند این فاجعه انسانی بزرگ ادامه پیدا کند و تمام تلاش خود را برای پایان دادن به آن به کار گیرند و حداکثر فشار را برای وادار کردن رژیم اشغالگر و حامیانش به بازگشایی راه‌ها جهت رساندن مواد غذایی و سایر مایحتاج ضروری به غیرنظامیان بی‌گناه در کوتاه‌ترین زمان ممکن اعمال کنند.

تصاویر هولناک فحقی فراگیر در غزه که رسانه‌ها منتشر می‌کنند، وجدان هر انسان بیداری را می‌خراشد و حتی لذت خوردن و آشامیدن را از هر کس که ذره‌ای وجدان دارد، می‌رباید، همان‌گونه که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در مورد تجاوز به یک زن در سرزمین‌های اسلامی فرمودند: «اگر مسلمانی پس از دیدن این فاجعه از غم بمیرد، نه‌تنها ملامتی بر او نیست، بلکه سزاوار ستایش است.»

ولا حول ولا قوة الا بالله العلی‌العظیم.

(۲۹ محرم ۱۴۴۷ ه‍.ق – مطابق با ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۵ م)
دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی سیستانی – نجف اشرف

• آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی

حضرت آیت‌الله نوری همدانی تصریح کردند: اکنون زمان آن فرا رسیده است که همه نیروهای صادق جهان اسلام، اعم از علما، روشنفکران، و دولت‌مردان، با کنار گذاشتن اختلافات داخلی، به وظیفه اسلامی و انسانی خود در قبال مردم غزه عمل کنند. بیداری امت اسلامی، نیازمند فریاد عدالت‌خواهی و اقدام هماهنگ است. متن بیانیه حضرت آیت‌الله نوری همدانی پیرامون مسائل در حال وقوع غزه به این شرح است

بسم‌الله الرحمن الرحیم

ملت‌های شریف جهان اسلام!

علمای اعلام!

دولت‌های مسلمان و آزاداندیش!

﴿وَإِنْ اِشْتَضَعْتُمْوَكُمْ فِی الدِّینِ فَعَلٰیكُمْ النُّصْرُ﴾ (انفال/ ۷۲)

بار دیگر وجدان بشریت و فطرت‌های پاک، در برابر جنایتی هولناک و ننگین از سوی رژیم کودک‌کش صهیونیستی به لرزه درآمد. غزه مظلوم، اکنون نه‌تنها در آتش بمباران‌های بی‌امان می‌سوزد، بلکه در حلقه محاصره غذایی، دارویی و انسانی نیز گرفتار آمده است. گرسنگی گسترده، شهادت مظلومانه کودکان، زنان، سالخوردگان و بیماران و صحنه‌های دلخراش جان دادن مردم بی‌گناه بی‌دفاع، دل هر انسان آزاده‌ای را در به در می‌آورد.

این اقدامات، نه‌تنها مصداق بارز نسل‌کشی و جنایت جنگی است، بلکه با هیچ معیار انسانی، حقوقی، شرعی و بین‌المللی قابل توجیه نیست. فریاد مظلومیت مردم غزه، امروز آزمون بزرگی برای علمای اسلام، رهبران کشورهای اسلامی و نهادهای بین‌المللی است.

در روزگاری که فریاد مظلومیت ملت فلسطین، به‌ویژه در غزه، به گوش جهانیان رسیده، وجدان‌های بیدار انسانی در سراسر جهان، از ظلم آشکار رژیم صهیونیستی بر مردم بی‌دفاع به خشم آمده‌اند. در این میان، وظیفه‌ای سنگین بر دوش علمای دین و دولت‌های اسلامی است؛ چرا که نه‌تنها بر اساس معیارهای انسانی، بلکه به حکم قرآن و سنت، موظف به دفاع از مظلوم و مقابله با ظلم‌اند. وظیفه علمای دین در این شرایط حساس و تاریخی این است که با صدور فتواهای حمایتی و دعوت به وحدت در برابر دشمن مشترک و نیز محکومیت صریح رژیم صهیونیستی و هرگونه عادی‌سازی روابط با آن، گام‌های نقش‌آفرین و موثری را بردارند. تشویق مردم به حمایت مادی و معنوی از ملت فلسطین و همچنین استفاده از تریبون‌های



نماز جمعه و جماعات و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حوزوی و دانشگاهی رسانه‌ها برای بیدارسازی امت اسلامی از وظایف خطیر دینی، سیاسی و اجتماعی همه ماست و طبعاً غفلت و تسامح از آن عقوبت دنیوی و اخروی را در پی خواهد داشت.

دولت‌های اسلامی نیز نه‌تنها بر اساس همبستگی دینی، بلکه از منظر انسانی و حقوق بشری موظف‌اند در برابر جنایات جنگی رژیم اشغالگر قدس، موضعی قاطع اتخاذ کنند. متأسفانه، در بسیاری از موارد، شاهد سکوت یا حتی همکاری برخی دولت‌ها با این رژیم بوده‌ایم. از دولت‌های اسلامی انتظار می‌رود روابط دیپلماتیک خود را با رژیم صهیونیستی قطع یا تعلیق کنند و از ظرفیت نهادهای بین‌المللی برای محکوم‌سازی و مجازات این رژیم بهره بگیرند و همچنین کمک‌های انسان‌دوستانه و پزشکی به مردم غزه ارسال نموده و حمایت از مقاومت مشروع مردم فلسطین را در دستور کار قرار خود دهند.

بی‌تفاوتی علمای دین و دولت‌های اسلامی، نه‌تنها موجب استمرار ظلم می‌شود، بلکه به تضعیف جایگاه اسلام در سطح جهانی می‌انجامد. وحدت اسلامی و بیداری امت، تنها در سایه اقدام عملی و حمایت واقعی از مظلومان شکل می‌گیرد. نسل جوان مسلمانان نیز عملکرد علمای دین و رهبران سیاسی را با دقت رصد می‌کنند و سکوت را نشانه‌ای از نفاق یا ضعف اراده دینی می‌دانند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که همه نیروهای صادق جهان اسلام، اعم از علما، روشنفکران، و دولت‌مردان، با کنار گذاشتن اختلافات داخلی، به وظیفه اسلامی و انسانی خود در قبال مردم غزه عمل کنند. بیداری امت اسلامی، نیازمند فریاد عدالت‌خواهی و اقدام هماهنگ است.

فاجعه غزه، نه‌تنها یک بحران انسانی، بلکه آزمونی تاریخی برای جهان اسلام است. علمای اسلام باید نقش پیشگامان این حرکت بیداری را ایفا کنند و دولت‌های اسلامی نیز باید ثابت کنند که شایسته نام «اسلامی» هستند. اگر امروز در قبال خون‌های پاک ریخته شده سکوت شود، فردا نوبت سرزمین‌های دیگر خواهد بود. ما یقین داریم که وعده الهی در نصرت مظلومان و سقوط ظالمان، تخلف‌ناپذیر است: ﴿إِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظَّالِمُونَ﴾ (انعام/ ۱۳۵)

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

• نامه سرگشاده جامعه مدرسین به علمای جهان اسلام

در پی نشل‌کشی رژیم غاصب صهیونیستی در نوار غزه، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور نامه‌ای سرگشاده، از علما و دانشمندان جهان اسلام جهت عمل به وظیفه انسانی – اسلامی نسبت به مردم غزه، دعوت به عمل آورد.

متن این نامه بدین شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب‌العالمین و صلی الله علی نبینا محمد رسول الله و علی آله الطاهرین و صحبه المنتجبین

قال الله تعالی فی کتابه الکریم: ﴿وَ مَا لَکُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللّٰهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنَا اُخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْیَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ وَلِیًّا وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ نَصِیرًا﴾. (النساء/ ۷۵)

علمای جهان اسلام؛ اساتید محترم حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در سرزمین‌های اسلامی، هم‌اکنون به داد مردم مظلوم غزه برسید، ساعتی بعد دیر است.

امروز جهان اسلام در معرض یک امتحان بزرگ الهی قرار گرفته است. مردم بی‌دفاع غزه با یک تحریم شدید غذایی مواجه هستند و برخی از دولت‌ها در برابر این نسل‌کشی نه‌تنها ساکت ننشسته، بلکه در حمایت از دولت صهیونی برآمده تا جهان شاهد جبهه‌گیری تمام کفر در برابر تمام اسلام باشد.

قرآن کریم، امت اسلامی را در برابر یهود صدر اسلام، بیدار کرده و یهود را دشمن‌ترین مردم نسبت به اهل ایمان دانسته ﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِینَ آمَنُوا الْیَهُودَ وَ الَّذِینَ أَشْرَكُوا﴾. (المائدة/ ۸۲) و از مکر و تیرنگ آن‌ها در برابر اسلام پرده برداشته است و دوستی با یهود را به منزله داخل شدن در سلک آن‌ها می‌داند ﴿بِأَیْهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْیَهُودَ وَ النَّصَارَی اَوْلِیَاءَ بَعْضُهُمْ اَوْلِیَاءُ بَعْضٍ وَ مَنْ یَتَوَلَّهُمْ مِنْکُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللهَ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ﴾. (المائدة/ ۵۱)

امروز سکوت هر مسلمان خیانت به قرآن کریم و تیشه زدن به ریشه اسلام است. امروز طنین ندای امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام از دل تاریخ به گوش می‌رسد ﴿أَمَا وَ الَّذِی فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْخَاضِرِ وَ قِیَامُ الْحُجَّةِ یُوحِیْدُ النَّاصِرَ وَ مَا أَخَذَ اللهُ عَلَی الْعُلَمَاءِ اَلَا یَقَاسُوا عَلَی کِطْلَةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعْبٍ مَّظْلُومٍ...﴾ که نشان می‌دهد ارزش هر مقام و منزلتی در اسلام به فایده آن برای امت اسلامی است.

از سوی مراجع عظام تقلید، مسئولان و نهادهای حوزوی عنوان شد

ضرورت اقدامات عاجل برای اوضاع بحرانی غزه

در پی وخامت اوضاع انسانی در غزه، مراجع عظام، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مدیر حوزه‌های علمیه کشور و مجلس خبرگان رهبری، در بیانیه‌هایی، خواستار اقدامات عاجل از سوی جهان اسلام و عالم بشریت شدند. عمل به مسئولیت‌های اخلاقی و انسانی، عمل به وظیفه از سوی همه نیروها و عناصر جهان اسلام در قبال مردم غزه، از تأکیدات در این بیانیه‌ها بود.

امروز بر علمای امت وظیفه و تکلیف است که در برابر این جنایت آشکار و سکوت قدرت‌های سیاسی سرزمین‌های اسلامی، سکوت و بی‌عملی جامعه جهانی و سازمان‌های بین‌المللی را شکسته و برای نجات مردم ستم‌دیده فلسطین از جنگال حکمرانان غاصب، فریاد

برآورند تا دولت‌های اسلامی از غفلت درآمده و به وظیفه خود عمل کنند.

امروز بی‌تفاوتی به دستور الهی مبنی بر کمک به مظلومان، مساوی با کفر است.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ضمن محکوم کردن این ظلم عظیم، با دعوت از علمای اسلام به وحدت کلمه و انسجام هرچه بیشتر مسلمانان و اعلام انزجار نسبت به این جنایت، خواستار شکستن سکوت و تلاش برای یاری ملت مظلوم فلسطین است. ﴿وَسِیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا اَنَّهُ مُنْقَلَبٌ یَّتَغَلَّبُونَ﴾

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

• مجلس خبرگان رهبری

هیأت‌رئیسه مجلس خبرگان با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم‌کردن جنایات رژیم صهیونیستی در استفاده از سلاح گرسنگی علیه مردم غزه، خواستار حرکت و اقدام عملی سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای اسلامی با محوریت علمای بیدار و مردم آزاده جهان شدند. متن این بیانیه به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«اُذِنَ لِلَّذِینَ یَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَ إِنَّ اللهَ عَلَی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ»

امروز جهانیان شاهد فجیع‌ترین جنایات بشری در غزه هستند و گزارش‌ها از مرگ تدریجی هزاران انسان و قتل ده‌ها کودک و زن مظلوم فلسطینی از فرط گرسنگی حکایت دارد.

این در حالی است که استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی، نقض آشکار حقوق بشر و اصول اخلاقی است.

در این شرایط، سکوت و بی‌عملی تمام کسانی که در برابر این نسل‌کشی چشم بسته‌اند، مساوی با همدستی در این جنایت فجیع و غیرانسانی رژیم صهیونیستی است؛ فاجعه‌ای که با اراده سیاسی سازمان ملل، تحرک سران کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی با محوریت علمای بیدار و امداد‌رسانی انسان‌های دردمند می‌تواند و باید متوقف شود. در غیر این‌صورت تاریخ، قضاوتی سخت درباره کسانی که در برابر مرگ کودکان غزه سکوت کردند، خواهد داشت.

مجلس خبرگان رهبری، با تکیه بر اصول اسلامی و ارزش‌های انسانی، استفاده از گرسنگی به‌عنوان سلاح جنگی را نقض آشکار فرمان خداوند و حقوق بشر می‌داند و اقدامات پلید رژیم کودک‌کش اسرائیل و دامن‌زدن به فاجعه گرسنگی عمدی در غزه و هدف قراردادن کسانی را که برای تهیه غذایی مختصر تجمع می‌کنند، به شدیدترین شکل محکوم می‌کند و هر نوع کمک به مردم مظلوم غزه را مصداق جهاد می‌داند.

این مجلس همچنین با حمایت از اقدامات صورت‌گرفته به‌ویژه ابتکار مسلمانان مالزیایی برای اعزام کشتی‌های حامل مواد غذایی و مایحتاج عمومی با هدف شکستن محاصره غزه، خواستار رفع



فوری محاصره و امکان ارسال کمک‌های بشردوستانه به غزه می‌باشد و بر واکنش جدی جامعه جهانی و پیگرد قانونی عاملان جنایات رژیم غاصب صهیونی در غزه با اعمال فشارهای بین‌المللی و همبستگی امت‌های مسلمان مخصوصاً علمای جهان اسلام و تمام انسان‌های آزاده جهان برای پایان‌دادن به این ظلم آشکار تأکید می‌نماید.

• آیت‌الله اعرافی در نامه‌ای به علمای بزرگ کشورهای اسلامی

مدیر حوزه‌های علمیه طی نامه‌هایی از علمای دنیای اسلام خواست تا طاغوت ظلم را خطاب قرار دهند و گرسنگی مظلومان را فریاد زنند و بر دولت‌های اسلامی بانگ برآورند و خواستار اقدام فوری امت اسلامی و نهادهای بین‌المللی برای شکستن محاصره و رساندن کمک‌های حیاتی شوند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی طی نامه‌هایی به برخی شخصیت‌ها و علمای بزرگ اسلامی نوشت که با قلبی اندوهناک از جنایات جنگی صهیونیست‌ها و با روحی آکنده از اخوت اسلامی این نامه را تقدیم کرده‌ام. مدیر حوزه‌های علمیه بیان کرد: در میانه آتش و گرسنگی، چشم امید برادران و خواهران غزه به امت اسلامی دوخته شده است و گرسنگی کودک مسلمان، نه‌تنها اشک بر چشم می‌نشاند بلکه عذری در پیشگاه الهی باقی نمی‌گذارد.

عضو شورای عالی حوزه در ادامه، مظلومیت غزه را نه‌تنها بحرانی سیاسی ، بلکه آزمونی الهی برای صداقت ادعای وحدت و وجدان‌های بیدار دانست.

آیت‌الله اعرافی از علمای دنیای اسلام خواست تا طاغوت ظلم را خطاب قرار دهند و گرسنگی مظلومان را فریاد زنند و بر دولت‌های اسلامی بانگ برآورند و خواستار اقدام فوری امت اسلامی و نهادهای بین‌المللی برای شکستن محاصره و رساندن کمک‌های حیاتی شوند.

مدیر حوزه‌های علمیه، امت اسلامی و جهان را به اقدامی اساسی فراخواند و آمادگی حوزه‌های علمیه برای نشست یا سمیناری بین‌المللی برای هم‌افزایی علمی و معنوی امت اسلامی را اعلام کرد و گفت: مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه و ملت رشید ایران و محور مقاومت، فریاد رسای خود را در حمایت از گرسنگان و مجاهدان سر می‌دهند.

اسامی علمای اسلام و ادیان و شخصیت‌های جهان اسلام که برای ایشان نامه ارسال شده است:

- ۱. عالیجناب پاپ لئو چهاردهم، رهبر محترم کلیسای کاتولیک
- ۲. جناب علامه دکتر شیخ احمد الطیب، شیخ محترم الازهر شریف
- ۳. جناب پروفیسور دکتر علی ارباش، رئیس محترم سازمان دیانت جمهوری ترکیه
- ۴. جناب شیخ صالح بن عبدالله بن حمید، رئیس محترم مجمع فقه اسلامی بین‌المللی
- ۵. جناب پروفیسور دکتر علی محی‌الدین قره‌داغی، رئیس محترم اتحادیه جهانی علمای مسلمان
- ۶. جناب دکتر شیخ محمد العیسی، رئیس محترم رابطه العالم الاسلامی
- ۷. جناب کیایی حاجی مفتاح الاخیار، رئیس محترم مجلس‌العلمای اندونزی
- ۸. جناب کیایی حاجی یحیی خلیل طاروق، رئیس محترم نهضت‌العلمای اندونزی
- ۹. جناب پروفیسور دکتر حیدر ناصر رئیس محترم جمعیت محمدیه اندونزی
- ۱۰. مولانا سید ارشد مدنی، رئیس محترم ملی جمعیت علمای هندوستان
- ۱۱. مولانا شیخ ابوبکر احمد، دبیرکل محترم جمعیت علمای اهل سنت و جماعت هندوستان
- ۱۲. مولانا سید سلمان ندوی، رئیس محترم دانشگاه امام احمد بن عرفان شهید هندوستان
- ۱۳. مولانا سید سعادت الله حسینی، رئیس محترم جماعت اسلامی هندوستان
- ۱۴. مولانا ولی‌الله سعیدی، معاون محترم امیر جماعت اسلامی هندوستان
- ۱۵. مولانا فضل الرحمن، رئیس محترم جماعت اسلامی پاکستان
- ۱۶. مولانا مفتی محمد تقی عثمانی، مفتی اعظم پاکستان
- ۱۷. مولانا مفتی عبدالرحیم، مدیر محترم جامعه الرشید کراچی
- ۱۸. مولانا طاهر اشرفی، مشاور محترم نخست وزیر پاکستان
- ۱۹. مولانا راغب نعیمی، رئیس محترم شورای ایدولوژی اسلامی پاکستان
- ۲۰. مولانا صاحبزاده حامد رضا، رئیس محترم شورای اتحاد سنی پاکستان
- ۲۱. مولانا محمد ثروت اعجاز قادری، رئیس محترم تحریک سنی پاکستان
- ۲۲. مولانا لیاقت بلوچ، نائب محترم امیر جماعت اسلامی پاکستان
- ۲۳. مولانا دکتر محمد طاهر القادری، رئیس محترم تحریک منہاج‌القرآن لاهور پاکستان
- ۲۴. مولانا دکتر ابوالخیر محمد زبیر، رئیس محترم جمعیت علمای پاکستان و شورای وحدت ملی
- ۲۵. مولانا شیخ منیب الرحمان دام عزه، دبیر محترم اتحادیه تنظیم المدارس پاکستان
- ۲۶. مولانا محمد حنیف جالندهری دبیرکل وفاق المدارس العربیة پاکستان



از جامعه بین‌المللی درخواست کرده‌اید که به حقوق بشر دوستانه پایبند باشد و به وظیفه حفاظت از غیرنظامیان، ممنوعیت مجازات جمعی، استفاده بی‌رویه از زور و جابجایی اجباری جمعیت احترام بگذارد.

عالی‌جناب!

اکنون آنچه در غزه در حال وقوع است، قطعاً با هیچ یک از موازین دینی، انسانی و اخلاقی قابل تصور نیست. هر روز ده‌ها کودک به‌خاطر قحطی و گرسنگی جانشان را از دست می‌دهند و یک نسل‌کشی آشکاراست و دل هر انسان آزاده‌ای را جریحه‌دار می‌سازد. در این اوضاع هولناک اگر انبیای الهی همچون حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله حضور داشتند، آیا مشاهده این همه رنج و مصیبت را تحمل می‌کردند؟! یا صرفاً نظاره‌گر این نوع رویدادهای خشن و غیرانسانی بودند و هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دادند؟!

امید است جناب عالی و دیگر رهبران دینی در پیشگیری از این نوع جنایات ضد بشری توسط رژیم صهیونیستی اقدامات موثر و نقش‌آفرین انجام دهند.

عالی‌جناب!

در پایان پیشنهاد می‌کنم، ادیان ابراهیمی ضمن محکومیت سوء استفاده ابزاری از دین برای خلق فجایع پیش‌گفته (تداوم ۸۰ سال جنایت به بهانه تشکیل دولت یهودی توسط صهیونیست‌های جنایتکار) ذیل چارچوبی هوشمند و جهانی، تمام ظرفیت خویش را برای ممنوعیت و محکومیت به‌کارگیری زور و خشونت از یک‌سو و نضج صلح و انسانیت از سوی دیگر به‌کار بندند.

حوزه علمیه مقدسه قم/ حسین نوری همدانی

آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی

عالی جناب پاپ؛ اگر حضرت عیسی علیه السلام بودند اوضاع هولناک غزه و جنایات رژیم صهیونی را تحمل می‌کردند؟!

حضرت آیت‌الله نوری‌همدانی در نامه‌ای به پاپ آورده‌اند: در این اوضاع هولناک غزه اگر انبیای الهی

همچون حضرت عیسی علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله حضور داشتند آیا مشاهده این‌همه رنج و مصیبت را تحمل می‌کردند؟!

یا صرفاً نظاره‌گر این نوع رویدادهای خشن و غیرانسانی بودند و هیچ‌گونه واکنشی از خود نشان نمی‌دادند؟!

اسلام دین رحمت و انسان‌دوستی است و آزار رساندن به بی‌گناهان، به‌ویژه کودکان و زنان، شدیداً نکوهش شده است. در تعالیم مسیح نیز کمک به گرسنگان و نیازمندان یک وظیفه الهی است. در تورات نیز بر عدالت و مهربانی با دیگران تأکید فراوان شده است. از منظر ادیان الهی، محروم کردن مردم از غذا، ظلمی فاحش در برابر خواست الهی است.

از منظر اخلاق انسانی و وجدان بیدار هم محاصره صدها هزار نفر بی‌گناه از جمله زنان و کودکان و اعمال فشار و هجوم ددمنشانه بر آنان و جلوگیری از رسیدن غذا و دارو به ایشان، خطایی نابخشودنی است.

اخلاق انسانی بر پایه کرامت ذاتی انسان بنا شده است. هر انسان بی‌گناهی، صرف‌نظر از ملیت، دین یا نژاد، سزاوار زندگی شرافتمندانه است. محروم‌سازی عامدانه یک جمعیت از غذا، آب و دارو، جنایتی علیه وجدان بشر و نافی اصول بنیادین همزیستی انسانی است. رفتار رژیم صهیونیستی با مردم غزه نه‌تنها غیراخلاقی و غیرانسانی، بلکه بر اساس اسناد معتبر حقوق بین‌الملل جنایت جنگی محسوب می‌شود.

رفتار ظالمانه و غیرانسانی رژیم صهیونیستی در ممانعت از ورود غذا و اقلام حیاتی به مردم غزه، نقض صریح اصول دینی، انسانی، اخلاقی و حقوق بین‌الملل است. این اقدام نه‌تنها شایسته محکومیت جهانی است، بلکه مستحق پیگردو مجازات بین‌المللی نیز می‌باشد. اکنون وظیفه همه انسان‌های آزاده، سازمان‌های حقوق بشر، نهادهای دینی و ملت‌های جهان است که در برابر این جنایت خاموش نباشند و صدای مظلومان غزه باشند.

اینجانب ضمن تحسین از مواضع جناب عالی در مسئله فلسطین که در خطابه اخیر، نگرانی خود را از وضعیت فاجعه‌بار انسانی مردم غزه ابراز نموده‌اید و آن را وضعیتی دانسته‌اید که بهای دردناک آن به‌ویژه بر دوش کودکان، سالمندان و بیماران است. از سوی دیگر



حرکت جمهوری اسلامی در پاسخ به رژیم صهیونیستی و تأثیر فکری آن در سراسر جهان و جهان اسلام است.

دبیر دوم شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، با اشاره به مواردی از مذاکرات خود با برخی از اندیشمندان سنی و مسیحی و تمایل پیداکردن آنها به شناخت تشیع و آرمان‌های انقلاب اسلامی، بیان کرد: در طول ۳۵ سال که مرتب با خارج از کشور در تماس هستم، این اقبال و توجه به مکتب تشیع و جمهوری اسلامی را هیچ‌گاه سراغ نداشته‌ام.

وی ادامه داد: این موج عظیم و این وضعیتی که امروز برای مکتب تشیع در دنیا ایجاد شده است، به‌برکت رهبری داهبانه رهبر معظم انقلاب اسلامی– مدظله‌العالی– تلاش‌های نخبگان متعهد و ایثار و فداکاری شهدا بوده است.

این استاد حوزه علمیه، با اشاره به افزایش بی‌سابقه تمایلات جهانی برای شناخت مکتب تشیع و انقلاب اسلامی، خطاب به مدیران حوزه‌های علمیه تصریح کرد: وظیفه شما ساختن و تربیت کردن نیروهایی است که بتوانند پاسخگوی نیازهای انبوه در جهان امروز باشند.

وی افزود: وضعیت امروز جهان می‌طلبد که در تطابق با سرعت عجیب فکری جهان، در تربیت

عضو شورای‌عالی حوزه، انگیزه و تلاش فوق‌العاده و سعی وافر برای رسیدن به قله جامعیت را نقطه مشترک بزرگان حوزه عنوان کرد و گفت: من با وضعیت موجود حوزه‌ها، مدارس و طلاب آشنا هستم و معتقدم که اگر همین الآن با همه مشکلاتی که هست، به‌خوبی به طلاب انگیزه بدهیم و به آنها کمک کنیم، نیروهای مستعدی که آماده پروازند، در حوزه‌های علمیه نمود پیدا می‌کنند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، آیت‌الله جواد مروی در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با حضور اعضای شورای‌عالی و معاونان مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در مشهد مقدس برگزار شد، با اشاره به دفاع مقدس دوازده روزه، ابراز کرد: شهادت جمعی از فرماندهان عزیز نیروهای مسلح و نخبگان علمی کشور را که توسط رژیم منحوس و ددمنش صهیونیستی به شهادت رسیدند، گرامی می‌داریم و از هُجَمات بسیار قوی نیروهای مسلح به دشمن صهیونیستی تقدیر می‌کنیم.

وی اضافه کرد: هجوم ددمنشانه رژیم صهیونیستی و پاسخ قاطع جمهوری اسلامی ایران از جهات مختلف قابل تحلیل و بررسی است. یک بخش از آن، تأثیر عظیم و عجیب

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

اتحاد مردم پس از تجاوز رژیم صهیونیستی تقویت شد



این مرجع تقلید خاطرنشان کردند: دشمنان تصور می‌کردند که با حمله به ایران، موجب آشوب و هرج و مرج می‌شوند، اما به لطف خداوند نه‌تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه اتحاد مردم بیش از پیش تقویت شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی عصر چهارشنبه یکم مرداد در دیدار دکتر پزشکبان رئیس‌جمهور، با اشاره به وضعیت فعلی کشور اظهار کردند: چهره شما نشان می‌دهد که الحمدلله دارای نشاط هستید.

ایشان با اشاره به جنگ روانی اسرائیل و آمریکا علیه ایران، افزودند: دشمنان تصور می‌کردند که با حمله به ایران، موجب آشوب و هرج و مرج می‌شوند، اما به لطف خداوند نه‌تنها این اتفاق نیفتاد بلکه اتحاد مردم بیش از پیش تقویت شد.

این مرجع تقلید در بخش دیگری از سخنان خود به مشکلات معیشتی مردم اشاره و خاطرنشان کردند: مردم با سه مشکل عمده روبه‌رو هستند: اول مشکل تورم به‌خصوص در مواد غذایی، دوم مشکل مسکن و سوم مشکل اشتغال برای جوانان که باید برای حل این مشکلات کوشش کرد و شما این‌شاء‌الله موفق خواهید شد. معظّم‌له همچنین به اهمیت خیریه‌ها و کمک‌های مردمی برای حل مشکلات اجتماعی اشاره و بیان کردند: خیرین باید تشویق شوند و ما نیز از این اقدامات حمایت می‌کنیم تا ان‌شاء‌الله همه بتوانیم به سهم خود مشکلات مردم را کاهش دهیم.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در پایان با دعای خیر برای مسئولین کشور، اظهار کردند: خداوند توفیقات شما را افزایش دهد تا بتوانید این مشکلات را حل کنید.

آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

شیخ رسول شحّود عمر خود را صرف نشر دین و خدمت به مردم رنج‌کشیده سوریه کرد

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در پیامی به‌مناسبت شهادت مظلومانه حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ رسول شحود از علمای سوریه، گفتند: ایشان که یکی از روحانیون و شاگردان مکتب اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، عمر خود را صرف نشر دین و خدمت به مردم رنج‌کشیده آن سرزمین نمود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در پیامی، شهادت مظلومانه حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ رسول شحود، از علمای سوریه به دست جنایت‌کاران و تروریست‌های تکفیری را موجب تأسف و تألم دانستند که متن آن به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

خبر شهادت مظلومانه جناب حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ رسول شحود که به دست جنایت‌کاران و تروریست‌های تکفیری در کشور سوریه به شهادت رسید، موجب تأسف و تألم گردید.

ایشان که یکی از روحانیون و شاگردان مکتب اهل‌بیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، عمر خود را صرف نشر دین و خدمت به مردم رنج‌کشیده آن سرزمین نمود.

سردمداران فعلی سوریه باید توجه داشته باشند که اگر دولتی فراگیر از همه اقوام و مذاهب و دلسوز مردم، بدون اتکاء به دشمنان اسلام و مسلمین در این سرزمین بر سر کار نباشد و برای استقلال، عزت و امنیت آن کشور نکوشد، آتش نارضایتی، آشوب و جنایت دامن همه را خواهد گرفت.

در پایان از خداوند متعال علوّ درجات این شهید عزیز و صبر و اجر بازماندگان را از خداوند متعال مسألت دارم و اصلاح کار کشور و ملت سوریه را آرزومندم.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

قم – ناصر مکارم شیرازی

اشتراک افق حوزه

۰۵۳۶-۰۲۵

۰۹۱۹۶۹۱۴۴۵۰

آیت‌الله مروی

انگیزه و تلاش فوق‌العاده برای رسیدن به قله جامعیت نقطه مشترک بزرگان حوزه بوده است

عضو شورای‌عالی حوزه، انگیزه و تلاش فوق‌العاده و سعی وافر برای رسیدن به قله جامعیت را نقطه مشترک بزرگان حوزه عنوان کرد و گفت: من با وضعیت موجود حوزه‌ها، مدارس و طلاب آشنا هستم و معتقدم که اگر همین الآن با همه مشکلاتی که هست، به‌خوبی به طلاب انگیزه بدهیم و به آنها کمک کنیم، نیروهای مستعدی که آماده پروازند، در حوزه‌های علمیه نمود پیدا می‌کنند.

که اگر همین الآن با همه مشکلاتی که هست، به‌خوبی به طلاب انگیزه بدهیم و به آنها کمک کنیم، نیروهای مستعدی که آماده پروازند، در حوزه‌های علمیه نمود پیدا می‌کنند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مدیران مدارس و اساتید را ستون فقرات حوزه علمیه توصیف و بیان کرد: آغاز راه موفقیت طلبه برای رسیدن به جامعیت در فقه، اصول، اخلاق، اقتصاد اسلامی، روان‌شناسی و غیره، خوب خواندن ادبیات عرب است؛ نقضی که متأسفانه در حوزه‌های علمیه مشاهده می‌شود. آیت‌الله مروی ضمن بیان مواردی از اهتمام بزرگان به ادبیات عرب، بر جایگاه ویژه و مؤثر متون آموزشی شعرمحور مانند «الفیه ابن‌مالک» در فراگیری ادبیات تأکید کرد.

وی در پایان با اشاره به اهمیت توجه طلاب و اساتید به مسائل تهذیبی، گفت: تأکید در این زمینه اول برای خودم است. شاعر می‌گوید: «یا أَيُّهَا الرَّجُلُ الْمُعَلِّمُ غَیْزُهُ هَلَا بَدَأْتَ لِنَفْسِكَ التَّعْلِيمَا تَصِفُ الدَّوَاءَ لِذِي السَّقَامِ وَذِي الضَّنَا کَیْمَا یَصْخُ بِهِ وَأَنْتَ سَقِیمٌ وَارَاكَ تُصْلِخُ بِالرِّشَادِ عُقُولَنَا أَبْدَأُ وَأَنْتَ مِنَ الرِّشَادِ عَدِیمٌ» «نفس خود ناکرده تسخیرای فلان چون کنی تسخیر نفس دیگران تو بر اول خودت در بند کن وانگهی آهنگ وعظ و پند کن»

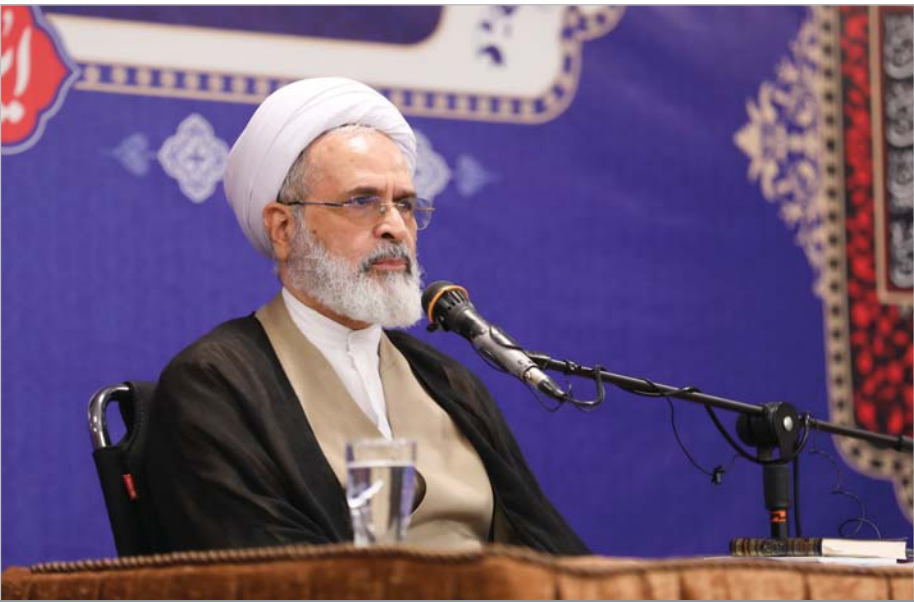
نیرو مسیر درستی را بییماییم؛ لذا باید الزامات و بایسته‌های آموزش و تربیت موفق، احصا و پیگیری شود.

آیت‌الله مروی با تأکید بر لزوم جامعیت طلاب ابراز کرد: من با تخصص‌گرایی مخالف نیستم؛ لکن طلبه‌ای که امروز در نظام حوزوی ما تربیت می‌شود، باید از نظر علمی مِن جَمِیعِ الْجِهَات یک طلبه جامع باشد.

وی ادامه داد: جهان تشیع به‌کیفیتی است که شخصی که به یک روحانی مراجعه می‌کند تا در گوش فرزندش اذان گفته شود، از همان روحانی توقع دارد، به شبهات اعتقادی او پاسخ دهد و از او دستگیری اخلاقی داشته باشد.

دبیر دوم شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، شهید مطهری، شهید محمدباقر صدر، بلاغی‌ها و علامه مصباح‌یزدی رحمته‌م را از الگوهای موفق برای جامعیت طلاب برشمرد و اظهار کرد: این الگوهای موفق را باید برای طلاب از همان پایه‌های اول الگوسازی کنیم تا بدانیم که می‌خواهیم به کجا برسیم و طلبه چه هدفی را باید دنبال کند.

وی انگیزه و تلاش فوق‌العاده و سعی وافر برای رسیدن به قله جامعیت را نقطه مشترک بزرگان حوزه عنوان کرد و افزود: من با وضعیت موجود حوزه‌ها، مدارس و طلاب آشنا هستم و معتقدم



آیت‌الله اعرافی

احیای هویت و تمدن حوزوی دستاوردها، چالش‌ها و رسالت‌های پیش‌رو

آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه، در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» و با حضور اعضای شورای عالی حوزه، مدیران حوزه‌های علمیه، معاونان، مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه برگزار گردید، ضمن اشاره به جایگاه برجسته حوزه‌های علمیه در دوره معاصر به‌واسطه اندیشه‌های نوآورانه، حضور فعال در عرصه‌های جهاد و دفاع و پراکندگی جهانی، نکات مهمی در خصوص اهمیت تربیت علمی عمیق، شناخت میراث فلسفی و فقهی، و تأکید بر آموزش جامع طلبه‌ها، به‌ویژه بُعد معنوی و اخلاقی در قالب «برنامه پنهان» آموزشی که نقشی برجسته در شکل‌دهی هویت حوزوی ایفا می‌نماید، ارائه نمود که مشروح آن در متن پیش رو تقدیم حضور می‌گردد.

- دستاوردها و چالش‌های حوزه‌های علمیه در دوره معاصر**

حوزه‌های علمیه امروز دارای اندیشه‌های نورانی و نوآورانه هستند و در میدان‌های جهاد و دفاع حضور فعال دارند. این حوزه‌ها جمع فراوانی از ایثارگران، رزمندگان، آزادگان و شهدای گران‌قدر تقدیم کرده‌اند. آنها به‌صورت گسترده در جهان گسترش یافته و در همه عالم معاصر رو به پیشرفت هستند. این حوزه‌ها ناظر به مسائل نو و معاصر بوده و دارای فضایی جوان و محققان برجسته‌ای هستند. حوزه‌هایی که به‌شکلی بی‌نظیر در طول تاریخ حوزه‌های علمیه به خارج از ایران امتداد یافته‌اند. گاهی عرض کرده‌ام: در گینه کوناکری، آن سوی دنیا، هنگامی که وارد فرودگاه شدم، بیست معمم به‌برکت انقلاب اسلامی آمده بودند. این موضوع پانزده سال پیش اتفاق افتاد. ما پیش از انقلاب اسلامی فقط از هفت– هشت کشور جهان طلاب داشتیم و جدای از موارد اندک، کسی نداشتیم. امروز هزاران نفر با عمامه شما، با این تاج افتخار سربازی حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام در دنیا پراکنده‌اند؛ حوزه‌ای که چتر آن بانوان را نیز فرا گرفته و دارای ذخایر و ظرفیت‌های انباشته است.

اما همین حوزه موفق و سرآمد کنونی، حوزه‌ای است که راه‌های نرفته فراوان دارد. نقص‌هایی دارد که باید ترمیم شود؛ فاصله زیاد با پاسخگویی به همه نیازها، انتظاراتی بیش از آنچه اکنون تأمین می‌کند، تأخیر در امتدادهای مهم فقه و فلسفه و کلام در ارتباط با جهان و جامعه و نظام، ضعف‌هایی در نظام‌های آموزشی و علمی، عدم توجه کافی به همه اولویت‌ها و مهم‌ترین مسائل، کمبودهایی در مسیر ابلاغ مبین، عدم کفایت لازم غده فعلی در برابر سیل تلقینات مغالطه‌آمیز برآمده از تمدن مادی غرب و ضعف‌های دیگری که در نظام‌های آن وجود دارد. این نواقص باید در کنار آن پیشرفت‌ها مورد توجه قرار گیرد.

- احیای هویت حوزوی؛ نخستین مسئولیت طلاب**

در میان نکات مهمی که جزء هویت حوزه هستند، چند مطلب رامطرح می‌کنم. سال قبل همه آنچه در محضر شما مطرح شد، سخنان دوستان و عرایض خود را دیشب مرور کردم تا در جلسات آتی، برخی را تکرار کنم. یادم است سال گذشته عرض کردم که دو مسئولیت بزرگ بر دوش شما نهاده شده است. یکی صیانت، احیا، تقویت و تعمیق هویت حوزوی.

حوزه، هویتی رسالت‌مدار و بسیار ممتاز دارد که ریشه در اعماق تاریخ دارد. این هویت دستاوردهای بزرگی برای عزت و عظمت ایران و منطقه و جهان اسلام به‌بار آورده است. ما نهادهای بی‌ریشه نیستیم؛ پشت‌سر ما سلسله بزرگی از فقها، علما و متفکران قرار دارد. پشت‌سر این نام و زیر این عمامه، تاریخ عظیمی از نهضت‌های الهی و نجات‌بخش مردم قرار دارد.

این هویت در معرض طوفان‌های متنوع و جدید است؛ طوفان‌های علمی و فکری، شبهه و سؤال، طوفان‌های اخلاقی و معنوی و طوفان‌های اجتماعی و سیاسی. این هویت، تناور و تنومند است؛ اما در معرض بادهای سهمگین قرار گرفته است. آقای مدیر و استاد، اولین وظیفه ما صیانت از این هویت، جلادادن به آن و بازآفرینی آن در عمق وجود طلبه است. اگر این هویت زنده باشد، بدانید که این موج‌ها آن را نخواهد شکست.

ما در عصرمان امامی داشتیم که شصت و دو سال پیش در برابر تمام نیروی مسلط بر ایران و منطقه و جهان که به سمت دین‌زدایی می‌رفت، ایستاد و با آن عظمت، روی سکوی فیضیه فرمود: «اسلام شما را نجات می‌دهد، ما خیرخواه شماییم. این عظمت از امام که یک نفر بود و بزرگان حوزه که همراه این مسیر شدند و فته قلیلی بودند؛ اما این هویت استوار به آنها احساس شخصیت و عظمت می‌داد. این هویت را شما باید پاسداری کنید. احیای هویت حوزوی، تعمیق هویت حوزوی، افتخار به هویت حوزوی. اگر این بیاید، همه چیز خواهد آمد؛ حتی اگر هیچ چیز دیگر نداشته باشیم.

گاهی به طلاب بزرگوار می‌گویم: زمانی که در دوران پیش از انقلاب به تحصیل مشغول بودیم، ما سه یا چهار طلبه در صحن مسجد امام حسن عسکری علیه‌السلام، بر روی زبولی فرسوده و در شرایط سخت سرما و گرما به تحصیل اشتغال داشتیم. سال ۱۳۵۴ کتاب اقتصادنا و فلسفتنا را در محضر حضرت آیت‌الله حائری رحمته‌الله فرا گرفتیم؛ در آن زمان نه از امکانات سرمایشی بهره‌ای بود، نه گرمایشی فراهم بود و نه امیدی به آینده در آن زمان به چشم می‌خورد. تمامی جهان مقابل حوزه علمیه قرار داشت. در آن وقت پانزده یا شانزده ساله بودم و در همان سال چندروزی نیز بازداشت شدم. هنگامی که در خیابان‌های قم تردم می‌کردیم، می‌گفتم آمده‌ام برای مجاهدت، فداکاری، تحمل زندان، تبعید و حتی شهادت. در ظاهر هیچ‌چیز در دست نبود؛ لیکن همین هویت بود که آنها را توانمند و مقاوم می‌ساخت. این روحیه و هویت باید بار دیگر احیا گردد.

- هویت حوزوی و منزلت علما؛ دورسالت بنیادین**

برخی مدیران محترم مدارس علمیه در فرآیند جذب متقاضیان، کلیب‌هایی منتشر کرده‌اند که در آنها مطالبی نظیر «آینده کیجاست؟» و «آموزش و پرورش کیجاست؟» مطرح شده است. متأسفانه این نوع بیان فاقد مناسبت و جذابیت لازم بوده است و دوستان نیز نسبت به این موضوع تذکراتی ارائه کرده‌اند. برخی دیگر از مدارس فراتر رفته و به برجسته‌سازی امکاناتی چون وجود استخر در مدرسه پرداخته‌اند. هرچند معتقدم برای آینده باید برنامه‌ریزی کرد و مسیرهای خدمت را

من از همه شما خواهمش می‌کنم که مرتباً پیام «حوزه پیشرو و سرآمد» را مطالعه کنید. یادم هست، روزی که آن پیام را خواندم و به آن اشاره شد، بیش از یک ساعت با آن همراه بودم تا جایی که فراموش کردم، خودم را واسطه انتقال پیام می‌دانم و کاملاً با متن یکی و همسو شده بودم.

بنابراین، جواهر علمی ما یعنی کتاب مکاسب و ظرافت‌های اصولی آن، سرمایه‌ای بزرگ و کم‌همتاست که باید به‌عنوان میراثی گران‌قدر حفظ و توسعه یابد.

- اهمیت هویت تاریخی و معنوی در تربیت حوزوی و نقش برنامه پنهان در آموزش**

یکی از موضوعات بسیار مهم، هویت و رویکرد تاریخی است که نباید آن را دست‌کم گرفت. علاوه بر آن، هویت روحی، معنوی و اخلاقی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نیازمند تأمل، تفکر و تلاش مستمر است. این موضوعات همیشه به‌صورت مستقیم مطرح نمی‌شوند؛ بلکه به‌شکل «برنامه پنهان» در نظام تعلیم و تربیت امروز شناخته می‌شوند؛ همان‌طور که استاد آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله اشاره کرده‌اند، برنامه پنهان گاه تأثیری بزرگ‌تر از برنامه‌های آشکار دارد.

در دوره جدید، به‌ویژه با تلاش حجت‌الاسلام والمسلمین قمی، تأکید شده است که آموزش باید هم مستحکم باشد و هم در دل این نظام آموزشی، نگاه فکری، معرفتی، دینی، اجتماعی و معنوی به‌طور ظریف و حساس جاری و منتقل شود. این برنامه پنهان، شامل رفتار ما با طلبه و استاد، انتخاب متون درسی، نوع مثال‌ها و شبیه‌مواجهه است که در شکل‌دهی هویت معنوی، اخلاقی و عرفانی نقش اساسی دارد. بدون این بعد معنوی و اخلاقی، آموزش مفهومی ندارد؛ این، موضوعی بنیادین است. افتخار حوزه ما در داشتن بزرگان و مفاخر معنوی است که خود را در دین و ارزش‌های الهی محو و ذای خدمت معنوی کردند و در قله‌های معنویت جای دارند. این ویژگی را می‌توان در حوزه‌های بزرگ نجف، حله، جبل عامل، بغداد، ری، قم، تهران و اصفهان مشاهده کرد که همواره انسان‌های معنوی برجسته‌ای پرورش یافته‌اند که مایه افتخار ما هستند.

در این زمینه، یادآوری مقام والای آیت‌الله نائینی رحمته‌الله اهمیت خاصی دارد. با تلاش‌های فراوان حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال و سایر دوستان، مقدمات بارگزاری کنگره عظیم آیت‌الله نائینی رحمته‌الله در مهرماه سال جاری فراهم شده است. این کنگره در چند حوزه مهم از جمله قم، نجف و مشهد برگزار خواهد شد و ان‌شاءالله در سطحی بین‌المللی خواهد بود. مجموعه آثار مرحوم نائینی که حدود چهل و شش جلد است، حاصل چندین سال پژوهش است و تجصیع این مجموعه، گامی بزرگ در شناخت بهتر این شخصیت علمی و معنوی است.

من شخصاً پس از سال‌ها ورود به اندیشه معنوی میزای نائینی رحمته‌الله و مطالعه آثار او، به عظمت روحی این عالم توانمند پی بردم؛ نائینی که در بحار فقه و اصول غرق بود و در مجاهدت‌های مشروطه نقش داشت و یک‌سال را نیز در قم گذراند؛ واقعاً شخصیتی شگفت‌انگیز و بهت‌آور است. روایت‌های زندگی او، بستاننده‌ای معنوی و اخلاقی بزرگ برای حوزه ما به‌شمار می‌رود و بسیار حائز اهمیت است که این میراث معنوی به نسل‌ها منتقل شود.

- گذر از خود؛ شرط اساسی خدمت در مسیر دین**

امروز بخشی از مباحث را برای جلسات بعدی گذاشته‌ام و می‌خواهم، صحبت را با توجه به یک موضوع مهم درباره بعد هویتی آغاز کنم. ابتدا لازم است بگویم، با وجود حضور اساتید بزرگوار، چون این موضوع برگرفته از روایات معصومین علیهم‌السلام است، جسارت می‌کنم و عرض می‌کنم: یکی از شروط اساسی در کارهای بزرگ مدیریتی، تبلیغی، علمی و همه شئون خدمت به دین، «گذر از خود» است.

این سخن از کسی است که خود، هیچ قدرت و مدیریتی نداشته است؛ اما این راز موفقیت است؛ یعنی اینکه انسان باید خود مادی و نفسانی‌اش را کنار بگذارد و مانند بولدووزی بر آن عبور کند تا بتواند، خالصانه در راه خدمت به دین، اسلام و انقلاب قدم بردارد. این اصل هم در کار علمی و هم در مدیریت و تبلیغ دین کلیدی است. این مفهوم در آیه شریفه ۸۳ از سوره قصص آمده است: ﴿بَلِّغْ الذِّكْرَ الْأَخْرَۃَ نَجْعَها لِلَّذِینَ لَا یَرِیدُونَ عُلُوۡفاً فِی الْأَرْضِ وَلَا فِتْناًا وَالْعَاقِبَۃُ لِلْمُحْقیۡنَ﴾

این آیه مشهور است و یکی از جلسات اوایل انقلاب در مدرسه فیضیه قم با حضور حضرت امام رحمته‌الله برگزار شد که در آن جمع، بزرگان حوزه و علما حضور داشتند. پس از جلسه، شهید آیت‌الله مدنی رحمته‌الله به درخواست حضار، این آیه را تلاوت کرد و شور عمیقی در میان جمعیت ایجاد شد. روایت‌هایی از امام صادق علیه‌السلام نیز ذیل این آیه وارد شده که تأکید می‌کند، آرزوهای دنیوی در برابر این آیه رنگ می‌یازد.

﴿عُلُوۡفاً فِی الْأَرْضِ﴾ اشاره به استکبار و تکبر در زمین دارد؛ امروز مصداق بارز آن، استکبار آمریکایی و صهیونیستی است؛ اما روایات می‌گویند: این علو درجاتی دارد؛ ابتدا علو ظاهری است

که منشأ استکبار می‌شود؛ اما مرحله بالاتر آن، تکبر، حب شرف و تجبر فردی است. فساد هم گناهان و انحرافات است.

هنگامی که در درون خود می‌بینیم، دو نفر قابل احترامند؛ ولی من نمی‌توانم خوبی او را ببینم و خودم را کنار بگذارم تا بتوانم مدیریت، تدریس، تبلیغ یا خدمت کنم، در همین نقطه ﴿بَلِّغْ الذِّکْرَ الْأَخْرَۃَ﴾ برای کسانی است که ﴿لَا یَرِیدُونَ عُلُوۡفاً فِی الْأَرْضِ وَلَا فِتْناًا﴾. در این مرحله، تمام آرزوهای دنیوی و کبر و خودپرستی باید رنگ ببازد. کبر و خودخواهی صرفاً موضوعی شخصی نیست؛ یک اصل مدیریتی، حکومتی و اجتماعی است. مهارتی که انسان باید بیاموزد، گذشتن از خود است؛ این مهارت نیازمند تمرین و مراقبت مستمر است. بزرگان ما این نکته را به ما آموختند که باید مراقبت کرد و با کبر و خودپرستی مبارزه کرد. طبیعی است که همه روزها موفق نخواهیم بود؛ اما باید ناظر بر این مبارزه باشیم و آن را در نقشه زندگی خود قرار دهیم و اگر در جایی نتوانستیم، بدانیم خداوند رحیم و مهربان است.

است. طرح‌هایی مانند «اندیشه جامع اسلامی» شهید مطهری، «ولایت» و چند طرح دیگر که برخی هنوز در معاونت تهذیب در حال انجام و تکمیل است، بر این واقعیت تأکید دارند. بارها گفته‌ام که طلبه‌ها در پنج با شش سال نخست تحصیل خود، باید متناسب با سطح علمی، یکی از این طرح‌های آموزشی را طی کنند تا با این رویکرد آشنا شوند. هدف از این آموزش، جلوگیری از برخورد سطحی و ظاهری با اسلام است و نشان‌دادن این نکته است که اسلام یک تمدن کامل و اندیشه‌ای جامع است.

- اهمیت هویت علمی و عمق فقهی در تربیت طلبه و رویکرد تمدنی حوزه**

محور دوم بحث ما، هویت و رویکرد علمی همراه با عمق علمی است. این موضوع درواقع زیرمجموعه همان محور نخست یعنی هویت قرار دارد. تفاوت اصلی ما در این است که گاهی در برخی محیط‌های حوزوی مانند جامعه‌المصطفی رحمته‌الله، شاهد پیشنهادهاتی هستیم مبنی بر اینکه مثلاً در مراکز آموزشی «ام‌القری یا المدینه»، فردی را طی دو سال با مطالبی مختصر و پراکنده آماده می‌کنند که درنهایت خروجی آن، فردی وهایی می‌شود و در سطح جهان فعالیت می‌کند؛ برخی پیشنهاد می‌دهند ما نیز همین مسیر را طی کنیم؛ اما من همواره تأکید کرده‌ام که هرچند داشتن بسته‌های درسی جامع و منسجم ضروری ست؛ اما آنچه مهم‌تر است، تربیت فردی است که ریشه‌ای عمیق در علم، استدلال و عقلانیت داشته باشد. ریشه علمی طلبه، نکته‌ای اساسی است؛ ما نمی‌خواهیم با شستشوی مغزی یا صرف هیجان و احساس، جوانان و جامعه را هدایت کنیم. هیجان و احساس لازم و مطلوب است؛ اما باید مبتنی بر منطق مستحکم باشد که کلام، فلسفه و علوم اسلامی را در اختیار طلبه قرار می‌دهد. ما میراث فوق‌العاده‌ای در فقه داریم که به‌یقین در هیچ نظام حقوقی جهان چنین عمقی یافت نمی‌شود. نظام‌های فقهی ما و ظرافت‌های اصولی آن، از افتخارات بی‌نظیر و کم‌نظیر اندیشه انسانی است. آثار عالمان بزرگی همچون کمپانی، نائینی و استادان برجسته دیگر رحمته‌الله، بیانگر دقت و ظرافت علمی خارق‌العاده‌ای است که حتی اگر برخی نقاط آن کمتر مورد تأکید قرار گیرد، همچنان در زمره تحقیقات علمی برجسته به‌شمار می‌رود.

این سرمایه علمی ارزشمند باید به شایستگی ارج گذارده شود و طلبه باید این عمق فقهی را بشناسد و به خوبی درک کند. خود من نیز بارها شاهد بوده‌ام که نمونه‌هایی، ارزش این میراث را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان نمونه شخصی را در پاریس دیدم که از تبلیگی خارج شده و تنها تا مرحله مطالعه مکاسب پیش رفته بود. وقتی از او پرسیدم: مشغول چه کاری است، گفت در دانشگاه سوربون برای اخذ دکترای حقوق در رشته حقوق معاملات تحصیل می‌کند. درباره موضوع پایان‌نامه‌اش پرسیدم؛ او پاسخ داد که پایان‌نامه‌اش بر اساس دو صفحه از مکاسب است که آن را استخراج، منقح و با یکی از مکاتب حقوقی مقایسه کرده است و حاصل کارش، پایان‌نامه‌ای بسیار ارزشمند شده است.

- اهمیت هویت علمی و فلسفی حوزه و ضرورت بازشناسی میراث فلسفی و حکمت متعالیه**

عمق فلسفی حوزه ما، به‌ویژه اندیشه‌های ملاصدرا، هنوز به‌درستی شناخته نشده است. ما به همه افکار حوزه احترام می‌گذاریم؛ اما مکتب حکمت متعالیه ملاصدرا را بسیار مهم می‌دانیم؛ هرچند قائل به صحت مطلق هر گفته او هم نیستیم.

واقعاً جای تأمل است؛ مکتب حکمت متعالیه بزرگی که شاید شوخی نیست. یادم می‌آید حدود ۲۵ سال پیش و حتی پیش از تأسیس مرکز جهانی حوزه و جامعه‌المصطفی رحمته‌الله، در یکی از سفرهای علمی خود درباره موضوعات جدید فلسفی و اندیشه‌های ملاصدرا مانند «جسمانیة‌الحادث» و «روحانیة‌البقاء» و «وحدت تشکیکی وجود» بحث کردم که برای شنوندگان بسیار جذاب بود. متأسفانه در انتقال و شناساندن آن میراث عظیم فلسفی، همچون کتاب ارزشمند «اشارات»، موفق نبوده‌ام. اگر کسی «اشارات» را به‌درستی بخواند، می‌تواند با هر فیلسوفی در جهان گفت‌وگو کند. من ارزش «اشارات» این‌سینا را بسیار بالاتر از برخی بخش‌های اسفار می‌دانم.

این میراث فلسفی بی‌نظیر باید به دانشگاه‌ها منتقل شود و در ابتدا باید به طلبه‌ها فهمانده شود که ما هویت علمی عمیقی داریم؛ ریشه ما در منابع عظیم علمی است که از آن الهام می‌گیریم و تغذیه می‌شویم. برادران، اگر حوزه را چنین معرفت و هویتی نشان دهیم، دیگر نیازی نیست که با تبلیغات امکانات مادی چون «استخر» طلبه جذب کنیم؛ بلکه باید بگویم ما حتی امکانات مادی نداریم؛ اما گنجینه‌هایی چون اسفار، اشارات، مبسوط، جواهر، مفتاح‌الکرامه، ریاض، مکاسب و بیع امام را داریم و نظریه‌های مترقی در حوزه نظامات حقوقی و فلسفی عرضه می‌کنیم. اینها کالای اصلی ماست. البته یکی از مشکلات ما این است که این میراث علمی را به‌درستی به مسائل و فضای روز معاصر متصل نمی‌کنیم. هفته‌ای نیست که در شورای نگهبان قانون یا موضوعی مطرح نشود و در بررسی‌های حقوقی و فقهی آن ببینیم که بخش‌هایی از آن در فقه و اصول ما مورد توجه قرار گرفته است. هویت و پیشینه علمی حوزه باید دیده شود؛ اما نباید در آن متوقف شد. آگاهی و رویکرد تاریخی نیز باید در هویت‌مان تقویت شود.

به‌روشنی ترسیم نمود؛ اما این مسأله اصل موضوع نیست؛ بلکه ذات و هویت حوزوی باید صراحت و برجستگی یابد.

احیای هویت حوزوی رسالتی است که بر عهده همگان قرار دارد؛ رسالتی که منشأ آن، شناخت طلبه نسبت به هویت خویش به‌عنوان عضوی از حوزه و درک منزلتش در نگاه جامعه است. هویت به‌معنای درک عمیق طلبه نسبت به ماهیت حوزوی خود و منزلت یعنی جایگاه علمی، معنوی و مجاهدانه عالم دین در نظر جامعه، به‌ویژه نسل جوان. منزلت معلول هویت است؛ اما هر دو باید حفظ، تقویت و تعمیق شوند. وظیفه نخست آن است که طلبه هویت عمیق خود را درک نماید و دوم اینکه منزلت عالم دین به‌عنوان شخصیتی علمی، معنوی و مجاهد، در نگاه جامعه تثبیت شود؛ حتی مخالفان نیز هنگام رجوع به وجدان خود می‌پذیرند که آن عالم فردی دانا و منصف است؛ سخنان بی‌معنا و ناپخته نمی‌گوید و در پی اغراض شخصی نیست؛ گرچه ممکن است در بیان برخی مسائل استواری داشته باشد؛ اما وجدان جمعی جوانان و مردم، اقتدار و استحکام اصول او را تأیید می‌کند. این دو رسالت – یعنی تکوین هویت ناب حوزوی و منزلت اجتماعی مستحکم– باید توسط حوزه دنبال شود. در این زمینه، به چند محور مهم اشاره می‌کنم که در دوران معاصر باید در رأس برنامه‌ها و رسالت‌های حوزه قرار گیرد.

نخستین و مهم‌ترین آنها، هویت، رویکرد و آرمان تمدنی است که رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات خود، به آن اشاره فرموده و آن را به‌عنوان پنجمین محور و قله فعالیت حوزه معرفی کرده‌اند. سایر بزرگان نیز بر آن تأکید داشته‌اند. نخستین عنصر شکل‌دهنده هویت حوزه، همین نگاه تمدنی و تجلی آن در همه ابعاد فکری و عملی است؛ به‌عنوان مثال، دروس ادبیات که از همان آغاز شروع می‌شود، باید بر مبنای این هویت تمدنی پایه‌گذاری و ارائه گردد.

- نگاه تمدنی به اسلام؛ راه میانه بین تقلیل‌گرایی و افراط‌گرایی**

نگاه به اسلام را می‌توان در سه رویکرد دسته‌بندی کرد. نخست، نگاه تقلیل‌گرایانه که اسلام را به ارزش‌های فردی، احساسات قلبی یا مناسک پراکنده تقلیل می‌دهد و دین را صرفاً به‌عنوان عنصری حاشیه‌ای در تمدن بشری تفسیر می‌کند. بر اساس این دیدگاه، دین تنها اصلاحاتی جزئی در حاشیه تمدن بشر ایجاد می‌کند؛ نکته‌ای که تا حدی درست است؛ اما کافی نیست. تقلیل دین به امری فردی، قلبی و غیرتمدنی و تفسیر آن به‌مثابه تعلیقه‌ای بر روند تمدنی بشر، رویکردی است که گاه در درون حوزه‌های علمیه نیز مشاهده شده و در خارج از حوزه‌ها شایع‌تر است. جمعی از روشن‌فکران معاصر در دنیای عرب و ایران نیز، گرفتار این نگرش محدود شده‌اند. این همان مفهوم «اسلام حدافلی» است که تفسیر مختلفی دارد. در نقطه مقابل، ممکن است نگرشی افراطی و نادرست وجود داشته باشد که ادعا کند، در متون دینی منبع نقلی برای هر چه می‌خواهیم هست؛ از پزشکی گرفته تا کلیه مهارت‌ها و فنون؛ در حین حال ارزش علمی سایر علوم را انکار کند. این رویکرد که با نفی پیشرفت‌های علمی بشر و تمسک صرف به ظواهر متون همراه است نیز، رویکردی نادرست و نامعقول است.

آنچه ما مطرح می‌کنیم، هویتی تمدنی است؛ یعنی نگاهی متعادل و سنجیده که اسلام را دینی دارای نظام‌ها و زاهبری همه عرصه‌های فکری، معرفتی و معیشتی انسان می‌داند. این نگاه، بر اساس اصول ثابت و متغیر، راه را برای بهره‌گیری از تجربه‌ها و دانش بشری با معیارهای خود باز می‌گذارد. این همان هویت تمدنی است؛ نه تقلیل‌گرایی ساده‌انگارانه و نه تحرج‌مسلكی. نگاهی بلند و نظام‌مند به اندیشه‌ای که ریشه‌های مستحکمی دارد و شاخه‌های آن بر همه راه‌های بشری سایه افکنده و در همه حوزه‌ها به اصلاح و هدایت می‌پردازد.

اگر اندیشه اسلامی در علوم انسانی دخالت کند، آنها را در مسیر صحیح هدایت خواهد کرد. اگر به فناوری‌ها نوافشانی نماید، مسیر توسعه را به سوی درستی هدایت می‌کند و سبک زندگی جامع، متعادل و صحیحی می‌سازد. این همان اسلامی است که ریشه در ایجاد و اندیشه زرف حوزوی دارد و امام بزرگوار در عصر جدید، این نگاه را به‌خوبی شفاف و برجسته کردند. این، هویت اصیل و عمیق حوزه علمیه ماست.

در دوران گذشته که دانشگاه‌ها وجود نداشتند، همه علوم بشری در مدارس و معاهد دینی تدریس می‌شد و این امر به–معنای پرتوافکندن روح معنوی و الهی بر آن علوم بود؛ اما با گسترش علوم و به‌دلایل تاریخی، فلسفی و اجتماعی، این تفکیک رخ داد. با این حال، لازم است که رویکرد تمدنی و جامع اسلامی در همه حوزه‌ها همچنان حاکم و جاری باشد.

- اصول و ارکان رویکرد تمدنی در حوزه‌های علمیه و ضرورت آموزش جامع برای طلبه‌ها**

عناصر اصلی این رویکرد تمدنی عبارت‌اند از: عدالت، پیشرفت، معنویت، مجاهدت، مقابله هوشمندانه با اندیشه‌های مادی و جلوه‌های مادی تمدن غربی، امید و مقاومت، کرامت انسان، آزادی انسان و طهارت انسان که همگی مبتنی بر نگاه توحیدی و ولایت استوارند. این اضلاع و ارکان، جوهره و ذات حوزه را تشکیل می‌دهند.

تأکید شده است که ضمن لزوم داشتن تخصص‌ها و شاخه‌های متنوع علمی – که در طراحی‌های آموزشی نیز به آن توجه شده– داشتن نگاه جامع و رویکرد کلان و منظومه‌وار بیش از هر چیز دیگری دارای اهمیت

آیت‌الله غروی

اصول اخلاقی و مدیریتی

در راهبری موفق حوزه‌های علمیه

آیت‌الله غروی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه، در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» در مشهد مقدس برگزار گردید، در سخنانی به موضوع اهمیت تطبیق رفتار مدیریتی با تغییرات نسل و تأثیر رفق و تغافل در مدیریت و زندگی اجتماعی پرداخت.
مشروح سخنان وی در ادامه می‌آید.

• اهمیت اخلاق و نرمش در مدیریت موفق و رهبری الهی

بحثی که امروز مطرح می‌کنم، محدود به ویژگی‌های مدیران نیست؛ بلکه به مباحث اخلاقی اشاره دارد که توجه ویژه مدیران به آنها می‌تواند موفقیت در اداره امور و مدیریت مجموعه‌ها را افزایش دهد. بیان این نکات که برگرفته از کلمات خداوند و معصومان ^(علیهم‌السلام) است، شاید برای برخی دشوار باشد؛ اما یادآوری آنها برای همه ما مفید و لازم است و این جلسه را مزین به ذکر الهی می‌سازد.

آیه‌ای که به آن اشاره می‌کنم، به مدیریت اجتماعی تعلق دارد: ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِيُثَبِّتْ لَّهٖمَّ؛ یعنی مهربانی خداوند دل مؤمنان را نرم کرد و اگر پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سخت‌گیر و خشن بود، مردم از اطراف ایشان پراکنده می‌شدند. خداوند دستور می‌دهد که از قصور و خطاهای مردم درگذشته و برای آنها طلب مغفرت کنید؛ این بخشش و استغفار، دل‌ها را پاک و روابط را مستحکم می‌کند. همچنین می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ؛ یعنی در امور با مردم مشورت کن تا آنها را وارد تصمیم‌گیری کنی.

پس از تصمیم‌گیری قاطع، بر خدا توکل کن و در کار سختی نکش. این نرمش، مدارا و مشورت، رمز موفقیت پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در اداره جامعه بود. این مفاهیم اخلاقی، با تجربه شخصی من، می‌تواند توفیق مدیران و رهبران را بیش از پیش افزایش دهد.

• نقش علم، حلم، رفق و حزم در مدیریت موفق از منظر روایات اسلامی

روایت معتبر زیر را ملاحظه بفرمایید: محمدبن یحیی از احمدبن محمدبن عیسی، از احمدبن محمدبن ابی‌نصر، از حمادبن عثمان نقل کرده است که رسول‌الله ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «يَعِمُّ وَزِيرُ الْإِيمَانِ الْعِلْمُ وَنِعَمٌ وَزِيرُ الْعِلْمِ الْحِلْمُ وَنِعَمٌ وَزِيرُ الْحِلْمِ الرَّفْقُ وَنِعَمٌ وَزِيرُ الرَّفْقِ الْغُبْنُ.» به این معنا که علم، بهترین معاون ایمان و تحقق‌دهنده آن است؛ سپس حلم (بردباری) ستون تعمیق علم در انسان است؛ علم بدون رفق (مدارا و نرمی) به تحقق نمی‌رسد و بهترین معاون رفق، صبر است.

این جامعیت اهمیت ویژه‌ای دارد و از آموزه‌های کلیدی در مدیریت موفق است. از جمله صفاتی که در روایات بر آن تأکید ویژه شده، «حزم» است. امیرالمؤمنین ^(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «مَنْ تَوَزَّطَ فِی الْأُمُورِ بِغَيْرِ نَظَرٍ فِی الْعَوَاقِبِ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْإِثْمَاتِ»؛ یعنی کسی که بدون تفکر در عواقب وارد کاری شود، خود را در معرض سختی‌ها قرار داده است. همچنین فرموده‌اند: « الْحَزْمُ النَّظَرُ فِی الْعَوَاقِبِ ، وَ مُشَاوَرَةُ ذَوِي الْعُقُولِ؛ یعنی فرد حزم‌مند کسی است که دوراندیشی دارد و با صاحبان خرد مشورت می‌کند. حزم نیازمند تواضع و بهره‌گیری از افکار و تجارب دیگران است؛ کسی که تصور کند، همه چیز را می‌داند و نیازی به مشورت ندارد، خود را از آموختن و رشد محروم ساخته است.

• اهمیت حزم و حسن خلق در مدیریت موفق

امام علی ^(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «الظُّمَأْنِيَّةُ قَبْلَ الْخُبْرَةِ خِلَافُ الْحَزْمِ»؛ یعنی اعتماد به کسی بدون شناخت و آزمون او، برخلاف دوراندیشی و حزم است. یکی از نکات مهمی که مدیر باید به آن توجه کند، تمرکز صرف بر اطراف و لحظه حال نیست؛ بلکه باید نتایج و آثار بلندمدت تصمیمات و اقدامات را در نظر بگیرد. حزم یعنی سنجش عواقب کار و برنامه‌ریزی با درک عمیق از پیامدها که این ویژگی حیاتی برای مدیران است.

از دیگر ویژگی‌های اخلاقی برجسته که همه باید داشته باشند؛ اما مدیران بیش از سایرین به آن نیازمندند، حسن خلق است. پیامبر اکرم ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین ^(علیهم‌السلام) فرموده‌اند: «خِيَاكُم أَحْسَنُكُمْ أَخْلَافًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ وَالْمُؤْطَوُونَ أَكْنَافًا الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ»؛ یعنی بهترین شما از نظر اخلاق پسندیده‌تر است و کسانی که خوش‌برخورد و مهربان‌اند، قادرند ارتباط برقرار کنند و دیگران با آنها الفت می‌گیرند. برخلاف تصور غلطی که مدیران را با احم و جدیت بیش از حد می‌سازند تا اطرافیان را کنترل کنند، موفقیت در مدیریت، در گروی رفتار مهربانانه و صمیمی است.

در روایات، تأکید بسیاری بر اهمیت حسن خلق شده است. پیامبر اکرم ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرمایند: «إِنَّ مِنَ أَحْسَنِكُمُ إِلَيَّ وَأَفْزَحِكُمُ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقًا»؛ یعنی بهترین و محبوب‌ترین افراد نزد من کسی است که اخلاقش بهتر باشد.

همچنین آمده است: «أَوَّلُ مَا يُوضَعُ فِی مِيزَانِ الْعِبَادِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ»؛ نخستین چیزی که در روز قیامت در میزان اعمال انسان سنجیده می‌شود و به اعمال او وزن و ارزش می‌بخشد، اخلاق نیکو است. خلق نیکو نقش بسیار مهمی در موفقیت و سرنوشت انسان دارد.

گاهی بداخلاقی، پیامدهایی مانند غیبت، بی‌ادبی، هتک حرمت دیگران و بی‌توجهی به حقوق مردم را ایجاد می‌کند. بسیاری از مشکلاتی که انسان و دیگران با آن مواجه می‌شوند، ریشه در همین بداخلاقی دارد. به‌همین دلیل در روایات تأکید شده است که حسن خلق و رعایت اخلاق در همه جا ضروری است.

حسن خلق نه‌تنها در جلب محبت و اعتماد مؤثر است؛ بلکه در میزان تأثیرگذاری و موفقیت عمل انسان نیز نقش کلیدی دارد. رفتار بداخلاقانه، معمولاً منجر به غیبت، بددهنی و نادیده‌گرفتن حريم اطرافيان می‌شود که خود، منشأ بسیاری از مشکلات است. در روایات نیز تأکید شده است که اخلاق نیکو، از عوامل مهم موفقیت و رضایت الهی است.

• اهمیت تطبیق رفتار مدیریتی با تغییرات نسل و تأکید بر ملاطبت در ارتباطات

نکته‌ای که باید خدمت عزیزان عرض کنم، این است که شرایط زمان کودکی و جوانی ما با امروز متفاوت است. هم نسل ما و نحوه تربیت‌شان، هم ساختار مدارس و خانواده‌ها متفاوت بود. جوانان امروز، حتی آنهایی که با جمهوری اسلامی و حوزه آشنا شده‌اند و با رسانه‌ها و جامعه جدید در ارتباطند، با نسل گذشته تفاوت‌های بنیادین دارند؛ بنابراین، مدیران باید به این تغییرات توجه کنند.

خصوصیات اخلاقی که مدیران برای برقرار کردن ارتباط با این نسل جوان دارند، اهمیت فراوانی دارد. بسیاری از اساتید نیز جوان هستند و این موضوع، مزید بر علت است. یکی از ویژگی‌های اخلاقی که بسیار در روایات تأکید شده، ملاطبت و نرم‌خویی است. پیامبر اکرم ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِمَنْ يَخْرُجُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا؟ عَلَى كُلِّ هِینٍ لِّیْنٍ قَرِيبٍ»؛ کسی که نرم، ملایم و آسان‌گیر است.

این خصوصیات به‌معنای سهل‌انگاری نیست؛ انسان می‌تواند ضمن رعایت مسئولیت‌ها،



لکيفيت و موفقیت مدارس و حوزه‌ها تا حد زیادی به رفتار و منش مدیران آنها بستگی دارد؛ مدیری که خود در عمل به اخلاق و ادب پایبند بوده، رفتار صمیمی و قابل اعتماد داشته باشد، شرایط را به‌گونه‌ای فراهم می‌کند که طلبه‌ها بدون ترس از موانع، مشکلات خود را با مدیر در میان بگذارند. برعکس، زمانی که مدیر صرفاً با روش‌های رسمی و اداری برخورد کند و فضای باز و صمیمانه ایجاد نکند، امکان شناخت واقعی مشکلات و وضعیت مدرسه کاهش می‌یابد؛ بنابراین تحقق اخلاق و عدالت در مدیریت، زنجیره‌ای حیاتی از موفقیت حوزه‌های علمیه است.

ملاطبت را در برخورد با دیگران حفظ کند. این مهارت ضروری است که مدیر، هم وظایف خود را انجام دهد و هم، ارتباط مؤثر و خوشایندی با مجموعه داشته باشد.

• تأثیر رفق و تغافل در مدیریت و زندگی اجتماعی از منظر روایات معصومین ^(علیهم‌السلام)

در روایتی شگفت‌انگیز از رسول‌خدا ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: «اشْمَعُ يُشْمَعُ لَكَ» اگر آسان‌گیر باشی، خدا نیز با تو آسان‌گیر خواهد بود. این سخن دلالت بر آثار تکوینی و وضعی رفق و مدارا دارد؛ افرادی که سخت‌گیر، افراطی و دقیق‌النظرند، رفتار سخت‌تری از خداوند خواهند دید و این، یک واقعیت زندگی است.

پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همچنین فرمودند: «إِنَّ أَلْفَظَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ وَلَا تَزَعُ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ». یعنی رفق و مدارا زینت هر چیزی است و برعکس، خشنوت و سخت‌گیری آن را تباه می‌کند. یکی از مفاهیمی که در روایات معصومین ^(علیهم‌السلام) تأکید شده، «تغافل» است؛ یعنی دانستن و متوجه‌بودن؛ اما بی‌توجهی یا نادیده‌گرفتن عمدی آنها در تعاملات اجتماعی. امیرالمؤمنین ^(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «صَلِّحْ حَالِی الْفَعَالِشِ وَالْعَاشِرِ مِلَّءُ مِکْيَالٍ: ثَلَاثَةُ فُطْنَةٍ وَثَلَاثَةُ تَغَافُلٍ» که به‌معنای آن است که در زندگی مشترک، دو سوم عقابانت و دقت لازم است و یک سوم آن به تغافل اختصاص دارد؛ یعنی برخی مسائل را باید از روی مدارا و گذشت مشاهده کرد و به روی خود نیاورد. این رویکرد نه‌تنها از تعارضات و سوءتفاهم‌ها می‌کاهد؛ بلکه باعث تقویت روابط انسانی می‌شود؛ چراکه گاهی قضاوت‌های نادرست بر اساس برداشت‌های ذهنی ناصحیح شکل می‌گیرد و سبب اختلاف می‌شود. باید پذیرفت که هر فرد زمینه، فرهنگ و رفتار متفاوتی دارد و برخی ویژگی‌های او ناشی از تربیت، شرایط محیطی و اجتماعی است.

لذا در برخورد با دیگران باید نرمش و مدارا پیشه کرد و توقع نداشت که همه‌چیز را آشکارا به زبان بیاورند یا مطابق میل ما رفتار کنند. این نگرش، کلید موفقیت در زندگی اجتماعی و مدیریت آثار مثبت رفق و تغافل است.

• اهمیت مدارا و تواضع در مدیریت موفق از منظر آموزه‌های اسلامی

یکی از مفاهیم کلیدی در مدیریت، مداراست که باید از مدامنه متمایز شود. مدارا به‌معنای تحمل رفتارهای تند و زننده دیگران بر اساس اخلاق پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه معصومین ^(علیهم‌السلام) است. روایت جالبی از یکی از اصحاب پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که روزی مردی بیابانی با کمال بی‌ادبی عبای پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را کشید؛ به‌گونه‌ای که گردن مبارک ایشان خراش برداشت؛ اما پیامبر ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در اوج قدرت با لبخندی برخورد کردند و دستور دادند، به آن مرد کمک شود. این صبر و مدارا، نمونه‌ای عملی از اخلاق مدیران الهی است.

بی‌شک بسیاری از ما در روابط اجتماعی و مدیریتی به‌اندازه کافی متواضع و بردبار نیستیم و تلاش می‌کنیم، مخالفت یا سخت‌گیری به خرج دهیم. تجربه ثابت کرده که ادب، تواضع، نرم‌خویی، مدارا و تغافل تأثیر عمیقی بر دیگران دارد و حتی باعث تحول در رفتاری می‌شود که در لحظه اول جبران‌ناپذیر به نظر می‌رسد. مدیری موفق است که ویژگی‌هایی چون صبر، انعطاف، انصاف و عدالت را در خود پرورش دهد و این صفات بلند اخلاقی را در عمل به‌کار گیرد. بدون این صفات، اداره امور و ارتباط مؤثر با دیگران دشوار خواهد بود.

• نقش تحقق اخلاق و عدالت در مدیریت مؤثر حوزه‌های علمیه

اغلب تصور می‌کنیم، اخلاق صرفاً یادگیری مفاهیم است؛ اما به‌گفته رهبر معظم انقلاب، اخلاق یعنی تحقق و تعین در وجود انسان؛ به‌گونه‌ای که این ویژگی به‌صورت عینی در انسان ظهور کند. یکی از مفاهیم مهم اخلاقی از امام صادق ^(علیه‌السلام) نقل شده است: «اتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا فَإِنَّكُمْ تَعْبُدُونَ عَلَى قَوْمٍ لَا يَعْدِلُونَ»؛ از خدا بترسید و به عدالت رفتار کنید؛ چه اینکه شما از کسانی که عدالت نمی‌ورزند، عیب می‌گیرید. چرا خودتان عدالت را عمل نمی‌کنید؟ امام ^(علیه‌السلام) عدالت را از عمل شیرین‌تر، از کره نرم‌تر و از مشک خوشبوتر می‌دانند: «الْعَدْلُ أَخْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَالْأَيْنُ مِنَ الزَّيْدِ وَأَطْيَبُ رِيحًا مِنَ الْمُسْكِ» و در بیان دیگری می‌فرمایند: «الْعَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يُصْبِئُهُ الْقَلَمَانُ»؛ یعنی عدالت برای تشنه، آب است؛ بدین معنا که عمل عادلانه برای انسان تشنه، بسیار شیرین و مطلوب است.

عدالت در برخورد مدیر با اساتید، طلبه‌ها و افراد تحت مدیریت بسیار حیاتی است. ما نباید فقط به افراد محترم یا قوی نگاه ویژه کنیم و نسبت به دیگران کمتر توجه داشته باشیم؛ بلکه باید عدالت را در رفتارمان رعایت کنیم و مشکلات احتمالی اطرافیان را نیز مد نظر قرار دهیم. تجربه شخصی نشان می‌دهد، کیفیت و موفقیت مدارس و حوزه‌ها تا حد زیادی به رفتار و منش مدیران آنها بستگی دارد؛ مدیری که خود در عمل به اخلاق و ادب پایبند بوده، رفتار صمیمی و قابل اعتماد داشته باشد، شرایط را به‌گونه‌ای فراهم می‌کند که طلبه‌ها بدون ترس از موانع، مشکلات خود را با مدیر در میان بگذارند. برعکس، زمانی که مدیر صرفاً با روش‌های رسمی و اداری برخورد کند و فضای باز و صمیمانه ایجاد نکند، امکان شناخت واقعی مشکلات و وضعیت مدرسه کاهش می‌یابد؛ بنابراین تحقق اخلاق و عدالت در مدیریت، زنجیره‌ای حیاتی از موفقیت حوزه‌های علمیه است.

• اهمیت رهبری اخلاقی و ارتباط نزدیک با طلبه‌ها

گاهی همین نکات جانبی و ظریف، تأثیرگذارتر از مطالب اصلی‌اند. یکی از مدارس بزرگی که من در آن درس داشتم، معاون آموزشی‌اش سید بزرگواری بود که آذری‌زبان بود. آنجا همه‌چیز فراهم بود؛ مدیرشان مدیری توانمند و واقعاً محترم بود. معاونان آموزشی، تربیتی و دیگر معاونت‌های لازم را داشتند. این سید بزرگوار به من مراجعه کرد و به‌صراحت گفت: «همه چیز داریم؛ اما چیزی که نداریم، آقاست.» این نکته بسیار مهم است. برخی مدارس موفقیت‌های‌شان به‌خاطر نقش مدیریتی است که از جنس رهبری و تأثیرگذاری واقعی است،

نه صرفاً مقام و جایگاه رسمی. من به چند مدرسه سر زده و به‌خوبی دیده‌ام که رفتار مدیر نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد؛ مثلاً در مدرسه‌ای که من چند روز در آنجا بودم و صبح‌ها به نماز جماعت می‌رفتم. آن مدیر بزرگوار همیشه زودتر از اذان آمده بود و در گوشه‌ای از نمازخانه مشغول عبادت بود. نمازخانه پر بود و حضور مدیر آنجا نقش مهمی در ایجاد نظم داشت. وقتی مدیر خود مقید به اموری مانند نماز جماعت نباشد و اهمیت آن را نشان ندهد، نتیجه کار نیز چنین خواهد بود.

• نقش مستقیم اخلاق و رفتار مدیران در موفقیت و انسجام مدارس علمیه

خیلی وقت‌ها تصور می‌کنیم، با گفتار یا جلسه اخلاقی می‌توانیم روی دیگران اثر بگذاریم؛ اما خداگواه است، اثرگذارترین فرد همان شخص مستقیم است؛ چه استاد باشد و چه مدیر. ادب، اخلاق، حسن خلق و مهربانی و احترامش نسبت به طلبه‌ها بسیار تأثیرگذار است. ما خوشبختانه در برخی مدارس این وضعیت را داریم؛ مدیرانی با چنین ویژگی‌هایی که واقعاً ارزشمندند و موفق نیز هستند. نوع رفتاری که می‌کنند؛ به‌گونه‌ای است که طلبه‌ها با مشکلات‌شان به‌راحتی به مدیر مراجعه می‌کنند؛ خبری از درهای بسته، اتاق‌های تو در تو و... نیست. مدیر اگر بخواهد مؤثر باشد، باید ارتباط صادقانه برقرار کند و در این ارتباط‌هاست که می‌تواند واقعیت وضعیت مدرسه و شرایط آن را بهتر درک کند؛ نه صرفاً از طریق کانال‌های رسمی و اداری. مفاهیم اخلاقی که عرض کردم، همه ما باید متصف به آنها باشیم؛ اما مدیران به‌ویژه با توجه به شرایط فعلی، نیاز بیشتری به این ویژگی‌ها دارند و امیدوارم، همیشه این‌گونه باشد.

• انصاف و عدل؛ شاخص‌های رفتاری مدیران موفق

یکی دیگر از مفاهیم مهم اخلاقی که برای مدیران بیش از دیگران ضروری است، انصاف و عدالت است. رسول‌خدا ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در خطبه‌ای فرمودند: «طُوبَى لِمَنْ طَابَ خُلُقُهُ وَظَهَرَ ثَبَتُ سَجَّتِهِ وَصَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَخَسَنَتْ عِلَاتِنَتُهُ وَآتَقَى الْفُضْلُ مِنْ مَالِهِ وَأَمْسَكَ الْفُضْلُ مِنْ قَوْلِهِ وَأَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ»؛ یعنی خوشا به حال کسی که اخلاقش نیکو، باطن و ظاهرش پاک و نیکو باشد، در مال و سخن اعتدال داشته باشد و نسبت به دیگران انصاف پیشه کند. انصاف یعنی اینکه کسی که برای خود حق و حقوقی را که قائل است، همان را برای دیگران نیز بخواهد. امیرالمؤمنین ^(علیه‌السلام) نیز فرموده‌اند: «إِلَّا إِلَهَ مَنْ يُصِفُ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا»؛ کسی که نسبت به مردم انصاف دارد، عزت و احترام بیشتری در جامعه کسب می‌کند. داشتن انصاف، مدارا، تغافل، ملاطفت و ملایمت از صفات کلیدی مدیران است که به اداره بهتر و ایجاد وحدت در مجموعه کمک می‌کند. این ویژگی‌ها برای هر مؤمنی لازم است؛ اما مدیران با توجه به مسئولیت و شرایط خاص خود، بیش از دیگران به این خصوصیات نیازمندند.

• تکریم طلاب؛ پایه‌ای برای اعتماد و احترام

یکی از نکات مهم که بارها از بزرگان شنیده‌ام و به آن باید توجه ویژه داشت، مسأله تکریم طلاب است. نمونه‌ای از این تکریم را در یکی از مدارس مشاهده کردم که صندوقی مالی برای استفاده طلبه‌ها داشت. به آنها گفته می‌شد، در صورت نیاز می‌توانند از آن مبلغی برداشت کنند و بعداً بازگردانند. این اعتماد به طلبه، نشان‌دهنده احترام و تکریم واقعی است که اثری بسیار مثبت دارد. وقتی دست طلبه باز باشد، نیازی به رفتارهای مخفیانه یا اشتباه نیست. شاید در برخی مدارس این موضوع کمتر رعایت شود؛ اما ضرورت تکریم نه‌تنها در مورد طلاب، بلکه اساتید و کارکنان نیز حائز اهمیت است. گاهی اوقات گمان می‌کنیم، با تکریم افراد، جایگاه خود را پایین آورده‌ایم؛ درحالی‌که برعکس، ما با تکریم آنها، به اعتبار خود می‌افزاییم.

• اعطای هویت حوزوی به طلبه‌ها؛ حفظ انگیزه و ثبات قدم

نکته دوم که آیت‌الله اعرافی در جلسه دیروز مطرح کرد، مسأله اعطای هویت حوزوی به طلبه‌ها بود. طلبه باید جایگاه و هویت خود را به‌درستی بشناسد. یکی از دلایلی که طلبه‌ها گاهی از درس فاصله می‌گیرند، نداشتن همین شناخت و سرد شدن نسبت به جایگاه خودشان است. در شرایط سخت امروز که حمایتی از بیرون دریافت نمی‌کنند، این شناخت اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. اگر طلبه جایگاه خود را درک کند، توان تحمل مشکلات را به دست می‌آورد؛ اما اگر هویت خود را نداند، دچار سردرگمی و ناامیدی می‌شود و ممکن است، به دنبال رشته‌های دانشگاهی یا زمینه‌های دیگر برود. همچنین مدیران باید بدانند که تغییر مکرر به‌دلیل عدم درک جایگاه واقعی، نشانگر ضعف در شناخت هویت حوزوی است که نیازمند به‌باشیم ویژه است. باور داشته باشیم که پرورش طلبه‌های مؤمن و متعهد، سرمایه‌ای بزرگ برای آینده است که نباید از آن غفلت کرد.

• اسوه بودن مدیران و اساتید؛ تأثیرپذیری از اخلاق و سبک زندگی

نکته سوم و بسیار برجسته، اهمیت الگو بودن مدیران و اساتید است. رفتار، منش و سبک زندگی آنها، نقش مستقیم بر روحیه طلبه‌ها دارد. اگر مدیر و استاد از لحاظ اخلاقی و رفتاری اسوه باشند، طلبه‌ها احساس امنیت و آرامش می‌کنند؛ اما اگر زندگی آنها تجمل‌آمیز و غیرمتعارف باشد، اثرات منفی به دنبال خواهد داشت؛ برای مثال، دیده شده که برخی مدیران دارای لباس‌های گران‌قیمت با امکانات زندگی لوکس هستند که این موضوع، می‌تواند برای طلبه تأثیرات متفاوتی داشته باشد. به‌همین دلیل سبک زندگی مدیران باید متناسب با شأن طلبگی و جایگاه مدیریتی باشد.

• نقش اساتید و مدیران در تربیت پنهان و شکل‌گیری شخصیت طلبه‌ها

همچنین اساتید باید مراقب رفتار و سبک گفت‌وگوی خود باشند؛ زیرا طلبه‌ها به تقلید از آنها، رفتار خود را شکل می‌دهند. از جمله نکات مهم دیگر، رعایت پاکیزگی، نظم و... در امور است که تأثیر بسیار بالایی در پرورش طلبه‌ها دارد. تمامی این موارد جزو آنچه با عنوان «تربیت پنهان» شناخته می‌شود، محسوب می‌گردد و تأثیرات غیرمستقیمی بر شکل‌گیری شخصیت طلبه‌ها دارد. درنهایت، مدیران و اساتید باید این نکات ظریف و مؤثر را همواره مدنظر داشته باشند تا بتوانند، نقش واقعی خود را در تربیت نسل آینده ایفا کنند.

• اخلاص و از خودگذشتگی؛ راز ماندگاری و اثرگذاری در تربیت دینی

یکی از اصول اساسی و بنیادین تربیت در حوزه‌های علمیه، پرورش روحیه از خودگذشتگی است؛ اما تحقق واقعی این ارزش، نیازمند الگوگیری از رفتار، منش و نگاه اساتید و مسئولان حوزه می‌باشد.

علامه مصباح یزدی ^(رحمته‌الله‌علیه‌)، در تمام عرصه‌ها اعم از تربیتی، آموزشی و مدیریتی، اخلاص و از خودگذشتگی را رکن اصلی موفقیت و کسب نتایج مثبت می‌دانستند و با برخورداری از مبنای عمیق فقهی و اصولی، معارف قرآنی را با اصالت و سلامت مثال‌زدنی در آثار و فعالیت‌های خود ارائه دادند.

با وجود ظرفیت‌های فراوان و امکان دستیابی به مراتب بالایی مرجعیت، علامه مصباح تشخیص داد که باید همت خود را بر پرورش طلاب و شکوفایی استعدادهای کمتر دیده‌شده متمرکز نماید. این تلاش، به‌ویژه در حوزه‌های فلسفه، کلام، تفسیر قرآن و تربیت علمی و معنوی طلاب، نتایج روشنی به‌همراه داشت.

درخشش اخلاقی ایشان به‌گونه‌ای بود که تمامی این تلاش‌ها را در نهایت فروتنی و بی‌هیچ ادعایی انجام داد و بیش از هر چیز، اثرگذاری و نفوذ او در میان شاگردان، حاصل صداقت و اخلاص ناب ایشان بود. آثار ارزشمندی مانند حاشیه بر «نهایة‌الحکمه» و سایر تألیفات گواهی بر عمق علمی و ابتکار فکری ایشان است.

اگرچه مشکلات جسمانی و بیماری‌های طولانی‌مدت، بخشی از حرکت و تحولات گسترده‌تر ایشان را محدود کرد؛ اما آنچه از علامه مصباح ^(رحمته‌الله‌علیه‌) در ذهن و جان شاگردان و مخاطبانش به یادگار مانده، اخلاص، احساس وظیفه دینی و تعهد بی‌وقفه به مسئولیت‌های شرعی است؛ بدون آنکه در پی موفقیت و جایگاه یا عناوین علمی خاصی باشد.

آنچه از شخصیت ایشان باقی‌مانده و الهام‌بخش نسل‌های بعدی در حوزه‌های علمیه است، همان روحیه صادقانه، تلاش مداوم و از خودگذشتگی ناب است؛ ویژگی‌هایی که ضامن اثرگذاری ماندگار و ارتقای جایگاه تربیتی و دینی خواهد بود.



عرفان در حوزه علمیه

ریشه‌ها، جریان‌ها و چشم‌اندازها

گفت‌وگو با دکتر محمد فنایی اشکوری

• عرفان علمی در حوزه علمیه قم

بعد از تأسیس حوزه علمیه قم، عرفان به‌عنوان یک جریان فرعی و ثانوی وارد عرصه شد.

این جریان به‌طور پراکنده و محدود در برخی مواقع جلوه‌هایی داشته است؛ البته باید توجه داشت که اصل هویت حوزه‌های علمیه، به‌ویژه در قرون اخیر، از فقه و اصول نشأت‌گرفته است. بسیاری از علوم اسلامی حتی در داخل حوزه‌های علمیه، در سطح محوریت قرار نگرفته‌اند؛ چه عرفان باشد، چه فلسفه یا کلام.

• جایگاه علوم مختلف در حوزه علمیه

علومی همچون تفسیر قرآن، در حوزه‌های علمیه همواره از قداست ویژه‌ای برخوردار بوده و باید مورد تدریس و تعلیم قرار می‌گرفته است. در این میان، عرفان، فلسفه و کلام، در بسیاری از اوقات، حتی به‌عنوان موضوعاتی در حاشیه قرار داشته‌اند؛ البته در برخی مقاطع، در مورد فلسفه و عرفان، ممکن است افرادی به اشکالات و قوت و ضعف‌هایی اشاره داشته باشند؛ اما در مورد تفسیر قرآن، هیچ‌گونه بحث و شبهه‌ای وجود ندارد.

در حوزه‌های علمیه، تا مدت‌ها، محوریت با فقه و اصول بوده است؛ بنابراین فرصت کمی برای گسترش علوم دیگر، به‌ویژه علوم معنوی و عرفانی وجود داشته است؛ حتی در برخی مواقع، این علوم با مخالفت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. این وضعیت باعث شده است که ما در بسیاری از موارد، از تاریخ عرفان و چهره‌های برجسته اهل عرفان اطلاع چندانی نداشته باشیم.

یکی از دلایل اصلی اینکه چرا ما تاریخ عرفان و چهره‌های اهل عرفان را به‌طور کامل نمی‌شناسیم، این است که خود عارفان غالباً تمایلی به ظاهرشدن و نمایش خود نداشتند؛ علاوه بر این در بسیاری از موارد، فضای مناسب برای بروز این عرفان در جامعه وجود نداشت.

با وجود تمام این محدودیت‌ها، در سده اخیر، در حوزه علمیه قم، چهره‌های درخشانی در بحث عرفان ظهور کرده‌اند که همه ما با آنها آشنا هستیم. افرادی چون: مرحوم میرزاچواد ملکی تبریزی، حضرت امام خمینی، علامه طباطبایی ^(رحمه‌الله) و شاگردان علامه طباطبایی، تأثیرات عمیقی در عرفان اسلامی گذاشتند و آثار آنان همچنان در جامعه علمی و دینی مورد توجه است.

• دو سرچشمه اصلی عرفان در حوزه علمیه قم

عرفان در حوزه علمیه قم، عمدتاً از دو سرچشمه اصلی تغذیه کرده است:

- مکتب حکمی – عرفانی تهران؛
- مکتب اخلاقی – معنوی نجف.

بزرگانی که امروز از آنها به‌عنوان اساتید عرفان یاد می‌شود، معمولاً به یکی از این دو مکتب یا حتی هر دو، به‌نوعی مرتبط بوده‌اند و از آنها تأثیر پذیرفته‌اند.

• مکتب حکمی عرفانی تهران؛ تداوم حکمت متعالیه

در دوره‌ای، مرکزیت فلسفه اسلامی در حوزه اصفهان بود؛ اما در دوره قاجار، این مرکزیت به تهران منتقل شد. با آمدن مرحوم آقاعلی مدرس نوزی به تهران، جریانی از اساتید فلسفه و عرفان نظری پدید آمدند که ادامه‌دهنده حکمت متعالیه صدرایی بودند؛ از جمله این اساتید، می‌توان به افراد زیر اشاره کرد: محمدرضا قمشه‌ای، میرزا هاشم اشکوری، آخوند جلوه، اسرار گیلانی، آیت‌الله رفیعی قزوینی، محمدتقی آملی ^(رحمه‌الله).

ویژگی مشترک این بزرگان آن بود که هم فیلسوف بودند و هم عارف نظری؛ آنها نمایندگان مدرسه حکمت متعالیه بودند که اساس آن، تلفیق فلسفه و عرفان و دیگر معارف اسلامی است.

• حکمت متعالیه؛ تلفیق برهان، عرفان و قرآن

فلسفه ملاصدرا، یا همان حکمت متعالیه، خود بر پایه ترکیبی از سه منبع بنا شده است:

- برهان (تفکر عقلی و استدلالی)؛
- عرفان (تجربه و شهود معنوی، عمدتاً با تأثیر از ابن عربی)؛
- قرآن (متن وحی و معارف دینی نقلی).

به‌تعبیر برخی اساتید، این حکمت، تلفیقی از برهان، عرفان و قرآن است؛ بنابراین، کسی که اهل حکمت متعالیه باشد، به‌ندرت ممکن است فاقد گرایش عرفانی باشد؛ چراکه یکی از ارکان این نظام معرفتی، عرفان نظری ابن عربی است.

• مشرب عرفانی– فلسفی در تهران و اصفهان

این مشرب تلفیقی عرفانی– فلسفی، در حوزه‌های اصفهان و سپس تهران، با شدت و عمق قابل توجهی شکل گرفت. بزرگان این مکتب معمولاً هر دو ساحت فلسفه و عرفان را در خود جمع کرده‌اند؛ البته در برخی، بُعد عرفانی پررنگ‌تر است و در برخی دیگر، بُعد فلسفی غلبه دارد؛ اما بیشتر از هر دو حوزه معرفتی بهره‌مند بوده‌اند و شخصیت آنها در پیوند این دو بُعد ساخته شده است.

• مکتب تهران؛ یکی از سرچشمه‌های عرفان در حوزه علمیه قم

یکی از منابع اصلی عرفان در حوزه علمیه قم، مکتب حکمی– عرفانی تهران است؛ برای مثال، حضرت امام خمینی ^(رحمه‌الله) که شاگرد مرحوم شاه‌آبادی بود، خود ایشان نیز به همین مدرسه و مکتب تعلق داشتند؛ بنابراین، بخشی از ریشه‌های عرفان حوزه قم، به این مکتب برمی‌گردد. همچنین مرحوم تبریزی نیز از چهره‌های شاخص این مکتب به‌شمار می‌روند.

• سرچشمه دوم؛ مکتب سلوکی نجف

منبع دیگر عرفان حوزه قم، مکتب سلوکی نجف است که به مرحوم ملاحسینقلی همدانی و دیگر بزرگان آن برمی‌گردد. بسیاری از عارفان قم، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، شاگرد این مکتب بوده‌اند.

برای نمونه می‌توان از علامه طباطبایی ^(رحمه‌الله) که شاگرد آیت‌الله قاضی ^(رحمه‌الله) بود و همچنین آیت‌الله بهجت نام برد. حوزه عرفانی قم در حقیقت از این دو منبع و سرچشمه اصلی تغذیه کرده است.

آثار و مشرب این دو مکتب را می‌توان در شخصیت‌های شاخص عرفان حوزه مشاهده کرد. در برخی از افراد، بعد علمی و نظری عرفان برجسته‌تر است؛ مانند علامه طباطبایی ^(رحمه‌الله).

اما در برخی دیگر، بعد سلوکی و رفتاری عرفان پررنگ‌تر است؛ مثل آیت‌الله بهجت ^(رحمه‌الله). نوع عرفان و گرایش فرد در عرفان، به نوع ذوق، سلیقه و تیپ شخصیتی او نیز بستگی دارد.

به‌عبارتی، تناسب میان شخصیت فرد و نوع عرفانی که در وجود او ظهور می‌کند، بسیار مهم است. کسی به چه سمت و‌سویی کشیده می‌شود و چه نوع عرفانی در او شکل می‌گیرد، با کل شخصیت او ارتباط مستقیم دارد. این نکته‌ای اساسی در فهم تفاوت‌ها و تنوع عرفان در میان بزرگان حوزه است.

• رسالت امروز فعالان عرصه عرفان

در شرایط کنونی، چه در فضای حوزه‌های علمیه و چه در جامعه بیرون از حوزه، فعالان عرصه عرفان با رسالت سنگینی مواجه‌اند. عرفان، همواره موافقان و مخالفانی داشته و امروز نیز این مخالفت‌ها به‌شکل‌های مختلفی بروز پیدا کرده است.

• مخالفت‌های درون حوزوی؛ دغدغه ناسازگاری با شریعت

یکی از گروه‌های اصلی مخالف عرفان، برخی از متشرعین و علمای دینی هستند که معتقدند:

- عرفان با شریعت سازگار نیست؛ چه در بُعد نظری و چه در بُعد سلوکی؛
- برخی باورهای عرفانی و شیوه‌های سلوکی، به‌زعم ایشان، با چارچوب‌های شریعت در تضاد قرار دارد؛
- نگرانی اصلی این است که رواج عرفان ممکن است، به شریعت‌گریزی، اباحی‌گری یا انحرافات عقیدتی منجر شود.

باید گفت که این مخالفت‌ها کاملاً بی‌پایه نیست. در طول تاریخ،

• گفت‌وگو

گروه‌هایی به‌نام عرفان پدید آمده‌اند که چه در باورها و چه در رفتار و سلوک، از شریعت فاصله گرفته‌اند. گاهی بدعت‌هایی از بیرون وارد این جریان‌ها شده که باعث انحراف از مسیر اصیل عرفانی شده است. با این‌حال، اشکال اصلی اینجاست که همه عرفان‌ها به‌صورت یک‌کاسه قضاوت شده‌اند؛ به‌جای تفکیک عرفان اصیل از عرفان‌های انحرافی، کل عرفان زیر سؤال رفته است.

• مخالفت‌های برون حوزوی؛ عرفان عامل انزوا و رکود اجتماعی؟

گروه دیگری از مخالفان عرفان، افراد غیرمذهبی یا سکولار هستند. از نگاه آنها:

- عرفان باعث رکود و انفعال اجتماعی می‌شود؛
- عارفان معمولاً به دنبال نجات فردی و معنوی خود هستند و به مسائلی چون پیشرفت اجتماعی، آبادانی دنیا و حل مشکلات بشر توجهی ندارند؛
- در نتیجه، عرفان نوعی بی‌تفاوتی نسبت به زندگی دنیوی و اجتماعی ایجاد می‌کند.

باز هم باید گفت: این تصویر کاملاً بی‌پایه نیست.

در برخی مکاتب و جوامع، عرفان‌هایی به وجود آمده‌اند که انزوا، ترک دنیا و بریدن از خلق را به‌عنوان آموزه‌های اصلی ترویج داده‌اند.

اما باز هم اشتباه در اینجاست که این ویژگی‌ها، الزاماً مقتضای ذات عرفان نیستند؛ بلکه می‌توانند آسیب‌ها و انحرافات باشند که در طول زمان به آن اضافه شده‌اند. هیچ حقیقتی از آسیب در امان نیست؛ همان‌گونه که دین خدا در طول تاریخ دچار آسیب و انحراف شده و همان‌طور که علم، فلسفه، اخلاق و دیگر معارف ممکن است گرفتار انحراف شوند، عرفان نیز از این قاعده مستثنا نیست. هیچ حقیقتی وقتی در اختیار بشر قرار می‌گیرد، مصون از آسیب و تحریف باقی نمی‌ماند. مهم این است که آسیب‌شناسی کنیم و به‌خاطر وجود آسیب‌ها، اصل حقیقت را نفی نکنیم. در زبان انگلیسی ضرب‌المثلی وجود دارد که می‌گوید: کودک را همراه با آب کثیف حمام دور بیندازید. این مثل نشان‌دهنده یک واقعیت مهم است: وقتی پدیده‌ای همراه با آسیبی ظاهر می‌شود، گاهی به‌جای درمان آسیب، کل آن پدیده را طرد می‌کنند؛ درحالی‌که باید میان «اصل حقیقت» و «آسیب‌های جانبی» تمایز قائل شد.

• آسیب‌شناسی به‌جای حذف حقیقت

در بسیاری از موارد، به‌دلیل وجود یک آسیب یا انحراف، اصل یک پدیده ارزشمند کنار گذاشته می‌شود. در دوران اخیر هم بارها دیده‌ایم که مثلاً چون پدیده‌ای دچار افراط یا انحراف شده، کل آن زیر سؤال رفته است. این در حالی است که باید: حقیقت از آسیب‌ها تفکیک شود و آسیب‌ها اصلاح شوند؛ نه اینکه اصل حقیقت طرد شود.

• عرفان و اتهام عقب‌ماندگی

یکی از مهم‌ترین اتهاماتی که علیه عرفان مطرح می‌شود، این است که عرفان عامل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی بوده است. تحلیل‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه پس از حمله مغول و ویرانی ایران، بسیاری از نخبگان از آینده ناامید شدند و به‌جای تلاش برای ساختن تمدن، به تصوف، درویشی و ترک دنیا روی آوردند؛ این مسیر موجب شد، استعدادها به سمت سلوک فردی و انزوا بروند؛ نه به سمت علوم و عمران و تمدن‌سازی.

البته این تحلیل‌ها کاملاً بی‌اساس نیستند؛ اما باید توجه داشت که این فقط بخشی از واقعیت است، نه تمام آن؛ نمی‌توان همه عرفان را مسئول عقب‌ماندگی دانست؛ همان‌طور که برخی جریان‌های عرفانی باعث رکود شدند، بسیاری دیگر از عرفا در احیای روحی، اخلاقی و حتی فرهنگی جامعه مؤثر بودند.

• عرفان و پیشرفت؛ تضاد یا تعامل؟

برخی از دیدگاه‌ها، عرفان را مانع پیشرفت می‌دانند. می‌گویند: عرفان‌گرایی با نگاه درون‌گرایانه و بی‌تفاوت به دنیا، با توسعه و پیشرفت مادی ناسازگار است. این انتقاد درباره برخی قرائت‌های انزواگرایانه از عرفان صادق است؛ اما نباید همه عرفان را با یک نوع تلقی انزواگرایانه قضاوت کرد؛ زیرا عرفان اصیل می‌تواند با پیشرفت، مسئولیت اجتماعی و تلاش برای بهبود زندگی انسانی کاملاً هماهنگ باشد.

• مخالفت از دو سو؛ وظیفه عالمان عرفان

عرفان در معرض مخالفت‌هایی از دو سو قرار گرفته:

- از ناحیه متشرعین که نگران انحراف از شریعت هستند؛
- از ناحیه سکولارها که عرفان را مانع پیشرفت اجتماعی می‌دانند.

این مخالفت‌ها باعث می‌شود که حقیقت عرفان در ابهام قرار گیرد و افراد مستعد و علاقه‌مند، نتوانند به‌درستی از آن بهره‌مند شوند؛ بنابراین یکی از رسالت‌های مهم عالمان و علاقه‌مندان به عرفان این است که با این مخالفت‌ها مواجهه درست و علمی داشته باشند.

• مسئولیت دوم؛ پاسخ‌گویی به مشتاقان عرفان

اما مسئولیت دوم از این هم سنگین‌تر است: ما امروز با نسلی مشتاق به عرفان روبه‌رو هستیم؛ نسلی که انتظاراتی روشن و جدی از عرفان دارد. در جهانی که مکاتب مختلف، با نام عرفان، برنامه‌ها و وعده‌های رنگارنگی عرضه می‌کنند، اگر عرفان اصیل اسلامی نتواند پاسخ مناسب بدهد، میدان را به جریان‌های بی‌ریشه و انحرافی واگذار کرده است. این رسالتی است که عالمان اهل معرفت باید بیش از همیشه آن را جدی بگیرند.

ادامه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

• انتظارات جدید نسل امروز از عرفان

در فضای امروز، بسیاری از علاقه‌مندان به عرفان انتظار دارند که عرفانی به آنها ارائه شود که نه‌تنها پاسخ‌گوی نیازهای معنوی سنتی باشد، بلکه بتواند در زندگی روزمره آنها نیز کارآمد و ملموس باشد. درگذشته، کسانی که به عرفان روی می‌آوردند، هدف اصلی‌شان تقرب به خداوند و تهذیب نفس بود.

اما امروز، جوان امروزی می‌گوید: من می‌خواهم ثمرات عرفان را در همین دنیا ببینم. عرفان باید در زندگی‌ام، در آرامش روان، دررضایت درونی و در روابط اجتماعی‌ام اثرگذار باشد؛ یعنی جوان امروز، خواهان ترکیب معنویت باکیفیت زندگی است. نه‌تنها اهل معنابودن، بلکه خوش‌بودن، سالم زیستن و بانشاط‌بودن هم از مطالبات اوست.

• رقابت عرفان اسلامی با عرفان‌های نوظهور

در این شرایط، عرفان‌های نوظهور یا شبه‌عرفانی وارد میدان شده‌اند و چنین وعده‌هایی می‌دهند: آرامش سریع، شادی درونی، معنویت منهای شریعت، خودشناسی فوری، زندگی در لحظه و احساس رضایت فوری و این ادعاها گاهی با تکنیک‌هایی همراه می‌شود که بخشی از نیاز مخاطب را نیز پاسخ می‌دهد؛ چون از منابعی مانند: روان‌شناسی، هنر، آموزش وپرورش، علوم فراوان‌شناسی و حتی تجربه‌های شخصی غربی‌ها بهره می‌برند و بسته‌هایی قابل لمس و کاربردی ارائه می‌دهند. در این میان، وقتی یک جوان یا مخاطب امروزی به سراغ عرفان اسلامی می‌آید، ممکن است بپرسد: «شما برای من چه دارید؟ این مباحث سنگین از قبیل اعیان ثابتة، حضرات خمس، یا وجود واحد، چه اثری در زندگی امروز من دارد؟» و این پرسشی است که اگر پاسخ مناسبی ندهیم، عرفان اسلامی را در رقابت با این مکاتب عقب می‌اندازیم.

توقف در سطح پیشینیان؛ یکی از آسیب‌های جدی یکی از آسیب‌های مهم عرفان در حوزه معاصر این است که ما «فقط همان مطالبی را که پیشینیان به آن دست یافته‌اند، تکرار، شرح و تدریس می‌کنیم.»

درحالی‌که شرایط اجتماعی، روانی و ذهنی مخاطب امروز تغییر کرده؛ نیاز معنوی امروز با دیروز یکسان نیست؛ نسل امروز با مسائل جدیدی روبه‌روست که پاسخ‌هایی نو و کاربردی می‌طلبد. مخاطبان امروز، اقلیتی محدود نیستند که صرفاً با متون عمیق عرفانی سیراب شوند. اکثریت مخاطب، طالب چیزی است که قابل لمس و زیسته باشد.

• دورسالت اساسی برای فعالان عرصه عرفان

بر این اساس، امروز بر عهده عالمان و دغدغه‌مندان عرفان دورسالت مهم قرار دارد:

۱. دفاع معقول و علمی از عرفان در برابر مخالفان؛ پاسخ‌گویی دقیق و منطقی به مخالفانی که عرفان را مخالف شریعت یا مانع پیشرفت می‌دانند.

۲. پاسخ‌گویی کاربردی به نیازهای معنوی نسل امروز؛ ارائه عرفانی که زبان امروز را بفهمد و بشناسد و بتواند در زندگی فردی و اجتماعی انسان معاصر اثرگذار باشد.

در نتیجه ما امروز نیازمند عرفانی هستیم که هم بر سنت غنی و عمیق پیشینیان تکیه داشته باشد و هم با زبان، دغدغه‌ها و شرایط نسل جدید سخن بگوید. اگر این دو انتظار مهم را به‌درستی پاسخ ندهیم، نه‌تنها عرفان اسلامی مهجور خواهد شد؛ بلکه میدان را به شبه‌عرفانی‌هایی خواهیم سپرد که گرچه سطحی‌اند؛ اما عرضه‌ای جذاب دارند.

• نوسان عرفان میان انزوا و ابتدال؛ چالشی همیشگی در مسیر معنویت

یکی از مشکلات اساسی در بحث عرفان، نوسانی است که بین انزوا و ابتدال رخ می‌دهد. از یک‌سو، افرادی هستند که برای حفظ عرفان اصیل، خالص و غیرمخدوش، به‌تدریج به انزوا کشیده می‌شوند. از سوی دیگر، کسانی تلاش می‌کنند، عرفان را گسترش دهند و به آن عمومیت ببخشند؛ اما این روند گاهی به ابتدال می‌انجامد و حقیقت عرفان از اصل خود فاصله می‌گیرد.

این مسأله هم درگذشته وجود داشته و هم امروز به‌شکلی دیگر تکرار می‌شود. درگذشته، این انحراف به‌شکل «تصوف عامیانه» نمود پیدا می‌کرد. اکنون نیز، اگر به برخی کشورهای آفریقایی نگاه کنید، می‌بینید بسیاری از مسلمانان، عضو یکی از فرقه‌های صوفی هستند، مثلاً تیچانیه یا قادریه؛ اما این افراد الزاماً اهل کشف و شهود نیستند؛ بلکه مسلمانان عادی‌اند که در حلقه‌های ذکر شرکت می‌کنند، گاهی دبداری با شیخ دارند و زندگی روزمره‌شان را طی می‌کنند. از نظر علمی و معرفتی نیز سطح بالایی ندارند و سلوک خاصی در مسیر عرفان طی نمی‌کنند.

این نوع تصوف عامیانه، مستعد آمیخته‌شدن با انواع خرافات است. در جامعه خودمان هم دیده‌ایم که برخی افراد، وقتی کمی به‌سوی معنویت می‌روند، به‌جای تعمیق در سلوک واقعی، به دل خرافات کشیده می‌شوند. سؤال مهم اینجاست: مرز میان معنویت و خرافه کجاست؟ چه کسی می‌تواند تشخیص دهد، این عرفان است و آن خرافه؟ ما به غیب و ماورای طبیعت ایمان داریم؛ اما این ایمان نباید به پذیرش امور خرافی یا نامعقول به‌نام عرفان و باطن بینجامد. این تفکیک، مسأله‌ای ظریف و پیچیده است.

شناخت این مرز، کار ساده‌ای نیست.

درگذشته، این انحراف به‌شکل تصوف عامیانه وجود داشت؛ امروز نیز با پدیده‌هایی مثل «شبه‌عرفان‌ها» روبه‌رو هستیم. افرادی هستند که خود را متعلق به یک حلقه



• هرچقدر زمان جلوتر می‌آید، اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، عرفان ما پیراسته‌تر شده و به آموزه‌های اصیل شریعت نزدیک‌تر می‌شود. اگر به تاریخ عرفان نگاهی بیندازیم و تا زمان معاصر بیاییم، می‌بینیم که عرفانی همچون حضرت امام خمینی، علامه طباطبائی ^(رحمته‌الله) و بزرگان معاصر دیگر، در مقایسه با عرفای گذشته، به روح شریعت اسلامی نزدیک‌تر بوده‌اند. این نزدیکی هم از حیث علمی و اعتقادی قابل‌مشاهده است و هم در سلوک و رفتار آنها.

در عرفای امروز، دیگر آن انزوای افراطی و گریز از جامعه که در برخی عرفای گذشته دیده می‌شد، وجود ندارد. آنها در عین عمیق بودن در عرفان، حضور فعال در عرصه اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی دارند.

عرفانی می‌دانند؛ اما در عمل، نشانه‌ای از دینداری و شریعت‌مداری در آنها نمی‌بینید. آنها به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های خاص بسنده کرده‌اند که گمان می‌کنند، برای سیر معنوی کافی است؛ درحالی‌که از دین و شریعت بی‌نیازشان کرده است. گاه موسیقی، هنر و رقص هم در تعریف آنها در زمره عرفان قرار می‌گیرد. این عرفان گاهی به انزوای افراطی می‌رسد و گاهی به ابتدال. حفظ تعادل میان این دو، بسیار دشوار است. نه باید به سمت انزوایی رفت که با آموزه‌های دینی ما سازگار نیست؛ نوعی رهبانیت که از ادیان دیگر وارد تصوف ما شده و همراه با گریز از خلق و مسئولیت اجتماعی و خانوادگی است.

این از دشواری‌های کار عرفانی است؛ برخلاف فقه که احکام آن مشخص و تکلیف روشن است، فقه، رساله عملیه دارد و دستورات زندگی را به‌صورت روشن بیان می‌کند؛ اما عرفان چنین نیست. در عرفان این نوسان دائمی وجود دارد و سامان دادن به آن، هم دانش می‌خواهد و هم هنر.

• نزدیکی تدریجی عرفان به شریعت در سیر تاریخی آن

هرچقدر زمان جلوتر می‌آید، اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، عرفان ما پیراسته‌تر شده و به آموزه‌های اصیل شریعت نزدیک‌تر می‌شود. اگر به تاریخ عرفان نگاهی بیندازیم و تا زمان معاصر بیاییم، می‌بینیم که عرفایی همچون حضرت امام خمینی، علامه طباطبائی ^(رحمته‌الله) و بزرگان معاصر دیگر، در مقایسه با عرفای گذشته، به روح شریعت اسلامی نزدیک‌تر بوده‌اند. این نزدیکی هم از حیث علمی و اعتقادی قابل‌مشاهده است و هم در سلوک و رفتار آنها. در عرفای امروز، دیگر آن انزوای افراطی و گریز از جامعه که در برخی عرفای گذشته دیده می‌شد، وجود ندارد. آنها در عین عمیق بودن در عرفان، حضور فعال در عرصه اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی دارند.

یکی از ویژگی‌های رایج در ادبیات عرفانی گذشته، نوعی تقابل و حتی مخالفت با علوم رسمی، به‌ویژه فلسفه و سایر «علوم ظاهری» بود؛ اما امروز، ما شاهد بزرگانی هستیم که نه‌تنها اهل عرفان‌اند؛ بلکه در قله علوم دینی و عقلی نیز قرار دارند. اساتید برجسته فلسفه‌اند، مفسران قرآن‌اند و در حوزه فقه نیز صاحب‌نظرند؛ درعین حال، علایق و سلوک عرفانی عمیق دارند.

این همان چیزی است که در حکمت متعالیه به‌شکل نظری نیز مطرح شد: جمع میان عقل، شهود و وحی. امروزه برای ما، این جمع، منطقی و پذیرفته‌شده به نظر می‌رسد؛ اما اگر به تاریخ مراجعه کنیم، درمی‌یابیم که این همگرایی همیشه بدیهی و پذیرفته نبوده است. درگذشته، این ترکیب با نادیده گرفته می‌شد یا با مقاومت مواجه بود.

• پنج شاخصه عرفان خالص شیعی

من برای عرفان خالص شیعی، پنج شاخصه و ویژگی به ذهنم رسیده که به‌اختصار عرض می‌کنم؛ عرفانی که ما کم‌وبیش در آموزه‌های شیعه با آن آشنا هستیم.

در این بحث، سخن بر سر حقیقت دین نیست؛ بلکه محور اصلی، تاریخ و افراد و نحوه تأثیرپذیری است، نه خود بستر دین. ما درباره عرفانی سخن می‌گوییم که ریشه در دین دارد و عرفان کامل دینی است.

تأثیرپذیری از مکاتب دیگر نیز در همین راستا قابل بررسی است. ما گاهی دچار افراط و تفریط می‌شویم؛ بخشی از حقیقت را می‌بینیم و بخشی دیگر را نمی‌بینیم. به نظر من، اگر این پنج شاخصه را مدنظر داشته باشیم، می‌توان

گفت که در مسیر درست عرفان شیعی در حال حرکت هستیم. این شاخصه‌ها بیشتر جنبه شکلی، صوری و رویکردی دارند، نه صرفاً محتوایی.

• شاخصه اول: تطابق کامل با شریعت

نخستین شاخصه عرفان خالص شیعی، تطابق دقیق و کامل با شریعت است. هر عرفانی که در تعارض با شریعت باشد، ناقص است و به میزان مخالفتش با شریعت، از حقیقت عرفان راستین دور شده است.

عرفان اصیل شیعی نه چیزی بر شریعت می‌افزاید، نه چیزی از آن می‌کاهد و نه آن را تغییر می‌دهد. این نکته مهمی است که باید بر آن تأکید کرد: اگر عرفان نه چیزی اضافه می‌کند، نه چیزی کم و نه چیزی را دگرگون می‌سازد، پس چه چیزی به ما عرضه می‌کند؟ آیا چیزی جدا از فقه، کلام و تفسیر نیست؟ پاسخ این است که عرفان، ناظر به بُعد باطنی دین است، نه صرفاً ظاهر آن.

دین، دو ساحت دارد: ظاهر و باطن. عرفان متوجه و متمرکز بر آن باطن دین است. ممکن است عالمی، یک‌عمر را صرف فهم و تعلیم دین کند و با این حال، تنها با ظاهر دین مشغول باشد و این هم امری پسندیده و موردنیاز است؛ اما نباید فراموش کرد که دین، فقط در ظاهرش خلاصه نمی‌شود.

با این‌حال، راه باطن، یک راه الزامی برای همگان نیست. خداوند ظاهر دین را بر همگان واجب کرده؛ اما باطن را نه. هرکس لیاقتی دارد، می‌تواند وارد این مسیر شود. سفره پهن است؛ اما دعوت عام نیست. حدنصاب مسلمانی، التزام به‌ظاهر دین است؛ اگر کسی به باطن رسید، مقامی بالاتر یافته است؛ اما اگر هم نرسید، همچنان اهل نجات است.

نکته کلیدی اینجاست که باطن دین، نباید با ظاهر آن در تعارض قرار گیرد. هرچاکه چنین تعارضی پیش آمد، باید بدانیم که اشتباهی رخ داده است؛ به‌شرطی که ظاهر، همان ظاهر صحیح دین باشد.

مثالی روشن از این تعارض، جایی است که برخی سالکان در سیروسلوک به جایی می‌رسند که گمان می‌کنند، تکلیف از آنها ساقط شده است؛ این، علامت روشنی است که اشتباهی بنیادین رخ داده است. تا زمانی که انسان، عقل، بلوغ و اختیار دارد، تکلیف از او برداشته نمی‌شود؛ حتی نیل به مقامات باطنی، نه‌تنها تکلیف را از انسان ساقط نمی‌کند؛ بلکه مسئولیت و تکلیف را سنگین‌تر و دقیق‌تر می‌کند.

پس شاخصه اول عرفان اصیل شیعی این است که هیچ‌گاه با شریعت در تضاد قرار نمی‌گیرد و دقیقاً با ظاهر دین در هماهنگی کامل است.

• شاخصه دوم: معصومین ^(علیهم‌السلام)، تنها الگوی کامل در عرفان شیعی

دومین شاخصه عرفان اصیل شیعی این است که تنها الگوی کامل و بی‌خطا، معصومین ^(علیهم‌السلام) هستند. در این مسیر، تنها کسانی که گفتار، رفتار، سکوت و سلویشان به‌طور مطلق قابل‌اعتماد است، همان حضرات معصومین‌اند. ما هیچ انسان غیرمعصومی نداریم که بتوانیم، او را به‌عنوان الگوی مطلق و اسوه کامل بپذیریم. شخصیت‌هایی مانند حضرت امام خمینی، علامه طباطبائی ^(رحمته‌الله) و شاگردان برجسته مکتب عرفان اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام) در حوزه قم، همگی سخنگویان و حاملان عرفان شیعی هستند؛ اما حتی درباره این بزرگان نیز باید گفت که گرچه می‌توان از آنان آموخت؛ اما نمی‌توان ایشان را مصون از خطا دانست. در عرفان اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام)، سالک می‌تواند از استاد و مراد خویش، آداب سلوک، روش تعلیم، سنت زیستن و ادب باطن را فرا بگیرد؛ اما هرگز نمی‌تواند او را الگوی مطلق بداند. این تفکیک مهم، از لغزش‌های خطرناک فکری و عملی جلوگیری می‌کند. گاهی اتفاق می‌افتد که برخی افراد، یک استاد را مطلق می‌کنند؛ هرچه او بگوید و انجام دهد، ولو خطا و خلاف‌شرع، برای‌شان حجت می‌شود. اینجاست که لغزش‌های فردی، به اشتباهات مقدس‌نمایی‌شده تبدیل می‌شود. ریشه این خطا در فرض نادرست تبعیت مطلق است.

در برخی از نحله‌های صوفیه، این تبعیت مطلق به‌صراحت توصیه شده است: «تو باید چون مرده‌ای در دست غُتال باشی؛» یعنی حتی اگر چیزی برخلاف شریعت از استاد دیدی، نباید در آن شک کنی یا اعتراض نمایی. این نگرش، در عرفان اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام) مطرود و غیرعقلانی است.

در عرفان اصیل شیعی، تبعیت از استاد نسبی و مشروط است؛ راهنما، راه را نشان می‌دهد؛ اما راه را به‌جای انسان طی نمی‌کند و معصوم ^(علیه‌السلام)، تنها کسی است که در این مسیر، می‌توان به او با اطمینان کامل اقتدا کرد.

• سوم: تکرر راه‌های معرفت در عرفان اصیل

در عرفان اصیل، راه‌های متعددی برای رسیدن به معرفت وجود دارد. ما در مسیر شناخت، تنها به یک شیوه محدود نیستیم. در قرآن و معارف اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام)، سه مسیر اصلی برای دستیابی به معرفت مطرح شده است:

- راه عقل؛
- راه شرع (کتاب و سنت)؛
- راه شهود و تهذیب نفس.

اگر مکتبی مدعی عرفان شود؛ اما تنها بر شهود تکیه کند و راه عقل و شرع را کنار بگذارد، چنین عرفانی نه با عقل سازگار است و نه با آموزه‌های قرآن و اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام).

قرآن ما را به استفاده از عقل و تفکر دعوت می‌کند، به اتباع از وحی امر می‌کند و نیز ما را تشویق به ترکیه نفس و نورانیت دل برای دریافت حقایق می‌نماید؛ بنابراین، همه این راه‌ها باید هم‌زمان مورد توجه قرار گیرند.

این نکته که هیچ‌یک از راه‌های مشروع معرفت را نباید کنار گذاشت، یکی از شاخص‌های مهم عرفان اصیل است؛ بلکه هر سالک راه حقی موظف است از عقل، کتاب و سنت و تهذیب باطن به‌طور هم‌زمان بهره‌مند شود.

در نتیجه، اگر کسی بخواهد اهل عرفان باشد، نباید فقط شنیده‌ها یا استدلال‌های عقلی را ملاک قرار دهد و نه‌تنها به شهود اکتفا کند؛ بلکه باید هر سه عنصر: قرآن، برهان و عرفان را در کنار یکدیگر قرار دهد؛ این است عرفان جامع و متعادل.

عرفان اسلامی؛ جمع میان سلوک باطنی و مسئولیت‌های اجتماعی

یکی از شاخصه‌های مهم عرفان اصیل اسلامی و شیعی، برخورداری از دو بُعد فردی و اجتماعی است و اتفاقاً بعد اجتماعی آن بسیار پررنگ است. کسی که در مسیر عرفان قرار می‌گیرد، به این معنا نیست که دیگر مسئولیت‌های اجتماعی‌اش کنار می‌رود. اینکه کسی بگوید: «تکلیف من شده ذکر و عبادت و دیگر وظیفه‌ای ندارم»، نادرست است.

مسئولیت‌های خانوادگی، اجتماعی و حتی جهانی هر شخص، بسته به توانمندی‌ها و جایگاهش، همواره باقی است. گاهی ممکن است فرد تنها در حد خانواده خود تأثیرگذار باشد، گاهی در سطح شهر، کشور یا حتی در جهان اثر بگذارد. بی‌تفاوت بودن نسبت به عدالت و ظلم، فقر و نیاز مردم، با اسلام سازگار نیست. اسلامی که ما می‌شناسیم، چنین دینی نیست.

از آموزه‌های بدیهی اسلام است که همان‌طور که انسان در برابر خداوند وظایف عبادی مانند نماز و روزه دارد، در برابر بندگان خدا نیز مسئولیت‌هایی واجب دارد. هیچ بهانه‌ای – عبادت، ذکر، اعتکاف یا پیاده‌روی اربعین – نمی‌تواند این مسئولیت‌ها را از دوش انسان بردارد. این اعمال معنوی همگی موقتی‌اند و برای تمرین روح و تربیت نفس‌اند؛ نه اینکه جای‌گزین مسئولیت‌های دائمی شوند.

شغلی به‌نام «عبادت» نداریم. عرفان یک شغل نیست که در کنار سایر مشاغل تعریف شود؛ بلکه روح و باطن زندگی است. هرکسی، در هر جایگاهی – چه استاد، چه دانشجو، چه نظامی، چه ورزشکار، یا استاد دانشگاه – می‌تواند و باید روح عرفانی داشته باشد. عرفان با هیچ شغل و منصب معقولی تعارض ندارد.

تاریخ عرفان نشان می‌دهد که بسیاری از آنان اهل بازار و حرفه بودند: آهنگر، حلاج، سراج و دیگر مشاغل. نام بسیاری از آنان با پیشه‌شان گره‌خورده؛ اما درعین‌حال اهل سیروسلوک نیز بوده‌اند.

بعد اجتماعی عرفان بسیار حائز اهمیت است. نمونه شاخص آن، حضرت امام خمینی ^(رحمته‌الله) است؛ شخصیتی که هم اهل سلوک و خلوت باخدا بود و هم توانست در عرصه سیاست جهانی اثرگذار شود و دنیا را متحول سازد. این پدیده‌ای نوین در تاریخ بشر بعد از انبیا و اولیای الهی ^(علیهم‌السلام) بود و البته، محصول آموزه‌های اسلام ناب محمدی ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و فرهنگ اهل بیت ^(علیهم‌السلام) است.

• ویژگی پنجم: عقلانیت و اعتدال در دین و سیروسلوک

یکی از ویژگی‌های مهم دین و سیروسلوک، عقلانیت و اعتدال است؛ چه در اعتقاد و چه در عمل. این اعتدال جزو ضروریات مسیر عرفانی و ریاضتی است؛ یعنی انسان نمی‌تواند اهل تنبلی، عیش‌ونوش یا خواب باشد و حاضر نباشد، سختی‌ها را تحمل کند؛ اما درعین‌حال، عرفان و دینداری همراه با نوعی ریاضت است که نباید به افراط و خودآزاری برسد.

مثلاً روزه ماه رمضان که در تابستان و گرمای زیاد ساعت‌ها باید تشنگی و گرسنگی را تحمل کرد، ریاضتی است که دین برای تربیت انسان تجویز کرده است. نماز هم گرچه برای ما آسان است، برای بسیاری سخت و پرهزمت است؛ حتی گاهی به چشم جرمه دیده می‌شود. اتفاق، ترک معصیت، عبادت نیمه‌شب و تلاش برای پای‌بندی به تکالیف دینی، همگی ریاضت‌هایی هستند که ممکن آداب سخت و طاقت‌فرسا باشند.

اما این ریاضت نباید به حدی برسد که به خودآزاری یا آسیب جسمی منجر شود. همه تکالیف شرعی مشروط به این هستند که به‌سلامتی انسان آسیب نرسانند. ریاضت‌های افراطی که در برخی مکاتب هندی و مسیحی دیده می‌شود، در عرفان اسلامی جایگاهی ندارند.

عرفان اصیل اسلامی معتدل و عقلانی است؛ همان‌طور که عقل ورزش سخت را رد نمی‌کند، روزه و عبادت نیز نباید به ضرر بدن یا عقل انسان تمام شود.

در منابع عرفانی، داستان‌هایی از ریاضت‌های سخت اولیای الهی ^(علیهم‌السلام) ذکر شده که شاید جنبه رمزی یا نمادین داشته باشند و نباید به‌عنوان الگوی عملی گرفته شوند. هدف این داستان‌ها نشان‌دادن دشواری کنترل نفس و مبارزه با هوای نفس است.

بنابراین، ویژگی پنجم دین و عرفان، عقلانیت و اعتدال در نظر و عمل، تطابق با شریعت، الگوگیری از معصومین ^(علیهم‌السلام)، تنوع راه‌های معرفت و داشتن جنبه اجتماعی است.

هرچه عرفان ما با پنج معیار ذکرشده، مطابقت بیشتری داشته باشد، به حقیقت عرفانی که از آموزه‌های دینی و سیره معصومین؟ عهم؟ می‌آموزیم، نزدیک‌تر خواهیم بود. خوشبختانه، در دوران معاصر به‌برکت بزرگانی چون حضرت امام خمینی و علامه طباطبائی ^(علیهم‌السلام)، به این الگو بسیار نزدیک شده‌ایم. ما شاهد سلوک بزرگانی بوده‌ایم که افکار، اندیشه‌ها و زندگی‌شان کاملاً منطبق بر این معیارهاست. در ایشان نه کارهای عجیب‌وغریب و افراطی می‌بینیم؛ بلکه عقلانیت، التزام صددرصدی به شریعت و توجه دقیق به ابعاد اجتماعی دین مشهود است.

شکرگزاری که در عصری زندگی می‌کنیم که چنین الگوهایی را دیده و شاهد بوده‌ایم. این سرمایه‌ای ارزشمند برای حوزه‌های علمیه است تا این مسیر را ادامه دهند و این بزرگان را الگو قرار دهند. متأسفانه، گاهی در اطراف خود افرادی را به‌نام عرفا می‌بینیم که برای خود دکان و پیروانی درست می‌کنند که مایه نگرانی است. این افراد واقعاً از جریان اصیل عرفان دور بوده و فاصله دارند؛ از این‌رو، وظیفه ماست که بر معرفی و ترویج مشرب و مسلک بزرگانی چون علامه طباطبائی و حضرت امام ^(رحمته‌الله) بیش از پیش کار کنیم؛ چراکه راه ایشان نزدیک‌ترین مسیر به آنچه دین ما و معصومین ^(علیهم‌السلام) فرموده‌اند، است.

ویرایش و تنظیم: حمید کریمی

• اهمیت اخلاق و تربیت در رسالت مدیران حوزه‌های علمیه

آنچه می‌خواهم خدمت سروران گرامی عرض کنم، مسأله حیاتی اخلاق و تربیت در مسئولیت بزرگ مدیران محترم حوزه است. قطعاً همه بزرگواران از من بهتر و بیشتر به این امور آگاهند؛ ولی از باب آیه شریفه ﴿وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَی تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِیْنَ﴾، می‌خواهم به اهمیت یادآوری در مسائل معنوی و علمی تأکید کنم و امید دارم، این تذکر هرچند کوتاه، اثرگذار باشد.

• اخلاق؛ رکن اساسی نظام ارزشی اسلام

اخلاق، یکی از مسائل بنیادین در نظام ارزشی و هستی‌شناختی اسلام است و نقشی حیاتی و سرنوشت‌ساز در رسالت روحانیت و حوزه‌های علمیه دارد. این موضوع بار سنگینی بر دوش مدیران حوزه است که در تربیت سربازان حضرت بقیةالله‌الاعظم علیه‌السلام مسئولیت خطبری بر عهده دارند. حدیث نورانی «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، به‌وضوح جایگاه والای اخلاق در دین را نشان می‌دهد؛ حقیقتی که همواره در آیات الهی و روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام و پیام‌های انبیای الهی علیهم‌السلام متجلی شده و همه کتب آسمانی به دنبال عملی‌کردن آن در جامعه هستند.

• ضرورت توجه ویژه به اخلاق و تربیت در مدیریت حوزه

در زمینه اخلاق و تربیت، هنوز باید گام‌های جدی‌تری برداشته شود؛ هم از نظر آموزش و هم پژوهش و فرهنگ‌سازی. به‌عنوان یک طلبه کوچک، معتقدم حوزه‌های علمیه، شورای عالی و به‌خصوص مرکز مدیریت حوزه و سازمان‌های تابعه، باید برای این مسأله جایگاهی ویژه لحاظ کنند و برای آن برنامه‌ریزی جامع و دقیق ترتیب دهند تا بتوانند، نقش اثرگذار در تربیت سرمایه‌های معنوی و علمی آینده ایفاکنند.

• توجه به اخلاق و تربیت؛ ضرورت والگوهای جهانی

علامه مصباح علیه‌السلام از تجربه‌ای در انگلستان چنین یاد می‌کردند که به دنبال یک کتاب اخلاقی بودند و در یک کتاب‌فروشی بزرگ، بخش وسیعی را دیدند که تقریباً تمامی آثار چاپ‌شده طی ده‌سال اخیر را به موضوع اخلاق اختصاص داده بود و حجم آن، شاید بیش از مجموعه آثار اخلاقی ما باشد. این امر در کشوری که داعیه اخلاق و معنویت ندارند، نشانگر سرمایه‌گذاری عظیم و گسترده در زمینه تحقیق و نشر کتاب‌های اخلاقی بود. ایشان می‌گفتند: با وجود تلاش‌های زیاد بزرگان ما و وجود کتاب‌های ارزشمند و کیفی، حجم فعالیت ما در حوزه اخلاق و تربیت و ارزش‌ها و هنجارها باید بسیار بیش از وضع کنونی باشد.

• نگاهی به نظریه‌های تعلیم و تربیت؛ نظام اعتدالی اسلامی

در تعلیم و تربیت، نظام‌های متفاوتی وجود دارد؛ در کشورهای غربی، نظامی لیبرالیستی حاکم است که معتقد است، باید به متعلم آزادی داد تا استعدادهایش شکوفا شود و روحیه استقلال در او شکل بگیرد و هر نوع محدودیت برداشته شود. در نقطه مقابل، در برخی نظام‌های شرقی، قوانین و مقررات به‌شدت حاکم‌اند و حتی ریز مسائل در چارچوب قوانین مشخص تعریف شده‌اند. هر دو رویکرد لایل و شواهد خود را دارند که البته قابل تردید جدی است. رویکرد سوم، رویکرد اعتدالی است که طیفی را تشکیل دهد.

اسلام نظام اعتدالی خاص خود را پیشنهاد می‌کند؛ اعتدالی که آزادی را در قالب ارزش‌های ثابت تعریف می‌کند. این نظام نه آزادی مطلق را می‌پذیرد و نه آزادی متریی را به‌کلّی نادیده می‌گیرد.

• اجرای نظام اعتدالی؛ شناخت و عمل مدیران

برای اجرای این نظام، نخستین گام، شناخت دقیق خود نظام اعتدالی است که نیازمند تحقیقات گسترده و جامع در حوزه‌های مختلف می‌باشد. بر اساس این شناخت، می‌توان اصول کلی را تعیین کرد که باید در این نظام به آنها توجه شایان داشت.

بدون ورود به جزئیات، به‌طور اجمال، مدیران باید در تمامی ابعاد تعلیم و تربیت، از جمله بعد جسمانی و مادی، بعد روحی و معنوی، شرایط محیط بیرونی و همچنین چالش‌ها و تنش‌های داخلی و خارجی که متربی ممکن است، با آن مواجه شود، با برنامه‌ای جامع و منسجم اقدام کنند. رعایت این اصول و توجه همه‌جانبه به ابعاد وجود انسان، بهترین مسیر برای تحقق اهداف نظام اعتدالی در حوزه تعلیم و تربیت است.

• نظام مدیریت حوزه‌های علمیه و جایگاه مدیران در تربیت

در نظام کنونی حوزه‌های علمیه، شورای عالی حوزه‌های علمیه و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، فعالیت می‌کنند که قوانین و ضوابط مشخصی برای مدیریت حوزه وضع کرده‌اند. بخشی از این قوانین و اصول، از سوی شورای مدیریت و مرکز مدیریت



آیت‌الله رجبی

اصول مدیریت موفق تربیتی در حوزه‌های علمیه

آموزه‌ها و تجربیات علامه مصباح رحمۃ‌الله‌علیه

آیت‌الله رجبی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» در مشهد مقدس برگزار گردید، در سخنانی به موضوع « اصول مدیریت موفق تربیتی در حوزه‌های علمیه؛ آموزه‌ها و تجربیات علامه مصباح علیه‌السلام» پرداخت که مشروح آن بدین شرح می‌باشد.

را به خطر می‌اندازد. همچنین باید به رابطه و تأثیر

دوسویه این دویعد توجه ویژه داشت؛ مثلاً برخی ناهنجاری‌های روحی و روانی یا عدم آمادگی یادگیری،

ممکن است ریشه در مشکلات جسمانی داشته باشد و بالعکس، برخی بیماری‌ها و ضعف‌های جسمی، می‌تواند از مسائل روحی ناشی شود. با این حال، بر اساس مبانی انسان‌شناسی ما، هویت اصلی انسان، روح اوست و جسم نقش ابزاری دارد که البته برای تحقق رشد و تربیت معنوی، سلامت جسم هم اهمیت دارد؛ بنابراین اصل اول در تربیت، توجه همزمان به بعد روحی به عنوان هدف اصلی تربیت و بعد جسمی به‌عنوان وسیله‌ای برای حمایت از آن است. غفلت از هریک از این دو بعد و ارتباط میان آنها، می‌تواند تربیت را ناقص و نارس کند.

از سوی دیگر، در عین توجه به روح و مسائل معنوی به‌عنوان هدف اصلی تربیت، توجه ویژه‌ای به سلامت جسمانی طلبه‌ها نیز مهم است. علامه مصباح علیه‌السلام معتقد بودند، علاوه بر مراقبت جسم، باید به تخلیه انرژی دوران نوجوانی و جوانی نیز توجه شود تا این انرژی در مسیر درست و سازنده مصرف گردد. در این زمینه، ورزش که مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید فراوان دارند، نقش مهمی ایفا می‌کند.

علامه مصباح علیه‌السلام نقل می‌کردند که روزی خدمت مقام معظم رهبری رسیدیم و ایشان پرسیدند: «شما ورزش می‌کنید؟» پاسخ دادند: کمتر. مقام معظم رهبری توصیه کردند: پیاده‌روی کنید و پس از آن، علامه مقید بودند در دوران سلامت، هر روز از بعد نماز صبح تا طلوع آفتاب، پیاده‌روی منظمی داشته باشند.

ایشان همچنین به جوانان سفارش می‌کردند که علاوه بر ورزش، فعالیت‌های جهادی و اجتماعی انجام دهند؛ زیرا این فعالیت‌ها کمک می‌کند، انرژی جوانی و نوجوانی به‌خوبی تخلیه شده و در مسیر سازنده‌ای قرار گیرد و موجب رشد و پایداری جسمی

و روحی آنها شود.

• اصل دوم: اعتدال و انعطاف در برنامه‌های مدیریتی

اصل دوم که باید به آن توجه ویژه داشت، اعتدال است. این اصل را می‌توان با مفهوم انعطاف تکمیل کرد. در تمامی برنامه‌های مدیریتی، لازم است اعتدال رعایت شود؛ چه در بعد معنوی و چه در بعد جسمی؛ حتی در مسائل معنوی، خروج از دایره اعتدال، ممکن است پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد و منجر به بروز ناهنجاری‌های جسمی و روحی شود. برای مثال، افراط در زهد و انجام اعمال عبادی به‌صورت غیرمتعادل، ممکن است نه‌تنها به سلامتی جسم آسیب برساند؛ بلکه تأثیر منفی در رشد معنوی فرد داشته باشد. علامه مصباح علیه‌السلام به‌شدت بر ضرورت رعایت اعتدال تأکید داشتند و معتقد بودند، نظریه تربیت در اسلام، نظریه‌ای اعتدالی است که اعتدال، حتی در ابعاد معنوی نقش حیاتی دارد. ایشان نمونه‌هایی را از دوران حضور خود در مدرسه حقانی بیان می‌کردند که به‌علت نبود اعتدال، برخی افراد دچار آسیب‌های جدی شده بودند.

علاوه بر اعتدال، انعطاف در برنامه‌ها نیز اهمیت فراوانی دارد. برنامه‌های خشک و بدون انعطاف، منجر به نتایج معکوس خواهند شد. در جلسه شورای مدرسه رشد که دو هفته یکبار بنده و مدیر مدرسه با علامه مصباح علیه‌السلام جلسه داشتیم، یکی از سه محور اصلی مورد تأکید علامه، ضرورت داشتن برنامه‌ای منعطف بود. برنامه نباید به‌گونه‌ای باشد که فرد تحت فشار شدید و قالب‌های سخت‌گیرانه قرار گیرد؛ بلکه باید امکان تعدیل اقدامات در شرایط مختلف فراهم باشد. بدین ترتیب، انعطاف‌پذیری در عمل، می‌تواند باعث بهبود وضعیت و افزایش اثربخشی برنامه‌ها شود.

• اصل سوم: اقتناع و تبیین غیرمستقیم؛ رویکردی مؤثر در مدیریت تربیتی

یکی از اصول اساسی که بسیار مورد تأکید قرار گرفته، اصل اقتناع و تبیین به‌صورت غیرمستقیم است؛ به‌جای صدور دستورهای خشک و مستقیم. به‌گفته آیت‌الله مصباح، مجموعه‌ای از اصول ثابت وجود دارد که باید از ابتدا برای طلبه‌ای که وارد حوزه می‌شود، تبیین و تفهیم گردد تا با آگاهی و پذیرش وارد این نظام شود. هر نظامی قواعد و مقررات خاص خود را دارد و این امر نه‌تنها اشکالی ندارد؛ بلکه طبیعی و ضروری است؛ اما نکته مهم‌تر، ادامه روند توجه و اقناع طلبه‌هاست تا آنها از درون، دستورالعمل‌ها و برنامه‌ها را بپذیرند و همراهی کنند.

ایشان بارها از سبک مدیریتی شهید بهشتی رحمۃ‌الله‌علیه یاد می‌کردند که روش خاصی داشتند؛ پیش از اجرا، مسأله‌ای را به صورت پرسش مطرح می‌کردند و از اعضا می‌خواستند، نظرات خود را بیان کنند. وقتی فردی نظری را مطرح می‌کرد که همسو با نظر خود ایشان بود، آن را برجسته می‌کردند و جلسه را به‌گونه‌ای پیش می‌بردند که همه حاضرین حس کنند، با هم‌فکری و اراده جمعی به نتیجه رسیده‌اند. چنین شیوه مدیریتی، بهترین روش است؛ چراکه باعث می‌شود، افراد به صورت درونی و فکری برنامه‌ها و تصمیمات را بپذیرند و احساس کنند که خواسته خودشان است.

همچنین، از دیدگاه استادشان، آیت‌الله‌العظمی بهجت علیه‌السلام، توصیه مهمی نقل می‌کردند که تذکرات و یادآوری‌ها به‌ویژه درباره رعایت دستورالعمل‌ها باید به‌صورت غیرمستقیم و در قالب راهنمایی و تذکر ظریف باشد. ایشان می‌فرمودند که آیت‌الله بهجت، هیچ‌گاه توصیه‌های اخلاقی و تربیتی خود را به‌شکل مستقیم بیان نمی‌کردند؛ بلکه این توصیه‌ها را در قالب داستان، حکایت، نقل قول از اشخاص یا روایات و آیات بیان می‌نمودند.

خود علامه مصباح نیز در طول پنجاه سال که در خدمت ایشان بودم، به‌ندرت تذکر مستقیم در مسائل تربیتی داشتند و در مجامع بیشتر از طریق ذکر



🌟 گزارش خبری

داستان‌ها، آیات و روایات، مفاهیم تربیتی را منتقل می‌کردند تا جدایی و خشکی در ارتباط مری و متری ایجاد نشود و پیام‌ها بهتر در دل‌ها بنشینند.

• اصل چهارم: برانگیختن کرامت و عزت نفس

یکی دیگر از اصول اساسی تربیت، تقویت احساس کرامت و عزت نفس در طلبه است. طلبه باید دچار رشد و بالندگی در کرامت نفسانی و اعتماد به نفس شود؛ چراکه شکوفایی این ویژگی‌ها سبب می‌شود، طلبه از آلوده‌شدن به بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحرافات مصون بماند. در روایات نیز بر اهمیت این موضوع تأکید شده است: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ»؛ البته این اصل نیاز به تحلیل و تفصیل دارد؛ ولی برای اختصار از بیان تفصیلی آنها صرف نظر می‌کنم.

• اصل پنجم: اصل برجسته‌سازی و اهتمام بیشتر به بُعد معنوی و ارتقای معرفت

بر اساس انسان‌شناسی اسلامی، روح اصل هویت انسان است و باید در تمامی برنامه‌ریزی‌های مدیران حوزه، برجسته و محور قرار گیرد. لازم است برای تقویت روح و بُعد معنوی، رشد معرفت نسبت به خداوند، صفات و افعال الهی، حضرات معصومین علیهم‌السلام و نقش آنان در نظام تکوین و تشریع و هستی و تربیت، سرمایه‌گذاری ویژه و زمان کافی اختصاص داده شود. زندگی، سیره عملی و توصیه‌های تربیتی علامه مصباح علیه‌السلام در مؤسسه رشد، نمونه روشنی از اهمیت این بعد است.

• اصل ششم: تقویت حس استقلال و پرهیز از طفیلی‌گری

از دیگر اصول حیاتی، تقویت روحیه استقلال در طلبه و دوری از وابستگی بیش از حد به دیگران است. طلبه باید توانایی روی پای خود ایستادن در ابعاد مادی، آموزشی، اخلاقی و تربیتی را پیدا کند. برنامه‌های تربیتی نباید بسیار خشک و محدودکننده باشند که استقلال را تضعیف کنند. علامه مصباح علیه‌السلام تأکید داشتند که تربیت باید به‌گونه‌ای باشد که روحیه استقلال به‌تدریج در طلبه شکل گیرد؛ چراکه پس از دوران آموزش، طلبه ناگزیر از استقلال و تصمیم‌گیری مستقل است و اگر توانایی کافی برای این امر نداشته باشد، دچار بحران خواهد شد.

• اصل هفتم: رعایت اصل تدریج و پرهیز از تحمیل

علامه مصباح بزدی علیه‌السلام در طول عمر شریف خود، بارها بر اصل تدریج در تربیت تأکید کردند. تحول‌های سریع و ناگهانی در افراد، انتظار بی‌جایی است. انسان در تمام ابعاد به‌تدریج رشد و حتی سقوط می‌کند؛ بنابراین در برنامه‌ریزی‌های تربیتی باید اصل تدریج با توجه به سن، عوامل طبیعی و اجتماعی مدنظر باشد. زدودن ناهنجاری‌ها و کسب فضایل اخلاقی، نیازمند زمان است و به‌تدریج محقق می‌شود و رعایت و توجه به تدریجی‌بودن تحول انسان، موجب موفقیت در تربیت طلاب خواهد شد.

• اصل هشتم: ترجیح اهم بر مهم؛ تشخیص اولویت‌ها

یکی دیگر از نکات کلیدی، توجه به اولویت‌ها و ترجیح اهم بر مهم است که هم امر عقلایی و هم دینی است. علامه مصباح می‌گفتند: «من مدت‌ها می‌نشینم فکر می‌کنم، آن اهم و به‌تعبیر دیگر، واجب کدام است؟»

ایشان متذکر می‌شدند که در دوران کنونی، ما بیشتر با انتخاب میان واجبات روبه‌رو هستیم، نه بین واجب و مستحب. ممکن است گاهی در قیامت از انسان پرسیده شود: چرا این کار را انجام دادی؟ خدایا واجب بود و واجب را نمی‌شود ترک کرد و ندا برسد که اگرچه آن واجب بود؛ اما به‌خاطر انجام واجب تو واجب مهم‌تر (واجب) را ترک کرده‌ای. وظیفه تو انجام واجب بوده است؛ لذا در مسائل تربیتی، باید همواره به تشخیص و اولویت‌بندی امور اهتمام بورزیم و مهم‌ترین‌ها را مقدم بدانیم.

• اصل نهم: تقویت حس مسئولیت‌پذیری و روحیه‌ایثار

از اصول مهم دیگر، برانگیختن حس مسئولیت و روحیه از خودگذشتگی در طلبه است. برخی مدیران ممکن است، تنها تمرکز خود را بر امر آموزش و کسب نمرات بالای تحصیلی قرار دهند و مسائل اجتماعی را به آینده موکول کنند که این تفکر غلط است. طلبه از بدو ورود به حوزه، باید بداند مسئولیت اجتماعی هم بر دوش اوست. این تقویت احساس مسئولیت باید حساب‌شده و با برنامه‌ریزی در روح و جان طلبه نهادینه گردد که طلبه در زمان لزوم در جامعه احساس وظیفه و مشارکت کند.

این احساس مسئولیت شامل تمامی مسائل اجتماعی، خانواده، جامعه و تعهد به مقابله با تهاجمات فرهنگی و ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی می‌شود. در حقیقت، تربیت یک طلبه موفق باید همراه با پرورش روحیه جمع‌گرایی، جهاد و مبارزه در راه حق و عدالت باشد.

اصول مدیریت موفق تربیتی در حوزه‌های علمیه آموزه‌ها و تجربیات علامه مصباح

• اصل دهم: بازنگری در عملکرد و اهمیت خودانتقادی درمدیریت تربیتی

نکته دیگری که علامه مصباح رحمته‌اللهه بارها بر آن تأکید داشتند، توجه به خود و بازبینی عملکرد شخصی است. ایشان می‌گفتند: هر مدیری که در مدرسه با مشکلات، نقایص یا ناهنجاری‌هایی مواجه می‌شود، ابتدا باید به نقش خود در این مسائل بیندیشد؛ آیا می‌توانست بهتر عمل کند تا این مشکلات پیش نیاید؟ چه اقدامات مثبت که انجام نشده و چه نحوه انجام کار و رفتار و منش فرد، تأثیرش بر رشد یا سقوط متریبان بسیار مهم است. علامه مصباح حدیث شریف «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُعْسِي وَلَا يُصْبِحُ إِلَّا وَتَفْسُهُ ظَنُّونٌ فَلَا يَزَالُ زَارِبًا عَلَيْهَا وَتُشْتَرِدَا لَهَا» را بسیار تکرار می‌کردند که مؤمن همیشه خود را مسئول و مقصر می‌بیند و این خودانتقادی، باعث هوشیاری در تشخیص دقیق مشکلات و ریشه‌یابی آنها می‌شود. این نکته را نیز باید بدانیم که ظاهر مشکلات، گاهی متفاوت از علت اصلی است و باید با دقت، ریشه واقعی را یافت. ایشان بارها تأکید می‌کردند که ابتدا به خود بازگردیم.

• اصل یازدهم: اخلاص؛ کلید موفقیت در مدیریت و تربیت

دو توصیه مهم دیگر ایشان که در همه جلسات اعم از مدیریتی، تربیتی، فرهنگی و سیاسی همواره مطرح و خود نیز به آن عمل می‌کردند، اول اخلاص و دوم توسل به حضرات معصومین علیهم‌السلام بود. علامه مصباح رحمته‌اللهه می‌گفتند: «کار با اخلاص نتیجه می‌دهد». در آخرین روزهای بیماری‌شان که دیگر توان حضور در بیرون را نداشتند، وقتی با ایشان به‌صورت تصویری گفت‌وگو می‌کردم، گفتند: «اگر من بخواهم یک جمله بگویم، این است: هر جا با اخلاص عمل کرده باشیم، ضرر نکردیم.» در اینجا اشاره کنم که ایشان بسیار وظیفه‌مند بود که نوعی با اخلاص مرتبط یا عین آن است.

در همان روزهای آخر دوران بیماری، با حضور تیمی از پزشکان متخصص از بیت رهبر معظم انقلاب، به منزل ایشان رفتم. سرتیم پزشکان درحالی‌که علامه روی تخت خوابیده بود و توان نشستن نداشت، گفت: «فکر نکنید فقط شما فتوا می‌دهید، ما هم فتوا می‌دهیم». علامه با روحیه‌ای که همیشه داشت، مزاح کرد و گفت: برای آقایان کف برنیزد، آقایان اهل فتوا شدند، جمع را شاد کردند و بعد دست به دعا بردند و گفتند: «الحمدلله! خدا امروز نعمتی به من داد.» آن نعمت این است که اکنون تمامی متخصصان یک رأی دارند و من وظیفه الهی خود را در درمان به‌درستی شناختم. ما قبل از این به‌دلیل اختلاف نظر پزشکان در مداوای خود، به احتیاط عمل می‌کردم.

• اصل دوازدهم: توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ به‌عنوان پشتیبان مسائل سخت و مسیر موفقیت

علامه مصباح هرگز توسل به حضرات معصومین علیهم‌السلام را فراموش نمی‌کردند و در همه مجالس و جلسات، پس از ذکر توصیه‌های تربیتی و علمی، بر توسل به حضرات معصومین علیهم‌السلام مخصوصاً حضرت بقیة‌الله ارواحنا فداء تأکید داشتند. برای ایشان، توسل نه صرفاً یک مراسم ظاهری که اساس کار بود.

در موارد متعدد که برای مؤسسه مشکلات جدی به وجود می‌آمد، ایشان فرمان می‌دادند، به جمکران برویم و توسل کنیم. یک نمونه عرض کنم: یک سال طرح ولایت تابستانی در مشهد با حدود ۴۰۰ دانشجوی برگزار می‌شد. با یک سازمان برای مکان کلاس‌ها و اسکان دانشجویان و اساتید و تغذیه آنها قرارداد بسته شده بود. یک روز قبل از شروع دوره که دانشجویان از سراسر کشور حرکت کرده بودند و اساتید نیز در راه بودند، مسئول آن مرکز تماس گرفت و گفت: توجه نداشتیم که قبل از شما مکان و امکانات را با سازمان دیگر قرارداد بسته بودیم و با کمال شرمندگی نمی‌توانیم در خدمت شما باشیم. آیت‌الله مصباح رحمته‌اللهه از منزل بیرون آمده وارد مؤسسه شدند. در حیاط مؤسسه، مسئول طرح ولایت به محضرشان سراسیمه عرض کرد: حاج‌آقا بجران، بجران! ایشان فرمودند: جی شده؟ مسئول طرح ولایت عرض کرد که دانشجویان و اساتید در راه هستند و همه برنامه محل کلاس و اسکان و تغذیه به هم خورده و قضیه را توضیح داد. علامه مصباح رحمته‌اللهه گفتند: مگر اهل بیت علیهم‌السلام را از شما گرفته‌اند. مسئول طرح ولایت گفت: حاج‌آقا ما کجا و حضرات معصومین علیهم‌السلام کجا! علامه گفتند: لازم نیست شما به محضرشان شرفیاب شوید. آنها می‌آیند. عرض کرد: چگونه؟ گفتند: بروید مسجد جمکران و به حضرت بقیة‌الله رحمته‌اللهه متوسل شوید. جمعی از دوستان به مسجد جمکران رفتیم، نماز تهیت را خواندیم و نماز حضرت بقیة‌الله رحمته‌اللهه (ارواحنا فداء را شروع کردیم. در بین نماز تلفن همراه مسئول طرح ولایت زنگ خورد. نماز را تا اتمام کرد و با شماره‌ای که زنگ زده بود، تماس گرفت. مسئول همان سازمان بود و اعلام کرد که همه چیز حل شده و آن سازمان موافقت کرده که برنامه شما به هم نخورد.

البته علامه مصباح رحمته‌اللهه همواره یادآوری می‌کردند که باید وظیفه خود را با دقت و کارشناسی بشناسیم و انجام دهیم و کمک خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام نصیب کسی می‌شود که وظایفش را انجام داده باشد. این نگرش که ترکیبی از عمل عقلانی و توکل معنوی است، راز موفقیت ایشان بود.

آیت‌الله اعرافی تبیین کرد

جایگاه حوزه‌های علمیه

در تربیت مدیران دینی

و آینده‌سازان امت

آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه، در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه

کشور که با محور بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» و با حضور اعضای شورای‌عالی، مدیران حوزه‌های علمیه، معاونان، مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه برگزار شد، نکات ارزشمندی درباره مدیریت حوزه‌ها و مدارس علمیه بیان کرد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مروری بر این نکات کلیدی است.

• یک راه جامع و متعالی برای سعادت بشر

یک لحظه تأمل کنیم که امروز در سراسر جهان، به باور راسخ ما، تنها یک اندیشه جامع، متوازن و متکامل وجود دارد و آن، اسلام ناب و اندیشه متعالی خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. ما با تمام وجود اعتقاد داریم که این راه، یگانه مسیر سعادت بشر در این کره خاکی است. همه کسانی که اینجا حاضرند، با پشتوانه استدلال و برهان به حقانیت این اندیشه استوار اذعان دارند؛ هر کس در این زمینه تردید داشته باشد، از جمع ما نیست. این جمع، بر این مبنا و اساس اعتقاد راسخ دارد.

• نقش بی‌بدیل حوزه‌های علمیه در تربیت رهبران

اگر این مبنا پذیرفته شود، نکته دومی نیز هست که هیچ جای تردید ندارد؛ پرچمداران این اندیشه الهی و متعالی، فقط و فقط از دل حوزه‌های علمیه تربیت می‌شوند. اینجا خانه‌ای است که رهبران و مشعل‌داران این راه نورانی پرورش می‌یابند و جای دیگری برای این نقش بی‌بدیل وجود ندارد. درست است که در ایران و دیگر کشورها، دانشگاه‌هایی داریم که بخشی از علوم اسلامی را تدریس می‌کنند و برای آنها احترام قائلم؛ اما پرورش عالم دین و مجاهد راه حق و هدایت جامعه، مختص حوزه‌های علمیه است. حوزه‌ها، خاستگاه پرورش متفکران بزرگ اسلامی، فقیهان، محدثان، متکلمان، فیلسوفان، مفسران و اندیشمندان در همه عرصه‌های علوم اسلامی‌اند و این نکته نیز، محرز و مسلم است.

• اهمیت بی‌مانند جمع مدیران و نخبگان حوزه

بارها عرض کرده‌ام که بر اساس تحقیقی که انجام شد، در دانشگاه‌های ایران نزدیک به پنجاه رشته از علوم اسلامی تدریس می‌شود و این قابل احترام است؛ اما تربیت عالم دین و مجاهد آگاه که بار هدایت جامعه را بر دوش می‌کشد، فقط در حوزه‌های علمیه میسر است، با همه آن عظمت تاریخی که این نهاد دارد.

سومین نکته را با دشواری بیان می‌کنم؛ چراکه خود را در این سلسله ناچیز می‌دانم؛ اما با جسارت می‌گویم: جمع حاضر، متشکل از اعضای محترم شورای‌عالی، مدیران ارجمند استان‌ها، مدیران مدارس علوم اسلامی سراسر کشور، اساتید گرانقدر و طلاب و فضلاء عزیز، وزنه‌ای بزرگ و تقریباً منحصربه فرد در تربیت نسل آینده حوزه است. این جمع و جایگاه، مقام ویژه‌ای دارد که باید آن را قدر دانست.

• سه نکته کلیدی در نقش حوزه و مدیران

این سه نکته را همواره به یاد داشته باشیم:
۱. یک راه نورانی و هدایت‌گر بر عالم حاکم است.

۲. پرورشگاه اصلی رهبران این مسیر فقط حوزه‌های علمیه‌اند.

۳. شما، اعضا، مدیران و اساتید، نقشی بی‌بدیل و پیشتانز در تربیت نسل آینده حوزه دارید.

• اهمیت آموزش و تربیت در آغاز راه

پایه تربیت و ساختن شخصیت‌های بزرگ، در همان سال‌های نخستین ورود به مدارس سطح یک و سطوح مختلف حوزه ریخته می‌شود؛ در آنجا علم، اخلاق، روح جهادی و آینده‌نگری و عظمت روح و عزت و غنا شکل می‌گیرد. همان‌گونه که حضرات آیات رجبی و مروی، به‌زیبایی نکات برجسته‌ای را بیان کردند و از محضرشان بهره بردیم، دیگر عزیزان نیز نکات ارزشمندی خواهند گفت؛ هرچند برخی دوستان عزیز به‌دلایل مختلف غایب‌اند؛ اما یاد و برکاتشان با ماست.

• ارزشیابی جایگاه مدیریت و تربیت دینی

این چهار نکته را به‌خاطر بسپاریم:

«رحم الله امرء عرف قدره»؛ خوشا به حال کسی که قدر خود را بشناسد. این شناخت، فقط معنای فردی ندارد؛ بلکه یک معنا و تراز مدیریتی، سازمانی و اجتماعی نیز دارد که من به‌معنای دوم تأکید دارم. قدر شما بزرگ است و منزلت شما عظیم؛ از دست شماست که فقها، عالمان و متفکران آینده برخوانند خاست و پایه همه این امور در سال‌های نخستین تحصیل و تربیت ریخته می‌شود.

• سپاسگزاری و تداوم مسیر خدمت

امروز اگر هیچ‌چیز دیگری هم نگویم، همین نکات کفایت می‌کند؛ یک راه نورانی، یک مرکز پرورش رهبران راه، جایگاه ممتاز شما و اهمیت آموزش در سطوح آغازین.

تشکر می‌کنم از همه عزیزانی که مقدمات این نشست را فراهم کردند؛ قائم‌مقام محترم، معاونان، مدیران، مدیران استانی و منطقه‌ای، اعضای شورای‌عالی و به‌ویژه شما مدیران مدارس علوم اسلامی که در خط مقدم تربیت طلاب هستید؛ همچنین از دوستان مرکز خدمات و کلیه همکاران عزیز سپاسگزارم که پنجمین اجلاس را حمایت کردند.

• جمع‌بندی و پیام‌یانی

با پوزش، بخش پایانی عریضم را در چند محور کوتاه بیان می‌کنم. در این جلسات، نکات لازم و برنامه‌های مرتبط با هر یک از معاونت‌ها و بخش‌ها مطرح می‌شود.

امید که همه این تلاش‌ها استمرار یابد و با روح جهادی، آگاهانه و هوشمندانه در مسیر پرورش نسل‌های آینده حوزه گام برداریم؛ آنچه در این مسیر نیاز است– از آداب، شرایط، مهارت‌ها و ابزارهای مدیریت و تربیت– را با همت و ابتکار فراهم آوریم. وظیفه ما، خدمت به شماست و وظیفه شما، پیشبرد این مسیر است؛ پس منتظر نمانید و همچنان با انگیزه و عزم حرکت کنید. نقص‌ها اگر هست، به ما بازمی‌گردد؛ ولی یقین دارم این راه نورانی و جهاد علمی و معنوی، با تلاش شما ادامه خواهد یافت و ثمرات ارزشمندی بر جای خواهد گذاشت.

• الهام از پیام رهبری و نگاه به جایگاه حوزه پیشرو

سخن خود را با الهام از پیام مقام معظم رهبری درباره «حوزه پیشرو و سرآمد» و نکاتی که مراجع عالی‌قدر و بزرگان در اجلاس سده حوزه بیان کردند، آغاز می‌کنم. در این محور، برخی نکات بنیادی را مطرح خواهم کرد که به اعتقاد من، هر مدیر تراز حوزه باید نسبت به آنها آگاهی عمیق داشته باشد؛ زیرا تنظیم امور آموزشی، علمی، تربیتی، روحی، اجتماعی و حتی سیاسی حوزه باید مبتنی بر این ارکان اصلی صورت گیرد.

پیش از پرداختن به محورهای اصلی، تأکید می‌کنم که براساس پیام «حوزه پیشرو و سرآمد»، حدود سی نکته درباره جایگاه و عظمت حوزه یادداشت کرده‌ام و همچنین به هفت، هشت یا ده مورد از خلا‌ها و ضعف‌ها اشاره کرده‌ام. این نکات، مقدمه سخنان من است و پس از آن، هفت یا هشت محور کلیدی که هویت، امروز و آینده حوزه را ترسیم می‌کند، بیان خواهم نمود.

• نگاهی به عبارات کلیدی پیام رهبری و جایگاه حوزه

بدون ذکر شماره، به‌صورت گذرا برخی از تعابیر و ویژگی‌هایی را که در پیام رهبری و بیانات بزرگان درباره حوزه آمده است، مرور می‌کنم:

پدیده بی‌نظیر و تاریخی: حوزه در نگاه رهبری، پدیده‌ای کم‌نظیر و تاریخی است که به‌ویژه حوزه اخیر قم، با تولدی از دل محنت‌ها و دشواری‌های فراوان در سده اخیر به منصف ظهور رسید؛ چنان‌که در پیام رهبری نیز به این نکته تصریح شده است.



تغییرات لازم در مسیر اهداف را بر اساس این شناخت درست و سریع، مدیریت کند.

هماهنگی منابع مادی و انسانی

توانایی هماهنگ‌سازی بهینه منابع مالی، فیزیکی و نیروی انسانی در جهت تحقق اهداف، از ویژگی‌های مهم مدیر موفق است. این هماهنگی نیازمند مهارت‌های فنی، مدیریت روانی و اخلاقی است.

برانگیختن انگیزه و هیجان

مدیر باید علاوه بر مسائل فکری و محتوایی، قادر باشد انگیزه، شور و هیجان را در میان اعضا ایجاد کند. پیشرفت بدون نشاط و انگیزه ممکن نیست. مدیر باید وجودی انرژی‌بخش و حرکت‌آفرین داشته باشد تا بتواند، افراد را برای تحقق اهداف به حرکت درآورد.

استناد به نظریه و منطق

یکی از پایه‌های مدیریت مؤثر، داشتن تئوری و نظریه مدیریتی مناسب حوزه فعالیت است. هر مدیر باید با توجه به حوزه کاری خود، دانش نظری و منطق مرتبط را در تصمیم‌گیری‌ها به‌کار گیرد.

ایجاد و مدیریت تیم

توانایی ایجاد زنجیره‌ای هماهنگ از نیروها و شکل‌دادن تیم و گروه برای پیشبرد کارها، از شاخص‌های مدیریت موفق است.

نگاه جامع، متوازن و اولویت‌سنج

مدیر باید به همه مأموریت‌ها و حوزه‌های کاری (پشتیبانی، آموزش، پژوهش، تبلیغ، تهذیب، روابط بین‌الملل و غیره) به–صورت جامع و متوازن نگاه کند. نگاه کلان و منظومه‌وار همراه با درک اولویت‌ها لازم است؛ خصوصاً تأکید بر رسالت اصلی یعنی تربیت انسان عالم و توانمند.

انضباط ذهنی و نظم رفتاری

مدیر موفق باید از انضباط فکری و رفتاری برخوردار باشد، فشارها و مشکلات را تحمل کند و در صورت نیاز به اصلاح خود و سیستم مدیریت بپردازد.

تقسیم صحیح وظایف و تعادل کارها

توانایی تقسیم درست وظایف بین اعضای گروه و تعادل میان کارهای کوچک و بزرگ، به مدیریت کارآمد کمک می‌کند. این نکات که در جلسات سال‌گذشته نیز مطرح شده بودند، اهمیت زیادی دارند و یادآوری آنها برای مدیریت بهتر ضروری است.

شناسایی و مدیریت بحران‌های حوزه و جامعه

نکته دیگر این است که مدیر باید توانایی شناسایی بحران‌های مرتبط با حوزه و جامعه روحانیت را داشته باشد و بتواند با آگاهی و درایت، این بحران‌ها را به‌موقع درمان و مدیریت کند. این مهارت برای حفظ پویایی و سلامت سازمان اهمیت بسیاری دارد.

بنیان‌گذاری هوشمندانه و آینده‌نگر؛ در اسناد تاریخی آمده است که حضرت آیت‌الله حائری رحمته‌اللهه تأکید داشتند، ایران امروز نیازمند یک حوزه قدرتمند و اثربخش است. این نگاه، نشانه بنیان‌گذاری برجسته و آینده‌نگر حوزه است.

خاستگاه نهضت، انقلاب و نظام اسلامی: حوزه، هم تولیدکننده نظریه‌ها و تئوری‌های نهضت، انقلاب و نظام اسلامی بود و هم در عمل، پیشران، پیشگام و محور تحقق این حرکت‌ها به‌شمار می‌آید. حوزه پیشگام در ایجاد و پشتیبانی مقاومت اسلامی نیز بوده است.

کانون جهاد و مقاومت: حوزه همواره کانون مبارزه، ایستادگی و صبر، پرورش‌دهنده بزرگان دین و مهد طلوع شخصیت‌هایی همچون امام خمینی رحمته‌اللهه و رهبر معظم انقلاب بوده است. قله علمی و پژوهشی: حوزه، نهادی سرآمد در علم، تحقیق و تبلیغ دینی است؛ در عین حال ماهیت سیاسی، اجتماعی و انقلابی خود را حفظ کرده و با مردم، در کنار مردم و برای مردم است. وارث سرمایه‌های سترگ تشیع: حوزه وارث گنجینه سترگ معارف شیعی و زمانی مهد تمامی علوم بشری بوده است. امروز نیز نهادی پویا، رو به تکامل و دارای هزاران محقق، مدرس، مبلغ، متفکر و محصولات ارزشمندی چون کتاب‌ها و مقالات و اندیشه‌های نواست.

مرکز نوآوری، فداکاری و جهاد: حوزه در عرصه جهاد، دفاع از آرمان‌های اسلامی و تقدیم ایثارگران، رزمندگان، آزادگان و شهدای عالی‌قدر، نقش بی‌بدیلی ایفا نموده است. این موارد، سیمای حوزه‌ای زنده، بالنده، روبه‌آینده و انگاره‌ای واضح از آنچه حوزه باید باشد و در پیام‌ها و توصیه‌های رهبری و بزرگان به آن تأکید شده است.

در ادامه، به محورهای اصلی دیگری اشاره خواهد شد که هویت، کارکرد و افق آینده حوزه‌های علمیه را روشن‌تر می‌سازد.

• نه نکته کلیدی در مدیریت

مدیریت موفق مستلزم مجموعه‌ای از مهارت‌ها و ویژگی‌های کلیدی است که فراتر از دانش علمی و فنی است. در این مسیر، شناخت دقیق محیط، توانایی هماهنگی منابع، انگیزش نیروها و برخورداری از نگرشی جامع و منضبط نقش بسزایی دارد. در ادامه به‌صورت فهرست‌وار، نکات مهم و اصولی برای تحقق مدیریت کارآمد بیان می‌شود که می‌تواند راهگشای مدیران در پیشبرد اهداف باشد.

شناخت موقعیت و محیط

یک مدیر موفق علاوه بر داشتن پایه علمی و مهارتی، باید توانایی شناخت دقیق محیط و داخلی و خارجی، شرایط و اوضاع موجود، نیازها و رسالت سازمان را داشته باشد. او باید هوشمندانه

آیت‌الله عبداللّٰهی تبیین کرد

مبانی مدیریت اسلامی

و جایگاه عبودیت در عمل مدیر

آیت‌الله محمود عبداللّٰهی، عضو شورای عالی حوزه‌های علمیه در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» در مشهد مقدس برگزار گردید، در سخنانی به مبانی مدیریت اسلامی و الزامات مدیریت مطلوب و جایگاه عبودیت در عمل مدیر اشاره کرد که مشروح آن بدین شرح می‌باشد.

• **مبانی مدیریت اسلامی و جایگاه عبودیت در عمل مدیر**

در عرصه مدیریت، الزامات، پایدها و نیایدهایی وجود دارد که هم

در مدیریت‌های اجتماعی و هم در مدیریت‌های حوزوی و نظام اسلامی باید مد نظر قرار گیرد. مدیریت اسلامی دارای مبانی ژرف و ویژه‌ای است که اگر مورد توجه مدیر قرار گیرد، می‌تواند پشتوانه و تضمین‌کننده الزامات مدیریت مطلوب باشد. در اینجا، به عنوان نمونه، به دو یا سه عنوان اساسی از این مبانی اشاره می‌کنم که اگر آیات قرآنی مرتبط با آن‌ها دنبال شود، نکات ارزشمند و لطیفی در آن نهفته است.

• **مدیریت، تجلی عبادت عام در نظام اسلامی**

یکی از این مبانی آن است که مدیریت برای تأمین مصالح اسلام، در حقیقت نوعی عبادت به شمار می‌آید؛ آن هم عبادتی با مفهوم عام. نگاه دینی ما این است که «و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون»؛ فلسفه آفرینش، بندگی خدا و تقرب به اوست. این تقرب، منحصر به عبادت‌های خاص مانند نماز و عبادات فردی نیست. همان‌طور که زیارت جامعه کبیره در حرم عبادت است یا نماز شب رنگ و بوی عرفا دارد، هر اقدامی که برای خدا و در مسیر اطاعت از او باشد، عبادت محسوب می‌شود.

• **استمرار خلقت و معنا بخشی به لحظات زندگی**

در این نگاه، هر لحظه‌ای از عمر ما جلوه‌ای از خلقت و فیض الهی است: «و ما خلقت الجن والانس...» یعنی خلقت استمرار دارد، هر لحظه وجود ما با امداد و عطای الهی معنا می‌یابد و باید این همه نعمت را در مسیر بندگی خدا صرف کرد.

• **آیاتی در تأیید نگاه عبادتی به مدیریت**

یکی از آیات مرتبط در این زمینه، آیه آخر سوره انعام است:﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَقَاتِي وَلِمَآئِنٍ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

حضرت می‌فرماید: نماز من، مناسک و همه زندگی و مرگ من برای خداوند است. منظور از «نسک» اینجا عام‌تر از عبادت خاص است و زندگی (محیا) هم تصریح شده که برای خداوند باشد. همه شئون پیامبر در آیات دیگر قرآن ذکر شده که یکایک آن‌ها عبادت است: تعلیم و تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، حل مشکلات و رفع سختی‌های جامعه همه این موارد مصداق عبادت خالص است.

حتی رفتارهای پیامبر ﷺ در خانواده، همسرداری، فرزندپروری و سلوک شخصی که در «سنن النبی» علامه طباطبایی آمده، نمونه‌ای از عبادت مصداقی به شمار می‌آید. هر رفتار و حرکت پیامبر ﷺ، اعم از مدیریت جنگ و اداره جامعه، عبادت محسوب می‌شود.

• **سیره اهل بیت علیهم‌السلام و شمول عبادت بر لحظات زندگی**

در زیارت آل یاسین نیز به این شمول اشاره شده است:«السلام علیک حین تقعد... حین تسجد... حین ترکع... حین تقوم... و فی آناء لیلک و نهارک» یعنی، سلام بر تو در همه حالات و لحظات شب و روز؛ همه لحظه‌ها و تمام فعالیت‌ها، عبادت می‌شود، اگر با نیت الهی همراه باشد.

از این مجموعه برداشت می‌شود که هر حرکت و اقدامی در مسیر تحقق مصالح اسلام-چه واجب، چه مستحب و چه مستلزم تلاش مضاعف- همه «الله» و «عبادت» است. اگر با چنین دیدی به مدیریت نگاه کنیم، عمل مدیر نیز عبادت است.

• **تأملی در فرازهای دعای کمیل و نتیجه نهایی**

اجازه دهید به فرازی از دعای کمیل نیز اشاره کنم. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در پایان دعا درخواست می‌کنند:

«أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قَدِیمِكَ وَ عَظَمِ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ بِذِکْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مُوصُولَةً وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونْ أَوْرَادِي وَ أَعْمَالِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاجِدًا...»

چهار نکته اساسی در این دعوت آمده است:

۱. اوقاتی بذکرک معمورة: همه زمان‌های من با یاد تو آباد باشد؛ منظور از یاد خدا صرفاً ذکر لفظی نیست، بلکه توجه به خداوند و انجام وظیفه الهی است.

۲. بخدمتک موصولة: زمانی که لحظات با یاد خدا آباد شد، خدمت به او تحقق پیدا می‌کند؛ پس مدیریت و همه شئون زندگی اگر با ذکر الهی همراه باشد، تبدیل به خدمت الهی می‌شود.

۳. اعمالی عندک مقبولة: نتیجه این نگرش، پذیرش اعمال نزد خداوند خواهد بود-یعنی همه رفتار و مدیریت، اگر بر مبنای اخلاص و نیت الهی باشد، مقبول درگاه اوست.

۴. اورادی کُلُّها وردا واجدا: تمام اذکار و عبادت‌های من، یکی شود و همه شئون زندگی به یک مسیر واحد الهی منتهی گردد.

• **عبودیت مستمر در مدیریت اسلامی**

در بحث مدیریت، باید به این نکته توجه داشت که نشستن، جلسه گرفتن، سخن گفتن، درس دادن، خطابه ایراد کردن، سخنرانی، معاشرت، تعامل و همه این‌ها، یا حتی هر حرکت سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی می‌تواند مصداق این معنا باشد:«کُلُّها وردا واحدا و حالی فی خدمتک سرمدا» یعنی همه این

لحظات می‌تواند در خدمت خدا باشد و هدف نهایی، پیوستگی مداوم با خدمت الهی است.

• **نگاه عبادی به کار و مدیریت**

اگر انسان با چنین نگاهی به کار و مدیریت بنگرد، این رویکرد به کارها سر و سامان می‌بخشد و بسیاری از پایدها و نیایدها و الزامات را به‌طور طبیعی فراهم می‌کند. چون هدف، خدمت به خدا و تحقق فلسفه آفرینش است؛ همه کارها، هرگونه مسئولیت، زیر سایه عبادت و توجه به خدا معنا پیدا می‌کند.

• **دشواری عمل‌گرایی در نگاه عبادی**

البته گفتن و بیان این مفاهیم با قرائت آیات و سخنرانی آسان است، اما در عمل و پیاده‌سازی آن، دشواری‌ها و مراحل جدی‌تری وجود دارد. باید تلاش کنیم تا کار و مدیریت را واقعاً با رویکرد عبادی بنگریم و در رفتارهای روزمره جاری سازیم.

• **نقش مدیریت در تحقق اهداف کلان حوزه و نظام**

در منشور رهبری، وظایف و رسالت‌های حوزه‌های علمیه در پنج فصل بیان شده است؛ از جمله تولید علم، تربیت نیرو، و تربیت مجاهد فی سبیل الله. همچنین در چند بخش جداگانه به مسئولیت‌های مدیران تأکید شده است، به گونه‌ای که تربیت نیرو و انسان‌سازی در نظام اسلامی، یکی از بزرگ‌ترین و اوجب واجبات تلقی می‌شود.

همان‌طور که برادر بزرگوارمون آقای اعرافی یادآور شده‌اند، سال‌های متوالی تحصیل و تعلیم سطوح مختلف حوزه، همه باید در خدمت هدف عالی مدیریت دینی باشد تا انسان‌های شایسته و کارآمد برای خدمت به جامعه اسلامی تربیت شوند.

• **جایگاه عبادت و علم در خدمات مدیریتی و رسالت حوزه**

این نکته از مهم‌ترین اصول است که کارها از نظر اهمیت با یکدیگر تفاوت دارند. روایات متعددی در اصول کافی وجود دارد که به مقایسه میان عبادت و تفقه، یا عابد و فقیه می‌پردازد. از جمله آن‌ها، روایت مشهور:«عَالِمٌ يُثْقَفُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِینَ أَلْفَ عَابِدٍ» گاهی در منبرها یا کلاس‌ها، به این حدیث و احادیث مشابه اشاره می‌کنم، اما همیشه یادآور می‌شوم که اینگونه روایات نباید موجب بی‌ارزش کردن جایگاه عبادت شود. متأسفانه برخی، با تکیه بر این مقایسه‌ها، اهمیت عبادت و ارزش والای آن را کم‌رنگ جلوه می‌دهند که اشتباه است.

• **جایگاه ذکر و عبادت عاشقانه**

در روایات آمده است: ذکر الهی و تسبیح خداوند برتر از هر آن چیزی است که خورشید بر آن تابیده است. مضمون روایت به روشنی جایگاه بی‌بدیل ذکر و عبادت را بیان می‌کند. نماز عاشقانه، عبادت شبانه، استغفار، سجود و رکوع، همگی دارای ارزش و معنای خاص هستند. البته، همان‌طور که علامه طباطبایی تأکید کرده‌اند، عبادت زمانی عبادت است که همراه با توجه و حضور قلبی باشد؛ ذکری که صرفاً بر زبان جاری شود، بدون توجه و حضور قلب، عبادت واقعی نیست.

• **مقایسه علم و عبادت برای درک ارزش هر کدام**

هدف روایات مقایسه‌ای، تحقیر مقام عبادت یا کم‌اهمیت جلوه دادن آن نیست، بلکه بیان مرتبه علمی و نقش کلیدی عالم است:«عالمی که دیگران از دانش او بهره‌مند می‌شوند، برتر از هفتاد هزار عابد است.» یا:«برتری عالم بر عابد، همچون برتری ماه شب چهارده بر سایر ستارگان در شب قدر است.»

این مقایسه برای ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی امور الهی است؛ کارهای ارزشی و خدمت‌ها در مسیر اطاعت الهی، مراتب و مراتب مختلفی دارند.

• **رسالت حوزه و نقش مدیران در تحقق اهداف عالی**

حال، سؤال این است که مدیریت چه مسئولیتی دارد و حوزه چه رسالتی بر عهده گرفته است؟ بنا بر آنچه در منشور رهبری... که باید آن را دائماً خواند و مرور کرد و توصیه مؤکد به مطالعه متن آن شده است. رسالت و مأموریت اصلی حوزه، تربیت نیروی انسانی برای جهان اسلام و بلکه برای همه جهان است. مدیران و مسئولان حوزه، متصدی اصلی این مهم هستند و باید با دقت به این وظیفه محوری نگاه کنند. با پذیرش این رویکرد، بسیاری از پایدها و نیایدهای مدیریتی به‌خودی‌خود روشن و حل می‌شود.

• **مثال‌هایی از تجربه مدیریتی بزرگان**

اجازه بدهید برای روشنی بحث، یکی دو مثال مطرح کنم. نخستین نمونه‌ای که به ذهنم رسید، شخصیت آیت‌الله رجبی است. اگرچه ایشان بیشتر به بیان دیدگاه‌های علمی مرحوم آیت‌الله مصباح درباره تربیت و رشد پرداخته‌اند و در پایان به مباحث سلوکی اشاره داشته‌اند، اما اگر سیره مدیریتی ایشان نیز به‌طور ویژه مورد بررسی قرار می‌گرفت، نتایج ارزشمندی به دست می‌آمد.

• **تأثیر مدیریت موفق در گسترش نهادهای علمی**

در مورد آیت‌الله رجبی و مدیریت ایشان بر یک مرکز آموزشی و پژوهشی بزرگ، باید اذعان کرد که این مؤسسه از لحاظ ابعاد و دامنه خدمات، ساختاری بسیار گسترده دارد. به یاد دارم روزی



برای بزرگداشت ایشان در یکی از دانشگاه‌ها سخنرانی داشتم و برای کسب اطلاعات دقیق‌تر با ایشان تماس گرفتم. مشخص شد که این مرکز نه‌تنها چندین مجله تخصصی و عمومی منتشر می‌کند، بلکه ده‌ها مجله متفاوت، جمع بسیاری از محققان کشور و فارغ‌التحصیلان این موسسه، هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و علمی سراسر کشور هستند.

پیش از انقلاب اسلامی، شاید فقط یک مجله اسلامی نزد ما شناخته شده بود، اما اینک این مرکز به مرجع اصلی تولید تخصصی نشریات علمی حوزوی و دانشگاهی بدل شده است. این دستاوردها موهون مدیریت صحیح و روحیه خدمت‌رسانی و علمی مدیرانی چون آیت‌الله رجبی است.

• **ضرورت توجه به الگویی از سیره مدیریتی**

اگر در زمان باقی‌مانده یا در جلسات آینده روی ابعاد مدیریتی چنین افرادی تمرکز شود، قطعاً برای توسعه و تعالی مدیریت حوزه‌های علمیه مفید خواهد بود.

• **یادآوری سیره شهید آیت‌الله قدوسی**

نمونه دیگری که به ذهنم آمد، مربوط به مرحوم آیت‌الله قدوسی است. پیش از این، پس از شهادت ایشان، مجموعه‌ای برای بزرگداشت و تحلیل از ایشان منتشر شده بود که هرچند نام دقیق آن را اکنون به خاطر ندارم، اما مطالعه شرح حال مدیریتی و تربیتی ایشان برای مدیران حوزه و نظام آموزشی بسیار راه‌گشاست.

• **وضعیت مدیریت حوزه پیش از انقلاب و تحولات مدیریتی**

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام مدیریت منسجمی در مدارس علمیه وجود نداشت. طلبه‌ها، پس از ورود به فیضیه، به صورت پراکنده و مستقل، برای خود استاد انتخاب می‌کردند و به تحصیل می‌پرداختند. در آن زمان، ساماندهی و برنامه‌ریزی مدون برای اداره مدارس علمیه وجود نداشت. تنها مرحوم آیت‌الله گلپایگانی اقدام به تأسیس مدرسه‌ای با امکانات مدیریتی مختصر نمودند که این هم در آن مقطع، تحولی هرچند محدود، تلقی می‌شد.

• **شکل‌گیری مدارس نوین و تجربه‌های نخستین**

سپس مرحوم شهید بهشتی و مرحوم ربانی شیرازی با همکاری یکدیگر، مدرسه‌ای جدید را بر مبنای تجربه مدرسه آیت‌الله گلپایگانی تأسیس کردند. من نیز مدتی در آن مدرسه حضور داشتم و از نزدیک با رویکردها و برنامه‌ریزی محدود آن آشنا شدم. البته، فعالیت آن مدرسه تاووم چندانی نیافت و برنامه‌ریزی‌های آن تنها حدود یک سال یا اندکی بیشتر دوام آورد. اگر بخواهم به تفصیل درباره آن مقطع توضیح دهم، نمونه‌ای از تلاش‌های اولیه برای ساماندهی آموزش در حوزه محسوب می‌شود، اما به جهت محدودیت وقت، از شرح بیشتر آن می‌گذرم.

• **آغاز تحول جدی با تأسیس مدرسه حقانی**

نقطه عطف اساسی در مدیریت حوزه، با تأسیس مدرسه حقانی و مدیریت مرحوم آیت‌الله قدوسی رقم خورد. ایشان با رویکردی نو و مدیریت سازمان‌یافته، پایه‌های جدیدی برای تربیت و مدیریت حوزه‌های علمیه بنا نهادند و نقش برجسته‌ای در سامان‌بخشی به روند جذب و تربیت طلاب ایفا کردند. مدرسه حقانی به عنوان الگویی موفق، نقطه آغاز تحول جدی در ساختار مدارس حوزه و شیوه‌های برنامه‌ریزی و اداره آن‌ها بود.

• **توصیه به مطالعه شرح حال مدیریتی آیت‌الله قدوسی**

پیشنهاد می‌کنم همه عزیزان، کتاب شرح حال مدیریتی آیت‌الله قدوسی را مطالعه کنند. این کتاب حاوی مصاحبه‌هایی با شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مؤمن، آیت‌الله جنتی، آیت‌الله میانجی، آیت‌الله شیخ علی‌پناه اشتهاردی و حسین اشتهاردی (هم‌مباحثه مرحوم قدوسی) است که هر یک ابعاد مختلف اخلاق و مدیریت ایشان را شرح داده‌اند. همچنین بخش‌هایی به دوره مدیریتی و قضائی آیت‌الله قدوسی اختصاص یافته است.

• **جایگاه علمی و نفوذ معنوی**

آیت‌الله قدوسی از نظر علمی در سطوح عالی فقه و اصول حضور داشت؛ سال‌ها شاگردی امام خمینی علیه‌السلام و علامه طباطبایی را در کارنامه داشت و داماد علامه نیز بود. پدر ایشان نیز از علما و مجتهدان برجسته به‌شمار می‌آمد و اغلب شاگردان بزرگ مراجع آن عصر با شخصیت علمی بالای ایشان آشنایی داشتند. در دهه ۵۰، ایشان هم‌سنگ بسیاری از مراجع معروف وقت، تدریس فقه و اصول داشت.

• **شیوه مدیریتی و تربیتی آیت‌الله قدوسی**

آنچه آیت‌الله قدوسی را متمایز می‌کرد، وقف خالصانه تمام نیروی خود برای تربیت طلاب و اداره مدارس بود. طبق نقل آیت‌الله جنتی، ایشان گاهی پیش از طلوع آفتاب به مدرسه می‌آمد و تا نیمه‌شب مشغول خدمت و پیگیری امور حوزه بود. او حتی تدریس کتاب‌هایی مانند توضیح‌المسائل به طلاب سطح اول را شخصاً به عهده می‌گرفت تا از همان ابتدا روح وظیفه‌شناسی و باید و نیایدهای دینی را در آن‌ها نهادینه کند. علاوه بر این، استاد اخلاق نیز بود و با وجود قاطعیت در مدیریت، درس اخلاقش مورد توجه فراوان قرار می‌گرفت.

🌟 **گزارش خبری**

• **آیت‌الله قدوسی؛**

مدیریت قاطعانه همراه با روحیه عبادی و تربیت‌مدار
آیت‌الله قدوسی از مزایا و سهم امام استفاده نمی‌کرد و به زندگی ساده اکتفا داشت. گاه برای اداره امور، حتی قرض می‌گرفت. ایشان علاوه بر جدیت و قاطعیت، با شاگردان رابطه صمیمانه داشت؛ با آنان پیاده به جمرکان می‌رفت و همیشه نگاه عبادی به مسئولیت حوزه داشت.

همچنین نقل شده است که مرحوم آیت‌الله خزعلی، از اساتید برجسته و از شاگردان امام علیه‌السلام، در یکی از جلسات درس بیان کرد: «اگر آقای قدوسی از من دعوت کند، برای تدریس شرح لمعه به این مدرسه می‌آیم.» این سخن، علاوه بر اینکه جایگاه علمی و شخصیتی آیت‌الله قدوسی را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که حتی علمای صاحب‌نام نیز احترام ویژه‌ای برای او و نگاه مسئولانه‌اش به تربیت طلاب قائل بودند. چنین روحیه‌ای باعث می‌شد اساتید بزرگ نیز حاضر شوند در سطوح پایین‌تر تدریس کنند و خود را وقف پرورش نسل جدید کنند. این نگاه وظیفه‌مدار و عبادی، وجه تمایز آیت‌الله قدوسی در مدیریت حوزه بود.

• **اهمیت روحیه و وظیفه‌شناسی در مدیر**

آنچه در سیره مدیریتی آیت‌الله قدوسی برجسته است، همت والا و احساس مسئولیت او در قبال تربیت نیرو و خدمت به جامعه دینی است. بسیاری از اساتید برجسته آن دوران- با مقام و منزلت علمی بالا-در کنار او حاضر بودند تا در برنامه تربیتی نقشی ایفاکنند و او را یاری دهند. همین روحیه وظیفه‌شناسی و نگاه عبادی به مدیریت، باید سرمشق مدیران امروز حوزه باشد.

• **الزامات اخلاقی، عمل صالح و معیت الهی**

الزامات اخلاقی می‌تواند تضمین‌کننده بسیاری از پایدها باشد. فرض کنیم مدیری با پایدهای اخلاقی مثل تواضع و شرایط خاص مواجه است؛ آیا می‌تواند مقررات، آیین‌نامه و قوانین را نادیده بگیرد؟ ممکن است ایده‌های شخصی هم داشته باشد که به نظرش درست است، اما مقررات این اجازه را نمی‌دهند. آیا چنین عملی می‌تواند عمل صالح باشد؟ وقتی جایگاه مدیریت بر اساس نصاب و مقررات تعریف می‌شود، عمل صالح یعنی انجام کاری که رضایت خدا را جلب کند و در جارجوب عبادت و بندگی حرکت کرده باشد. همانطور که در آیه ﴿أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ﴾ آمده، عمل صالح باید مورد رضایت خداوند باشد؛ این مقتضای بندگی است. روشن است که در مسیر بندگی و عمل صالح، نورانیت و امدادهای غیبی الهی وجود دارد. خداوند به کسانی که در این مسیر حرکت می‌کنند، کمک، آگاهی و بصیرت می‌دهد. سوره نحل می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ﴾؛ یعنی کسانی که ایمان آورده و عمل صالح داشته باشند، زندگی طیبه به آن‌ها داده می‌شود، زندگی‌ای که نورانیت و بصیرت همراه آن است و به آن کمک‌های الهی می‌رسد.

حیات طیبه صرفاً نور خاص نماز شب نیست بلکه نوری است که انسان را در حرکت‌های اجتماعی، علمی و مدیریتی همراهی می‌کند. این نور الهی، باعث می‌شود فرد با حکمت و دید فراگیر در جامعه عمل کند. یکی دیگر از عناوین مهم، مسئله جهاد است که مولد عمل صالح و عبادت نیز هست. جهاد تنها محدود به جنگ نظامی نیست بلکه شامل حرکت سیاسی، علمی و فرهنگی نیز می‌شود. ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾؛ یعنی کسانی که جهاد کنند خداوند آن‌ها را به راه‌های درست هدایت می‌کند. این همان هم‌راهی و معیت خدا با مجاهدان راه اوست.

در قرآن، معیت خداوند به دو نوع تقسیم می‌شود: معیت عام که شامل همه موجودات است و معیت خاص که ویژه کسانی است که در مسیر الهی گام برمی‌دارند. خداوند همراه مجاهدان و محسنین است و آن‌ها را در اجرای وظایف‌شان حمایت می‌کند. این معیت یعنی حضور فعال و کمک مستمر، مانند همان وعده‌ای است که به حضرت موسی علیه‌السلام داده شد: ﴿لَا تَخَافُ إِنِّي مَعَكُمَا﴾، یعنی ترس نداشته باشید، من همراه شما هستم.

در برخی آیات، خداوند به مؤمنان اطمینان می‌دهد که هرگز تنها نیستند و همواره او پشتیبان آن‌هاست: ﴿وَلَا تَهَيُّوْا وَلَا تَحْزَنُوْا وَأَنْتُمْ اْلأَعْلَوْنَ وَاللّٰهُ مَعَكُمْ﴾. تأکید بر این معیت الهی است که نشان‌دهنده حمایت و حمایتگری بی‌پایان خداوند در مسیر بندگی و عمل صالح است.

• **تقدیر و اشاره به دوره جدید مدیریت حوزه**

در پایان لازم است قدردانی ویژه‌ای از همه دست‌اندرکاران این جلسه و اجتماع در این شرایط حساس بیان کنم. این موقعیت فرصتی است برای مدیریت و قدرشناسی از تلاش‌ها. بر پایه تجربه و اطلاع از ساختار مدیریت حوزه‌های علمیه، شاهد بوده‌ام که هر دوره‌ای ویژگی‌های خاص خود را داشته، اما مدیریت فعلی حوزه با حضور حضرت آیت‌الله اعرافی، از جامعیت و ویژگی‌هایی بهره‌مند است که در دوره‌های گذشته کم‌نظیر بوده است. ایشان علاوه بر جایگاه فقهی و علمی، از تجربه‌های مدیریتی، قدرت خطابه، تحول‌خواهی و آشنایی با مسائل بین‌الملل و خواسته‌های رهبر معظم انقلاب برخوردارند. این ویژگی‌ها حوزه را در مسیر تحول، پیشرفت و تحقق انتظارات رهبری قرار داده است.



فضای امنیتی است، به میدان آمد و با حضور گسترده و یکپارچه خود، خواست به مردم عزیز بگوید که ملت شریف ایران که یکپارچه آمدید، ما هم یکپارچه در کنار شما هستیم و برای تهدیدهای دشمن پشیزی ارزش قائل نیستیم. حوزه علمیه با تمام عده و عده خود در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام آمد تا بگوید که من در کنار امام ثامن الائمه علیه السلام با مقام معظم رهبری تجدید بیعت و پیمان می‌کند. وی با بیان اینکه مردم یکپارچه در این وضعیت سنگین به میدان و به خیابان‌ها آمدند، گفت: حوزه‌های علمیه هم نشان دادند که ما با همه عده و عده آمدیم تا بگوییم که امنیت به دست نظام جمهوری اسلامی است نه به دست دشمنان و این حرکتی که حوزه کرد، یعنی مانور سه روزه در این مملکت در کنار مردم در کنار امام ثامن‌الائمه علیه آلاف التحية والثناء آن هم با حضور تمام دستگاه‌های اسناد بالادستی خودش؛ حوزه از مدیران مدرسه گرفته تا مدیر حوزه‌های علمیه، معاونان و اعضای شورای عالی همه یک‌جا با این عظمت، خواستند بگویند که ما پای نظام ایستاده‌ایم، پای ولایت ایستاده‌ایم، پای اهداف حوزه و فرهنگ اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و پای اسلام ناب ایستاده‌ایم و با این تشرهای استکبار و صهیونیزم جا نمی‌زنیم.

قائم‌مقام مدیر حوزه‌های علمیه در امور استان‌ها، با بیان اینکه جای خرسندی دارد که امروز حوزه‌های علمیه، طلاب و روحانیون در کنار مردم، در کنار نظام، مراجع و رهبر معظم انقلاب، بدون ترس و وحشت، بلکه با قدرت و صلابت ایستاده‌اند و یکپارچه می‌گویند که آمریکا و استکبار و صهیونیسم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند، تصریح کرد: بحمدالله این انسجام ملی، انسجام روحانیت و انسجام نیروهای نظامی و امنیتی به‌خوبی نشان داد، هم در ۱۲ روز جنگ تحمیلی و دفاع جانانه که باصلابت و آبرومند که روز به روز ابعاد گسترده و هدفمند آن در دنیا به نمایش گذاشته می‌شود که ما اولاً شروع‌کننده جنگ نبودیم، ثانیاً وقتی دفاع کردیم، دفاع جانانه کردیم، آن هم با حمایت جانانه ملت شریف ایران ایستادیم.

• همه در کنار مقام معظم رهبری ایستاده‌ایم

حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال با تأکید بر اینکه امروز دشمن بداند که ملت شریف ایران با همه اقشارش؛ اهل سنت، تشیع، اقلیت‌های مذهبی، ادیان مختلف و همه همه در کنار هم ایستاده‌اند و به‌لطف حق‌تعالی به‌گونه‌ای از ایران اسلامی و میهن‌شان دفاع خواهند کرد که دشمن را برای همیشه پشیمان خواهند کرد، گفت: امروز مراجع عظام، علمای بلاد و حوزه‌های علمیه، همه در کنار مقام معظم رهبری ایستاده‌ایم و در کنار این ملت و ملت در کنار این حوزه، درسی به دشمن خواهیم داد که تا ابد بداند و بفهمد که این میهن اسلامی، جایی برای جولان آنها نیست و حوزه‌های علمیه، خودش را آماده می‌کند تا آغاز سال تحصیلی جدید را با صلابت و قوت و قدرت در کنار مراکز آموزش ابتدایی و متوسطه و عالی این ملت شروع کند.

• تمام جریانات پیش رو صمد می‌شود

وی افزود: اعتقادمان هم این هست که دوازده روز دفاع ما به‌گونه‌ای دقیق و حساب‌شده بوده که دشمن اگر عقلی در سرش باشد، دیگر فکر تهاجم را از سرش بیرون می‌کند؛ اما بداند که این ملت، نهادهای علمی و معرفتی و حوزه‌های علمیه با دقت تمام، جریانات پیش رو را رصد می‌کنند و برای هر شیطننت دشمن، برنامه ویژه خاصی در نظر دارند و آنها را به‌گونه‌ای تدبیر و اجرا می‌کنند که هیچ دشمنی از این به بعد، به فکر تهاجم بر این میهن اسلامی و نظام مقدس اسلامی نداشته باشد.

• دست عنایت اهل‌بیت علیهم السلام، امام زمان علیه السلام و الطاف حق‌تعالی با این ملت است

مسئول دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه خاطرنشان کرد: ان‌شاءالله با وجود بابرکت مقام معظم رهبری، پرچم نظام اسلامی به دست وجود نازنین امام زمان علیه السلام سپرده خواهد شد. تمام اخبار و واقعیت‌هایی که در این مدت گذشت، به ما نشان داد که دست عنایت اهل‌بیت علیهم السلام و وجود نازنین امام زمان و عنایات و الطاف حق‌تعالی با این ملت است؛ گرچه خیلی‌ها با استکبار و صهیونیست‌ها همکاری کردند؛ اما لطف کار در این بود که با همه فرصت‌هایی که داشتند و همه قدرت‌هایی که به آنها کمک کردند، به‌لطف خدا شکست خوردند و ما پیروز شدیم. ان‌شاءالله این پیروزی ادامه خواهد داشت و این انقلاب، به انقلاب نهضت وجود نازنین امام زمان علیه السلام وصل خواهد شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال در گفت‌وگو با خبرنگاری حوزه مطرح کرد

لیک به پیام‌های متعدد مقام معظم رهبری در جنگ ۱۲ روزه از اهداف اجلاسیه مدیران حوزه‌های علمیه بود

مسئول دبیرخانه شورای‌عالی حوزه‌های علمیه، اهداف اجلاسیه مدیران حوزه‌های علمیه را لیبیک به پیام‌های متعدد مقام معظم رهبری در این جنگ ۱۲ روزه بیان کرد و گفت: این حرکتی که سازمان حوزه‌های علمیه در این سطح گسترده انجام داد، به‌نوعی تجدید بیعت با مقام ولایت بود.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد فرخ‌فال قائم‌مقام مدیر حوزه‌های علمیه در امور استان‌ها در گفت‌وگو با خبرنگاری حوزه، با اشاره به برنامه‌ها و اهداف اجلاسیه سه روزه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» و با حضور اعضای شورای‌عالی و معاونان حوزه‌های علمیه، مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه در مشهد مقدس برگزار شد، با تعزیت و تسلیت ایام حزن و اندوه اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گفت: لطف حق‌تعالی همان‌گونه که در سال‌های گذشته برای انسجام و هماهنگی لازم بین صف و ستادهای واسط و ستاد مرکزی حوزه‌های علمیه اجلاس مدیران مدارس علمیه و مدیران حوزه‌های علمیه استانی و معاونان ستاد مرکزی با حضور مدیر حوزه‌های علمیه تشکیل می‌شد، امسال هم با انگیزه مضاعف و دغدغه‌های جدی‌تر و اضطرار و لزوم تشکیل این اجلاس به‌صورت مضاعف مواجه بودیم.

واسط و معاونان ستاد مرکزی برگزار شد. در ابتدای این جلسه با یک ابتکار عمل آیت‌الله اعرافی مواجه گردید و وی چند سؤال به‌تناسب ماه محرم برای مدیران مطرح کرد و کسانی که در این پاسخ‌ها موفق بودند و حضور پیدا کردند، مورد تکریم مدیر حوزه‌های علمیه قرار گرفتند.

• بیانیه حوزه پیشرو و سرآمد دستور کار اجلاس

مسئول دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، ویژگی دیگر این اجلاس را توجه به بیانیه حوزه پیشرو و سرآمد مقام معظم رهبری که در یکصدمین سال نکوداشت بازتأسیس حوزه علمیه قم و مؤسس آن داشتند، برشمرد و اظهار کرد: محورهای مختلف راهکارها و راهبردهای کلانی برای سرعت و رشد و تکامل و تعالی حوزه‌های علمیه دیده شده بود. پژوهشکده مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و دبیرخانه شورای عالی و کارگروه‌ها و هیأت‌های اندیشه‌ورز و شخصیت‌های برجسته‌ای بعد از صدور بیانیه پیشرو و سرآمد، وارد عمل شده بودند و الزامات حرکت به سمت تحقق منویات مقام معظم رهبری و مراجع را پیگیری می‌کردند.

وی افزود: در همایش یکصدمین سال، علاوه بر بیانیه مقام معظم رهبری، پیام‌های مراجع معظم تقلید را هم داشتیم و پژوهشکده مطالعات راهبردی حوزه‌های علمیه، کار بسیار سنگینی را در الزامات- هم در تعیین سیاست‌ها و هم برنامه‌های کلان- انجام داده بودند و این مسأله توسط متصدیان این کار تبیین شد و مدیران صف و ستادی همه در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری و تحقق رهنمودهای مراجع توضیحات و برنامه‌های خود را ارائه دادند.

حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال اضافه کرد: بنابراین بعد از دو جریان بسیار مهم- جریان دفاع جانانه و باصلابت نظام مقدس جمهوری اسلامی در مواجهه با جنگ تحمیلی دوازده روزه و صدور بیانیه مقام معظم رهبری- لازم بود این اجلاس با آن سطح گسترده خودش که مجموع ستاد مرکزی، ستاد واسط و صف حوزه‌های علمیه بود، تشکیل می‌شد و توجیهات انجام می‌گرفت که در وضعیت حساس زمان کنونی با یک انسجام بهتر بتوانیم نقش ایفا کنیم.

• لیبیک به پیام‌های متعدد مقام معظم رهبری در جنگ ۱۲ روزه

قائم‌مقام مدیر حوزه‌های علمیه در امور استان‌ها ادامه داد: این طبیعی است، وقتی چنین جنگ تحمیلی را شروع می‌کنند و چنین صلابتی را نظام از خودش نشان می‌دهد و فرماندهان بزرگ ما با آبیاری ریشه‌های نظام با خون‌شان کار نظام را تثبیت می‌کنند، سازمان روحانیت و حوزه‌های علمیه هم، با عمل خود لیبیک بگویند. ما این اجلاس را لیبیک به پیام‌های متعدد مقام معظم رهبری در این جنگ دوازده روزه می‌دانیم. این حرکتی که سازمان حوزه‌های علمیه در این سطح گسترده انجام داد، به‌نوعی تجدید بیعت با مقام ولایت بود. حوزه‌های علمیه در یک فضایی که همه مدعی بودند،



• اجلاسیه سه روزه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور در مشهد برگزار شد

وی افزود: در زمان حساس کنونی نیاز به توجیه کامل تمام مدیران مدارس علمیه بود و لازم بود، با یک هم‌فکری جدی در این دور از مدیریت حوزه‌های علمیه، کار هماهنگی فراتر از گذشته انجام شود. این برنامه‌ریزی انجام شد و ۲۵ و ۲۷ تیرماه این اجلاس در مشهد مقدس در جوار بارگاه ملکوتی حضرت ثامن‌الحجج علیه آلاف التحية والثناء برگزار گردید.

مسئول دبیرخانه شورای عالی حوزه‌های علمیه، با بیان اینکه ویژگی خاصی که امسال بود، حساسیت‌هایی بود که خصوصاً بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه مواجه بودیم، بیان کرد: اعضای شورای عالی در این اجلاس دعوت شده بودند و ما شاهد حضور این اعضا در این نشست صمیمی و کاری بودیم. آنچه در این اجلاس انجام شد، یک بخش مربوط به برنامه‌های آموزشی برای مدیران مدارس علمیه بود که به‌صورت کارگاه آموزشی و در ادامه، سلسله مباحثی بود که در سال‌های گذشته داشتیم، هم در مباحث مربوط به فضای مجازی و هوش مصنوعی که به‌صورت مستوفی کارگاه آموزشی برگزار شد و هم در مباحث هویت طلبگی و مباحث مربوط به تربیت و معنویت بود که در ادامه مباحث سال‌های قبل که برای نسل‌های مختلف مخاطب ما در مدارس علمیه لازم بود، مدیران مدارس علمیه در جریان نحوه تعلیم و تربیت و آموزش قرار بگیرند، امسال هم این کار به‌خوبی انجام شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال ادامه داد: جریانات اخیر خصوصاً در ارتباط با جنگ تحمیلی استکبار و صهیونیزم و دفاع جانانه و مقدس و باصلابت نظام مقدس جمهوری اسلامی، لازم بود که در ابعاد این حرکت، مدیریت و اعضای شورای عالی مباحثی را برای مدعوین این اجلاس داشته باشند که در این ارتباط، بعضی از اعضای شورای عالی در موضوع بایسته‌های مدیریت مباحثی داشتند. بعضی از اعضا نیز در ارتباط با محور مهمی که مقام معظم رهبری در بیانیه «حوزه پیشرو و سرآمد و بلاغ مبین» داشتند و ضرورت‌هایی که ما در بحث تبلیغ و بلاغ مبین داریم، مباحث مستوفایی را مطرح کردند.

وی یکی از محورهای اساسی این اجلاس را احکام و پیوست احکامی که آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه برای معاونان و مدیران‌شان در این دوره از مدیریت انشاء کرده بود، بیان کرد و گفت: بحمدالله پیوست احکام که تقریباً یک برنامه جامع مدیریت جدید بود و بین همه معاونان و مدیران تقسیم شده بود، توسط مدیرحوزه‌های علمیه مطرح می‌شد و در مواردی که لازم بود، معاونان و مدیران توضیحاتی نسبت به عملکرد و یا رویکرد خودشان برای مدعوین ارائه نمایند، این کار انجام شد و با قوت، آن ترسیم صحیح برنامه‌های مدیریت در این مدیریت جدید توسط مدیر و معاونان تبیین گردید.

قائم‌مقام مدیر حوزه‌های علمیه در امور استان‌ها افزود: بخش دیگری هم در اجلاس داشتیم که مدیر حوزه‌های علمیه در نشستی صمیمی با مدیران حوزه‌های علمیه استان‌ها؛ یعنی با ستاد واسط ما داشت و مدیران مباحث مختلف خودشان را مطرح کردند و آیت‌الله اعرافی به‌تناسب مطالب، راهکارها و مصوباتی را داشت. این مصوبات جمع‌شد و توسط مدیر حوزه‌های علمیه به تمام معاونان و مدیریت‌های استانی ابلاغ خواهد شد.

• گفتمان نزدیک چندروزه بین مدیریت و ارکان مدیریت و اعضای شورای عالی

وی با بیان اینکه این نشست صمیمی اعضای شورای عالی با معاونان و مدیران استانی و مدارس علمیه، فرصت بسیار سترگ و جامعی را در اختیار همه ظرفیت‌ها و مخاطبان قرار داده بود و مدیران ما چه استانی چه مدارس علمیه و صف در این چند روز توانستند، با اعضای شورای عالی در نشست‌های مختلف ارتباط داشته باشند، ادامه داد: این مذاکرات و گفتمان نزدیک چند روزه بین مدیریت، ارکان مدیریت و اعضای شورای عالی قطعاً، سرعت بهتر در فرآیند تصویب طرح‌ها را در پی خواهد داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین فرخ‌فال گفت: در اجلاس‌های سال‌های گذشته، همه مدعوین به‌صورت مجرد و انفرادی شرکت می‌کردند؛ ولی در این اجلاس درخواستی را مدیران حوزه‌های علمیه استانی داشتند که خانواده‌های‌شان هم همراهشان باشند؛ لذا با موافقت آیت‌الله اعرافی یک نشست صمیمی با کل مدیران ستاد

• اخبار کوتاه ایـــــران

• ایران به جمع سه کشور برتر جهان در تولید ایملنت‌های جاذب استخوانی پیوست:

بومی‌سازی و تولید ایملنت‌های جاذب استخوانی، ایران با به جمع سه کشور برتر جهان در این زمینه پیوست. این دستاورد با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و ستاد توسعه فناوری نانو در کشور حاصل شده است. زیست‌سازگاری با بدن انسان و قابلیت جذب توسط بافت استخوان، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دستاورد پزشکی است.

• چاپ چک‌پول ۲۰۰ و ۵۰۰ هزارتومانی تصویب شد:

میثم ظهوریان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: امکان چاپ چک‌پول‌های دویست‌هزار تومانی و پانصد‌هزار تومانی هم تصویب شده است که در صورت لزوم تسهیل و دسترسی مردم به پول نقد، این کار انجام خواهد شد. درحال حاضر بحران تمام شده است؛ اما در ایام بعدی هر زمان لازم شد، این اختیار به بانک مرکزی برای انتشار چک‌پول با رقم بیشتر داده شده است.

• کلیات طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح تصویب شد:

سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس: کلیات طرح تقویت بنیه نیروهای مسلح در مقابله همه‌جانبه با جنایات و تجاوزات رژیم صهیونیستی به تصویب رسید. در این طرح سازمان برنامه بودجه و وزارت نفت مکلف می‌شوند که صددرصد بودجه دفاعی سال ۱۴۰۴ مربوط به تقویت بنیه دفاعی نیروهای مسلح و باقیمانده بودجه تأمین‌نشده سال ۱۴۰۳ مربوط به طرح‌های ویژه دفاعی را پرداخت کنند.

• بومی‌سازی دستگاه‌های اندازه‌گیری هسته‌ای برای پایش برخط سطح مواد، سیالات و گازها: با تلاش متخصصان صنعت هسته‌ای کشور، دستگاه‌های اندازه‌گیری هسته‌ای برای پایش برخط سطح مواد، سیالات و گازها بومی‌سازی شد؛ تجهیزات‌ی راهبردی که با استفاده از چشمه‌های پرتوزا، نقش مهمی در صنایع بالادستی ایفا می‌کنند.

• بیش از ۱۰۰۰ نیروگاه درحال ساخت است؛ وزیر نیرو:

هم‌اکنون بیش از هزار نیروگاه محلی در سراسر کشور در حال ساخت است. به‌دلیل کاهش شدید منابع آب و وضعیت اضطراری در برخی استان‌ها، از مردم درخواست می‌کنم، در مصرف آب و برق صرفه‌جویی کنند. امسال پنجمین سال پیایی خشک‌سالی است و حجم آب دریافت‌شده نسبت به میانگین بلندمدت، حدود ۴۳/۹ درصد کاهش یافته است.

• بازگشت قیمت‌ها به قبل از دفاع مقدس ۱۲ روزه لازم‌الاجراست: عارف، معاون اول رئیس‌جمهور با بیان اینکه قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور برای شرایط عادی و نه وضعیت جنگی کشور نوشته شده است، تأکید کرد: مصوبه بازگشت قیمت‌ها به قبل از دفاع مقدس ۱۲ روزه لازم‌الاجراست.

• **بهره‌برداری از ۳ طرح تصفیه‌خانه فاضلاب در تهران:** ۲۴ تیر با حضور وزیر نیرو، ۳ طرح تصفیه‌خانه فاضلاب در تهران به بهره‌برداری رسید. پروژه‌های مذکور شامل مدول دوم تصفیه‌خانه فاضلاب لواسان به‌همراه شبکه جمع‌آوری و خطوط انتقال، طرح جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب منطقه جنگل‌بان و همچنین طرح جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب روستای امام‌زاده داوود علیه السلام است.

برای اجرای این طرح‌ها مجموعاً ۱۱ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری شده و بیش از ۴۹ کیلومتر شبکه و خطوط انتقال در این پروژه‌ها احداث شده است. روش تصفیه در هر سه طرح بر پایه فرآیند لجن فعال اجرا شده است. • **دریافت حق‌آبه‌های ایران در دستور کار است:** وزیر نیرو با تأکید بر اینکه پیگیری جدی حق‌آبه ایران از هیرمند در دستور کار است، گفت: با کشورهای ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و افغانستان برای استفاده از آب، مذاکراتی را در دستور کار داشته‌ایم.

• درگاه بانکی ۹ سکوی خرید و فروش برخط طلا رفع انسداد شد: رئیس کمیسیون تخصصی طلا اتاق اصناف: با بررسی‌های انجام‌شده، فهرستی به بانک مرکزی ارسال شد تا ۹ سکوی فروش برخط طلاکه ضوابط فروش را رعایت می‌کردند، درگاه بانکی‌شان رفع انسداد شود. سایر سکوها هم در تلاش هستند، موانع موجود بر سر راه بازشدن درگاه بانکی‌شان را برطرف کنند.

• **سکوهای داخلی ارتباطی تقویت شوند:** عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، با تأکید بر ضرورت تکمیل شبکه ملی اطلاعات و جریان غفلت در این زمینه، گفت: هرچه سریع‌تر باید به مرحله ارائه خدمات از طریق شبکه ملی اطلاعات برسیم.

• صعود ایران به جمع ۲۰ مقصد برتر گردشگری جهان: معاون گردشگری کشور، صعود ایران به جمع ۲۰ مقصد برتر گردشگری جهان را گشودن پنجره‌ای تازه به دیپلماسی عمومی دانست.

• توقیف نفتکش خارجی حامل ۲ میلیون لیتر سوخت قاچاق در دریای عمان: رئیس کل دادگستری هرمزگان: نفتکش عمانی حامل ۲ میلیون لیتر سوخت قاچاق در دریای عمان توقیف شد و ۱۷ نفر متهم شامل کاپیتان و خدمه این کشتی نفتکش خارجی برای تکمیل روند تحقیقات و سیر مراحل قانونی در بازداشت به سر می‌برند.

شهید شخّود عملاً امام و رهبر منطقه بود. مدیریت و هدایت امور شیعیان آن سامان، به‌طور کامل بر عهده ایشان بود. چنین شخصیت‌های تأثیرگذاری همیشه مورد تهدید جریان‌های تکفیری بوده‌اند.

به‌مناسبت شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ رسول شخّود از علمای سوریه - که چندی پیش به دست جنایت‌کاران و تروریست‌های تکفیری در سوریه به درجه رفیع شهادت نائل آمد- خبرگزاری حوزه، مصاحبه‌ای با حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محمدماین پورامینی، از همراهان شهید، انجام داده است که تقدیم شما فرهیختگان گرامی می‌شود.

• **لطفاً ابتدا از چگونگی آشنایی خود با این شهید بزرگوار برای ما بگویید.**

• فکر می‌کنم آشنایی اینجانب با شهید بزرگوار شیخ‌رسول شخود، به اواخر دهه هفتاد و یا ابتدای دهه هشتاد باز می‌گردد. در آن زمان، بلکه سال‌ها پیش از آن- از دهه شصت به بعد- بنده به‌همراه جمعی از دوستان و مبلغان حوزه علمیه قم، جهت انجام تبلیغ عازم لبنان می‌شدیم. مسیر سفر ما از طریق سوریه می‌گذشت؛ چراکه در آن سال‌ها پرواز مستقیم به لبنان وجود نداشت. اولین ملاقات من با ایشان در یکی از این سفرها در دهه محرم اتفاق افتاد.

در آن سفر، ما در دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در منطقه سیده‌زینب سوریه مستقر شده بودیم که از ما خواسته شد، تبلیغ را در یکی از مناطق سوریه انجام دهیم. در آنجا با شخصیتی نورانی و متواضع به‌نام حجت‌الاسلام والمسلمین شخود آشنا شدم. ایشان با وجود مسئولیت سنگین، با خلوص نیت و جدیت تمام به امر مهم تبلیغ می‌پرداخت.

شهید شخود خود از اهالی روستای مزرعه در حومه شهر حمص بود. او این روستا را به پایگاه تبلیغی و فرهنگی خود تبدیل کرده بود؛ اگرچه فعالیت‌های ایشان منحصر به این منطقه نبود و در سراسر سوریه تأثیرگذار بود. در آن سفر، ما برای برگزاری مراسم دهه محرم در حسینه به منبر رفتیم و افراد مختلفی هم در آن دهه آنجا به‌تناوب سخنرانی داشتند؛ از جمله یادم می‌آید استاد محمدهادی یوسفی غروی آنجا سخنرانی داشت. سادگی و بی‌آلایشی ایشان به‌حدی بود که در نگاه اول، هرگز نمی‌توانستید حدس بزنید که با یکی از علمای برجسته و تأثیرگذار منطقه روبه‌رو هستید.



• **از ویژگی‌های بارز شهید شخّود برای ما بگویید.**

• سادگی و تواضع: با وجود مقام علمی، بسیار ساده‌زیست بود. از هرگونه تجمل و ظاهرآرایی پرهیز داشت. پوشش ایشان بسیار ساده بود و این سادگی در اولین برخورد، هر بیننده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌داد.

فعالیت‌های تبلیغی: به‌همراه همسر فداکارش «حاجه عائده»، شبانه‌روز در راه تبلیغ معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام تلاش می‌کردند. در مراسم، شخصاً حضور فعال داشت.

تأسیس مراکز فرهنگی: حسینه مرکز را آباد و حوزه علمیه بانوان را در منطقه تأسیس کرده بود که کانون فعالیت‌های فرهنگی و علمی شده بود. آموزش روش تبلیغی: در آموزش، به نیازهای واقعی جامعه توجه خاصی داشت. به‌جای پرداختن به مباحث پیچیده نظری، بیشتر بر آموزش‌های کاربردی و مورد نیاز مبلغان تأکید می‌کرد.

استواری در میدان: در سفر اخیرم به حج، با نگرانی از وضعیت ایشان پرس‌وجو کردم؛ چراکه بسیاری از علما، منطقه را ترک کرده بودند؛ اما

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین پورامینی بررسی شد

نقش و تأثیرگذاری شهید شخّود در مدیریت، تبلیغ و احیای فرهنگ شیعی در سوریه در برابر تهدیدات تکفیری



ضعفا داشت. در منطقه‌ای فعالیت می‌کرد که مردمش به‌دلایل تاریخی، از نظر معارف دینی در سطح پایینی قرار داشتند.

• **وضعیت شیعیان در سوریه الآن چگونه است؟**

• دوره‌های تاریخی: سوریه در دوره‌های مختلف، شاهد فراز و نشیب‌های بسیاری برای شیعیان بوده است. در دوره‌های گذشته، شهر حلب یکی از مراکز مهم شیعه بود و علمای بزرگی مانند ابوصلاح حلبی (صاحب کتاب الکافی فی‌اللقه وتقرب المعارف) و ابن‌زهره (صاحب غنیه) در این منطقه می‌زیستند. نسل این‌زهره تاکنون در سوریه هستند و من برخی از ایشان را در سوریه دیده‌ام.

دوره عثمانی: باروی کارآمدن حکومت عثمانی، فشارهای زیادی بر شیعیان وارد شد. بسیاری از خانواده‌ها برای حفظ جان خود، مجبور به تقیه شدند و شاید برخی حتی تغییر مذهب و یا دین دادند. این بلا در لبنان کاملاً مشهود است؛ جزین که منطقه و زادگاه شهید اول است، اکنون مسیحی‌نشین شده است؛ البته جابه‌جایی و مهاجرت هم متصور است.

دوره معاصر: در دوره حکومت یعنی سوریه، اگرچه نظام سیاسی لائیک بود؛ اما چون علوی بود، نوعی همدلی با شیعیان در آن وجود داشت.

علویان که از نظر ما شیعه محسوب می‌شوند، به‌تعبیر مقام معظم رهبری اینان «ایتام آل محمد علیهم‌السلام» محسوب می‌شوند که به‌دلیل دوری از علما دچار برخی انحرافات شده بودند.

• **لطفاً فعالیت‌های علمی و تبلیغی شهید شخود را توضیح دهید؟**

• تحصیلات حوزوی: شهید شخود پس از تشویق توسط برخی علمای سوریه از جمله

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله نظام و تشویق برخی اعضای دفتر نماینده ولی‌فقیه در سوریه، برای تحصیل به قم آمد. حدود ۱۵ سال در حوزه علمیه قم تحصیل کرد تا آنجا که پس از سپری‌کردن دوره سطح، در درس خارج آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی نیز شرکت کرد. بازگشت به سوریه: پس از تکمیل تحصیلات، به جای‌ماندن در ایران یا رفتن به مراکز شهری، به روستای زادگاهش در منطقه حمص بازگشت و آنجا را پایگاه تبلیغی خود در سطح استان قرار داد. در آن زمان در کل استان حمص با حدود ۵۵ روستا، تنها یک عالم شیعه حضور داشت؛ لذا حضور وی ضروری بود.

تأسیس مراکز فرهنگی: با همکاری مسئولان محلی، اقدام به تأسیس مساجد، حسینه‌ها و مراکز آموزشی متعدد کرد. فعالیت‌هایش جنبه تبلیغاتی و نمایشی نداشت؛ بلکه کاملاً کاربردی و اثرگذار بود.

• **دلایل ترور شهید شخود چه بود؟**

• رهبری بلامنافع منطقه‌ای: شهید شخود عملاً امام و رهبر منطقه بود. مدیریت و هدایت امور شیعیان آن سامان به‌طور کامل بر عهده او بود. چنین شخصیت‌های تأثیرگذاری، همیشه مورد تهدید جریان‌های تکفیری قرار دارند.

محبوبیت مردمی: مردم به‌دلیل خدمات خالصانه‌ای که از ایشان دیده بودند، علاقه‌مندانه گرد او بودند. این محبوبیت برای گروه‌های تندرو قابل تحمل نبود.

احیای هویت شیعی: احیای مراسم عاشورا، ماه رمضان و سایر مناسبت‌های دینی توسط ایشان، باعث بیداری و عمق‌بخشی فرهنگ دینی در شیعیان منطقه شده بود که این امر مخالف منافع جریان‌های تکفیری است.

• **لطفاً از سایر ویژگی‌های شهید برای ما بفرمایید.**

• قدرت علمی و تبلیغی: بار علمی قوی و روش تبلیغی اثرگذار ایشان، موفقیت‌های بسیاری در جذب جوانان و هدایت فکری جامعه داشت.

سعه صدر و گذشت: با وجود اینکه در مسائل اصولی قاطع بود؛ اما در برخورد با خطاها ولغرش‌ها بسیار با‌گذشت و سهل‌گیر رفتار می‌کرد.

همهان‌نوازی: خانه‌اش همیشه به روی مردم باز بود و این ویژگی باعث جذب بیشتر افراد به سمت معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌شد.

پایداری در منطقه: با وجود خطرات بسیار، هرگز منطقه را ترک نکرد و تا آخرین لحظه در کنار مردم ماند.

• **وضعیت پیش روی شیعیان در سوریه چگونه خواهد بود؟**

• محدودیت‌های فعلی: متأسفانه در حال حاضر حتی برگزاری مراسم عزاداری خارج از حرم حضرت زینب علیها‌السلام با محدودیت‌های زیادی مواجه است. بسیاری از حوزه‌های علمیه فعالیت‌شان محدود و یا تعطیل شده است.

تربیت طلاب: خوشبختانه در سال‌های گذشته طلاب فاضل بسیاری در حوزه‌های علمیه سوریه و ایران تربیت شده‌اند که می‌توانند ادامه‌دهنده راه این شهدا باشند.

چشم‌انداز آینده: اگرچه وارد دوره سختی شده‌ایم؛ اما تاریخ نشان داده است که شیعه همواره از این بحران‌ها قوی‌تر بیرون آمده است؛ مگر نه این است که کربلا که روزی صحنه شهادت بود، امروز به کانون عزت شیعه تبدیل شده است.

• **راهکارهای پیشنهادی شما در این برره زمانی و با توجه به حوادث اخیر چیست؟**

• حمایت همه‌جانبه: ما وظیفه داریم از شیعیان سوریه در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حمایت کنیم.

روش‌های متنوع مبارزه: باید از شیوه‌های



گفت‌وگو

مختلفی مانند فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی برای دفاع از حقوق شیعیان استفاده کنیم.

تداوم راه شهدا: باید راه شهدایی مانند شهید شخود را ادامه دهیم و با تربیت نیروهای کارآمد، مانع از قطع ارتباط علمی و دینی با آن مناطق شویم.

لازم است همچنان چتر حمایتی خود را نسبت به شیعیان سوریه داشته باشیم. گرچه با شرایط روز، شدت و ضعف به خود گیرد. خوشبختانه پس از انقلاب اسلامی، کادر علمی قوی‌ای در میان شیعیان سوریه شکل گرفته است. تعداد زیادی از طلاب فاضل و فضلاء بزرگوار در حوزه‌های علمیه تربیت شده‌اند و شمار قابل توجهی از جوانان سوری نیز در دانشگاه‌های ایران در رشته‌های مختلف از پزشکی تا سایر علوم تحصیل کرده‌اند. وجود اینان در هر شرایطی حلقه وصل خواهد بود.

• **از نگاه شما، ویژگی‌های ممتاز شهید شخود از چه قرار است؟**

• پابندی به ولایت فقیه: ایشان از مقلدان و پیروان صدیق امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری بود و به‌شدت از نظام جمهوری اسلامی دفاع می‌کرد. معتقد بود، نظام ما در استمرار ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است.

فداکاری و ایثار: وقتی از ایشان پرسیدند: چرا منطقه را ترک نمی‌کنی، پاسخ دادند: «من هرگز شیعیان را تنها نخواهم گذاشت. اگر قرار باشد بمیرم، چه مرگی بهتر از شهادت؟» این جمله به‌خوبی نشان‌دهنده روحیه فداکاری ایشان بود.

خدمت به همه اقشار: با وجود مقام علمی بالا، خود را محدود به حلقه‌های خاص نکرده بود. هم با فرهیختگان و دانشجویان ارتباط داشت و هم با مردم عادی و ساده. در مجالس مختلف شرکت می‌کرد و برای همه اقشار سخنرانی می‌نمود.

• **از وضعیت کنونی منطقه و نیز از اقدامات شهید برای ما بگویید.**

• تأسیس مراکز علمی: عرض شد که در منطقه‌ای که پیش از این، فقط یک عالم شیعه (شیخ یحیی) حضور داشت، ایشان حوزه و مراکز فرهنگی متعددی تأسیس کرد که مهم‌ترین آنها حوزه علمیه خواهران در روستای مزرعه بود که طلاب خواهر را از سراسر منطقه برای انجام فعالیت تبلیغی آموزش می‌داد.

همراهی و نقش در شکل‌گیری هیأت علمایی سوریه: وی از مؤسسان هیأت علمایی سوریه بود که با حضور و مرکزیت جناب آقای سیدعبدالله نظام شکل گرفت. این هیأت نقش مهمی در هماهنگی فعالیت‌های علمی و تبلیغی شیعیان داشت.

هشدار درباره توطئه‌های دشمن: ترور این شهید بزرگوار در کنار حملات به علویان و کلیساها، نشان‌دهنده تلاش دشمن برای ایجاد جنگ طایفه‌ای در سوریه است. آنها می‌خواهند با فتنه‌انگیزی، جامعه چندمذهبی و متنوع سوریه را به جان هم بیندازند.

شهید شیخ رسول شخود، چهره‌ای بی‌بدیل و کم‌نظیر در عرصه فرهنگ و تبلیغ منطقه بود که متأسفانه فقدانش خلأ بزرگی ایجاد کرده است. امیدواریم با عنایت خداوند و توجه حضرت ولی‌عصر علیه‌السلام، طلاب، علما و فضلاء منطقه، بتوانند تا این خلأ را پر کنند.

تشکیلات منسجم علمی و تبلیغی: در همان سال‌های ابتدایی فعالیت، شهید شخود از مؤسسان هیأت علمایی سوریه بود که مخصوص علمای شیعه بود. این نشان می‌دهد، ایشان صرفاً یک روحانی مبلغ نبود؛ بلکه در عرصه تشکیلات و سازماندهی نیز بسیار فعال بود.

• **لطفاً از ویژگی‌های تبلیغی و مدیریتی شهید شخود برای ما بگویید.**

• نفوذ کلام و تأثیرگذاری: وقتی صحبت می‌کرد، مردم با جان و دل می‌شنیدند و تحت تأثیر قرار می‌گرفتند. کلامش چنان نافذ بود که به‌راحتی در دل‌ها نفوذ می‌کرد. پشتکار و پافشاری در راه خدا: نمونه‌ای از پشتکاری را خود ایشان در خاطروای از ملاقات با آقای شهرستانی برایم بیان کرد: روزی که آقای شهرستانی برای سرکشی از شیعیان به مزرعه آمد، باران شدیدی می‌بارید و راه‌ها گل‌آلود بود. برخی به من گفتند: چون شرایط سخت است، بهتر است آقای شهرستانی پیاده نشوند. گفتم : نه، باید تشریف بیاورند. با وجود گل‌های عمیق که بعضاً تا زانو می‌رسید، آقای شهرستانی را به درون روستا آوردیم و ایشان هم محبت کردند و خرج آسفالت روستا را دادند.

تحمل سختی‌ها: این روحیه مقاومت و تحمل مشقت‌ها برای پیشبرد اهداف الهی، از ویژگی‌های برجسته این شهید بزرگوار بود که باید برای همه ما الگو باشد. خوشبختانه شاگردان و طلابی که ایشان تربیت کرده‌اند، می‌توانند تا حدی این خلأ را پر کنند. ان‌شاء‌الله با عنایت خداوند و به‌برکت خون شهید، عزت شیعه همچنان حفظ خواهد شد.

خداوند به‌حق محمد و آل محمد، فقدان این شهید عزیز را با آمدن عزیزانی که ایشان تربیت کرده، جبران کند. ان‌شاء‌الله دعای خیر این شهید بزرگوار شامل حال همه ما بشود. این شهید بزرگوار با ویژگی‌های منحصر به فرد اخلاقی، مدیریتی و علمی، الگویی کامل برای طلاب و مبلغان جوان است.

- اخبار کوتاه جهان

- افغانستان**

■ **حکم بازداشت رهبر طالبان از سوی دادگاه کیفری بین‌المللی**: دادگاه کیفری بین‌المللی لاهه، حکم بازداشت رهبر طالبان و رئیس دادگاه‌های دولت موقت افغانستان را صادر کرد.

- آمریکا**

■ **بریکس برای ضربه‌زدن به آمریکا ایجاد شده است**: ترامپ: به‌زودی علیه هر کشوری که عضو گروه بریکس باشد تعرفه ۱۰ درصدی اعمال خواهیم کرد و هیچ استثنایی وجود نخواهد داشت. دلار پادشاه است. اگر کسی بخواهد دلار را به چالش بکشد، بهای سنگینی خواهد پرداخت.

■ **وزیر خارجه آمریکا هک شد**: سی‌ان‌ان: بر پایه یک گزارش تأیید‌شده دیپلماتیک، فردی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی و جعل هویت مارکو روبیو، دست‌کم با پنج نفر از جمله چند وزیر خارجه تماس گرفته است. وزارت خارجه آمریکا می‌گوید: در حال تحقیق درباره فردی است که با استفاده از هوش مصنوعی، خود را به‌جای مارکو روبیو، وزیر خارجه این کشور جا زده و با سه وزیر خارجه، یک فرماندار ایالتی و یک عضو کنگره آمریکا تماس گرفته است.

■ **افشای سندی دیگر از اوج ردالت دولت آمریکا در فریب ایران**: ترامپ همان روزی که اعلام کرد، به ایران دو هفته فرصت داده، تصمیمش را برای حمله گرفته بود. روزنامه صهیونیستی جروزالم‌پست، با انتشار نقل قولی از یسرائیل کاتس (وزیر جنگ رژیم صهیونیستی) فاش کرد: ترامپ در ۱۸ ژوئن (۲۸ خرداد، روز ششم جنگ) گفت: به ایران دو هفته فرصت خواهد داد تا با یک توافق هسته‌ای مناسب موافقت کند. با این حال، او خودش همان شب به نتانیاهو گفت که از قبل، تصمیمش برای حمله را گرفته بوده است.

- رژیم صهیونیستی**

■ **رسوایی جدید صهیونیست‌ها؛ تجاوز جنسی نیروهای پدافند اسرائیل در خلال جنگ با ایران به نظامیان جوان واحد خود**: روزنامه صهیونیستی یدیعوت آحارونوت در گزارشی اعلام کرد: ۷ سرباز پدافند هوایی ارتش به ظن جرایم جسمی و جنسی علیه همکاران جدیدشان در طول جنگ با ایران دستگیر شدند. سربازان دستگیرشده از کادر واحد پدافند هوایی سامانه پیکان (Arrow) بوده و متهم هستند که به ۱۰ سرباز جوان واحد خود تجاوز جسمی و جنسی کرده‌اند.

■ **کشته و زخمی‌شدن ۱۰ هزار نظامی صهیونیست از ۷ اکتبر تاکنون**: روزنامه عبری‌زبان یدیعوت آحارونوت اعلام کرد: از ۷ اکتبر تاکنون، ۱۰ هزار نظامی ارتش رژیم صهیونیستی کشته و زخمی شده‌اند.

- اسپانیا**

■ **اقدام تاریخی دادگاه ملی اسپانیا علیه مقامات رژیم صهیونیستی در قضیه کشتی «مادلین»**: خبرگزاری آناتولی ترکیه اعلام کرد: دادگاه ملی اسپانیا تحقیقی را تحت عنوان ارتکاب به جرایم جنگی علیه بنیامین نتانیاهو، وزیر امور خارجه،اسرائیل کاتز و چند مقام ارشد این رژیم به‌دلیل حمله به کشتی امدادرسان «مادلین» در مسیر غزه در دستور کار قرار داده است. ژانمه آسنز، نماینده پارلمان اسپانیا هم در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: این تحقیق بر روی حمله صورت گرفته در ۱ ژوئن (۱۱ خرداد) به کشتی «مادلین» که در مسیر حرکت به سوی غزه بود، متمرکز است.

- یمن**

■ **افشاگری هاآرتس از ناتوانی رژیم صهیونیستی در برابر یمنی‌ها**: روزنامه هاآرتص با انتشار گزارشی افشا کرده که نتانیاهو در تلاش است تا به هر شکل ممکن، بندی را در مذاکرات آتش‌بس با حماس بگنجانده که به‌موجب آن، یمن هم حملاتش را متوقف کند. گفتنی است که بعد از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون رژیم صهیونیستی و آمریکا بارها با توسل به عملیات نظامی تلاش کرده بودند، جلوی عملیات موتکی و دریایی نیروهای مسلح یمن در حمایت از غزه را بگیرند.

- واتیکان**

■ **پیشنهاده میزبانی واتیکان از سوی «پاپ» برای مذاکرات صلح اوکراین**: پاپ بار دیگر بر ضرورت صلح پایدار در اوکراین تأکید و آمادگی واتیکان را برای میزبانی مذاکرات میان اوکراین و روسیه اعلام کرد. در بیانیه کلیسای واتیکان آمده، پدر مقدس، ضمن ابراز اندوه از بابت قربانیان جنگ، بار دیگر برای مردم اوکراین دعا و بر نزدیکی قلبی خود با آنها تأکید کرد. او همچنین همه تلاش‌ها برای آزادی زندانیان و یافتن راه‌حل‌های مشترک را ستود.

- چین**

■ **مایل‌به‌عرضه‌جنگنده‌های خودبه‌کشورهای دوست هستیم**: سخنگوی وزارت دفاع ملی چین: چندین کشور در حال مذاکره با پکن برای خرید تسلیحات، از جمله جنگنده‌های جی-۱۰ هستند. چین مایل است دستاوردهای توسعه تجهیزات خود را با کشورهای دوست به اشتراک بگذارد. سخنگوی وزارت امور دفاع چین در اظهارات خود، نام هیچ کشوری را که گفته می‌شود برای خرید جی-۱۰ مذاکره می‌کنند، فاش نکرد.

آیت‌الله العظمی جوادی آملی در دیدار اعضای حزب مؤتلفه اسلامی با تقدیر از ارانه گزارش و خدمات انجام‌شده، ابراز امیدواری کردند که این تلاش‌ها مورد قبول درگاه الهی قرار گیرد و توفیق خدمت‌رسانی شایسته‌تر برای نسل‌های آینده حاصل‌شود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، معظم له در ادامه با اشاره به ایام عزاداری سید و سالار شهیدان بر ضرورت شناخت عالمانه و دقیق از واقعه کربلا، تأکید کردند و اظهار داشتند: حادثه کربلا برای ما یک الگو و نمونه بی‌بدیل است و باید به‌درستی به چرایی این امر توجه داشت؛ هر چند مسئله گریه و عزاداری بر سیدالشهدا علیه‌السلام محفوظ است، اما آنچه واقعه کربلا را الگو و ماندگار کرده، پیام علمی و معرفتی آن است؛ پیامی که صریحاً می‌گوید هدف وسیله را توجیه نمی‌کند «مَنْ حَاوَلَ أَفْراً بِمَعْصِیَةِ اللَّهِ كَأَنْ أَقُوْتَ لِمَا يَرْجُو وَاشْرَعَ لِمَجِیءٍ مَا يَخْذُرُ»؛ اگر کسی خواست به مقصد برسد، از راه باطل نمی‌شود به مقصد رسید؛ اگر مقصدی الهی است، باید راه رسیدن به آن نیز صراط مستقیم باشد.

ایشان با اشاره به تلاش خلغای بنی‌امیه برای ترویج تفکر جبر و نسبت دادن همه وقایع و جنایات تاریخی خود به اراده الهی، اظهار داشتند: بنی امیه سالها زحمت کشیدند تا با ترویج تفکر جبری، جنایات خودشان را به خدا نسبت دهند، و لذا ابن زیاد بعد از حادثه عاشورا، خطاب به حضرت زینب علیه‌السلام گفت که «کیف رأیت صنع



الله بأخیک» کاری که خدا با برادرت کرد را چگونه دیدی؟! که این کار را کار الهی دانست نه کار شیطان، حضرت زینب با این تفکر جبری مقابله کرد و در برابر ابن‌زیاد فرمود: «ما رأیت إلا جمیلاً»، آنها را که شما کشتید ولی آنچه خدا به ما گفت که در مقابل ظلم قیام کن، قیام کردیم و من چیزی جز زیبایی نمی‌بینم، این جمله یک بیان سیاسی، معرفتی و توحیدی بود، نه صرفاً یک عبارت عاطفی.

این مرجع تقلید بیان داشتند: جریان حسین بن علی علیه‌السلام برای ما یک اصل است؛ این تنها یک افتخار نیست، بلکه هویت ماست، اما باید بدانیم که خود ملت ایران هم ملت بزرگی است،

یادنامه عالم مجاهد و خدوم آیت‌الله نعیم آبادی

نمایندگان استان تهران برگزیده شد.

خدمات و دستاوردها

از خدمات برجسته آیت‌الله نعیم‌آبادی می‌توان به این موارد اشاره کرد: تأسیس و ساخت حوزه‌های علمیه: تأسیس حوزه علمیه خواهران با زیربنای ۶۹۸۰ متر مربع و نظارت بر ساخت ۴۰۰ مسجد در استان هرمزگان و احداث مسجد جامع بندرعباس.

تألیفات علمی

نگارش ۷۸ کتاب در زمینه‌های کلامی، اعتقادی، تفاسیر قرآنی و مسائل اجتماعی که برخی از آنها بدین شرح می‌باشد: آثار گران‌سنگ و ارزشمند قلمی این عالم بر جسته، گوشه‌ای دیگر از زندگی پرپار ایشان را رقم می‌زند.
آثاری همچون داروینیسزم از دیدگاه دانش و مذهب، آثاری درباره نماز که از جمله آنها «نماز زیباترین الگوی پرستش» می‌باشد که به زبان عربی ترجمه و در مصر به چاپ رسیده است، آسیب‌شناسی خواص، عاشورا در عاشورا، شکر در آینه وحی، زکات در آینه وحی، تحریف در آموزه‌های دینی، صلیب خونین، توسل، زمره روزه‌داران، امر به معروف ونهی از منکر، آیین پارسیابی، رشوه، تفسیر سوره فجر و تین، نماز درمانی، ولایت علی علیه‌السلام در آینه وحی، غدیر درآینه تاریخ، شرحی بر خطبه‌های امام سجاد علیه‌السلام در نزدیک مدینه، احسان، روزه در آینه وحی و قرآن به روایت نهج‌البلاغه که به چاپ رسیده‌اند و آثاری همچون شرح دعای سحر، بحث پیرامون اعتیاد، نمازجماعت، شرح کلمات قصار (نهج‌البلاغه) تولی و تبری و

رحلت

آیت‌الله غلامعلی نعیم‌آبادی، نماینده کنونی مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری و نماینده پیشین ولی فقیه در استان هرمزگان، در تاریخ ۲۸ تیر ۱۴۰۴ در سن ۸۱ سالگی دار فانی را وداع گفت.
در پی درگذشت این عالم دینی، آیات عظام مکارم شیرازی، جوادی آملی، آیات حسینی بوشهری رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، موحدی کرمانی رئیس مجلس خبرگان رهبری، اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور و فاضل مدیر

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

ملت ایران از عزت و عقلانیت دست نمی‌کشد

مردم ایران و سرمایه‌های فرهنگی و ایمانی این ملت تأکید کردند.

حضرت آیت الله جوادی آملی در بخش دیگری از سخنان خود با تأکید بر وحدت ملی، اظهار داشتند: وحدت ملی، نعمت بزرگی است که باید قدر آن را دانست و برای حفظ آن کوشید. این وحدت باید پایه‌ی همه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات باشد.

معظم له با اشاره به روایتی از نهج البلاغه با بیان اینکه «عالم خوب بودن» با «مدیر خوب بودن» متفاوت است بیان داشتند: «عالم خوب بودن" با «مدیر خوب بودن" متفاوت است. ما باید این تفاوت را بشناسیم و بدانیم؛ حضرت امیر علیه السلام کمیل را مسئول منطقه ای کردند، سربازان اموی به این منطقه حمله بردند و آنجا را غارت کردند، حضرت نامه ای به کمیل نوشت که این نامه در نهج البلاغه آمده است، حضرت در آن نامه می‌فرماید برخی تنها به درد دعای کمیل می‌خورند و این توان را ندارند که مسئولیت‌های اجرایی داشته باشند.

ما مردم ایران مردمی بزرگ و بزرگ زاده ایم، ما یعنی مردم ایران؛ شما اگر سرتاسر آمریکا را بگردید یک اثر باستانی در آن نمی‌بینید، اما هر کجای ایران قدم بگذارید اثری از آثار هنری و باستانی در آن می‌بینید، آثاری از علم و مکاتب فکری می‌بینید، این ملت ریشه‌دار و صاحب‌فرهنگ است. معظم له با اشاره به حملات فرهنگی غرب علیه ایران، با بیان اینکه اقتدار امروز ایران حاصل بصیرت ملت و الهام از نهضت حسینی است، اظهار داشتند: امروز برخی از همین کشورهای کافر و مدعی مانند آمریکا و امثال آن به ملت‌های مسلمان و بزرگان دینی ما توهین می‌کنند، اما واقعیت آن است که ما وارثان فرهنگ و اندیشه‌ای هستیم که نه تنها در گذشته درخشان بوده، بلکه در آینده نیز راهگشاست. این ملت، ملتی نیست که به آسانی از موضع عزت، عقلانیت و فرهنگ دست بکشد.

ایشان همچنین با ذکر خاطراتی از دوران دفاع مقدس و اشاره به فداکاری رزمندگانی که در شرایط سخت مقاومت کردند، بر عظمت روحیه

حوزه‌های علمیه خواهران کشور، در پیام‌های تسلیتی، این ضایعه را تسلیت گفتند.

- آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی**

درگذشت عالم بزرگوار و روحانی خدمتگزار، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامعلی نعیم‌آبادی، موجب تأسف و تأثر گردید.
آن فقید سعید سالیان طولانی از عمر خویش را در خدمت به اسلام، تبلیغ معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام، و هدایت دینی مردم خصوصاً در استان هرمزگان سپری نمود و آثار ارزشمندی از خود برجای گذاشت.

اینجانب این مصیبت را به عموم بازماندگان و ارادتمندان ایشان و مردم شریف استان هرمزگان و خصوصاً خاندان مکرمشان تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای آن مرحوم علوّ درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت دارم.

- آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی**

درگذشت عالم بزرگوار، روحانی گرانقدر آیت‌الله غلامعلی نعیم‌آبادی رحمته‌الله‌علیه را تسلیت می‌گوییم.
ایشان خدمات فراوانی به نظام مقدس اسلامی داشتند؛ سالیان متمادی امام‌جمعه بودند، سالیان متمادی در مجلس خبرگان رهبری بودند، سالیان متمادی در خدمتگزاری به امت اسلامی بودند. همه این مساعی ایشان، ان‌شاءالله مشکور باشد.
ذات اقدس الهی به بازماندگان این فقید بزرگوار، صبر جمیل و اجر جزیل مرحمت فرماید و حشر ایشان را با انبیا و اولیای الهی قرار دهد!
غفر الله لنا و لکم

- آیت‌الله حسینی بوشهری رئیس جامعه مدرسین**

ارتحال عالم جلیل‌القدر آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی نعیم‌آبادی رحمته‌الله‌علیه نماینده محترم مردم تهران در مجلس خبرگان رهبری، موجب تألم و تأثر گردید.
آن روحانی مجاهد در سال‌های نهضت اسلامی از جمله شخصیت‌های فعال در مبارزه علیه رژیم ستمشاهی بود و پس از انقلاب اسلامی نیز در عرصه‌های مختلفی از جمله امامت جمعه، نمایندگی ولی‌فقیه در بندرعباس و عضویت در مجلس خبرگان رهبری، در مسیر مجاهدت در راه اهداف نظام اسلامی، خدمت‌گزاری صادق بود.
فعالیت‌های علمی، تدریس، تألیف آثاری در زمینه علوم اسلامی و معارف دین و همچنین فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در حوزه و دانشگاه از جمله خدمات ارزنده آن فقیه پارسا بوده است.

اینجانب رحلت این روحانی متعهد و انقلابی را به همه بازماندگان، وابستگان و ارادتمندانش تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال، برای آن عالم بزرگوار، علو درجات و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم.

- آیت‌الله موحدی کرمانی رئیس مجلس خبرگان رهبری**

ارتحال عالم خدمت‌گزار و عضو مجلس خبرگان رهبری مرحوم آیت‌الله آقای حاج شیخ غلامعلی نعیم‌آبادی «طاب ثراه» موجب تأثر و تألم گردید.

آن مرحوم در عمر خویش، منشأ خیرات و برکات

متعدد و خدمت‌گزاری صادق و همراه با نظام اسلامی بودند و با تألیف کتب و آثار نوشتاری متنوع در نشر معارف الهی خدمات شایانی کردند.
ایشان در مسئولیت‌های اجرایی از جمله چند دوره نمایندگی مردم هرمزگان و تهران در مجلس خبرگان رهبری و امامت جمعه شهرستان دامغان و نیز نمایندگی ولی‌فقیه در استان هرمزگان و امامت جمعه بندرعباس، از روحانیون و علمای فعال و خدوم در نظام اسلامی به‌شمار می‌آید.
اینجانب ضمن عرض تسلیت درگذشت این عالم انقلابی، ضایعه رحلت ایشان را محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدظله‌العالی»، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، خانواده و فرزندان محترم آن‌مرحوم و همه ارادتمندان و علاقه‌مندان‌شان به‌ویژه مردم شریف سمنان، هرمزگان و تهران، صمیمانه تسلیت گفته و علوّ درجات را برای آن فقید سعید از خداوند متعال مسألت می‌نمایم.

■ **آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه کشور**
ارتحال عالم مجاهد و خستگی‌ناپذیر حضرت آیت‌الله حاج شیخ غلامعلی نعیم‌آبادی رحمته‌الله‌علیه موجب تأسف و تأثر گردید.

آن عالم انقلابی در طول دوران حیات درخشان خود، همواره رسالت الهی و مأموریت حوزوی خویش را چه در قالب مبارزات با رژیم ستمشاهی و چه در کسوت نمایندگی ولی‌فقیه و سه دهه امامت جمعه پس از پیروزی انقلاب، به بهترین وجه ایفا نموده و اکنون در سریای باقی آرام گرفت.
اینجانب فقدان آن روحانی باخلاق را به بیت مکرم، شاگردان و ارادتمندان، دوستان و آشنایان به‌ویژه مردم انقلابی بندرعباس و دامغان تسلیت

و تعزیت عرض نموده، در ایام عزای اهل‌بیت علیهم‌السلام برای ایشان وصول به مقام رضوان و بهره‌مندی از آموزش بیکران و برای بازماندگان، سلامتی، عزت و شکیبایی خواستارم.

- حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل**

مدیر حوزه‌های علمیه خواهران

در ایام حزن و اندوه اهل‌بیت علیهم‌السلام، خبر ارتحال عالم عامل، آیت‌الله غلامعلی نعیم‌آبادی رحمته‌الله‌علیه که عمر خود را در راه اعتلای اسلام و انقلاب اسلامی صرف کرده بود، موجب تأثر و تأسف فراوان شد.
خدمات ارزشمند ایشان در ترویج معارف اسلامی که با نمایندگی ولی‌فقیه و امامت جمعه بندرعباس، ساخت مساجد در نقاط محروم و ترویج فرهنگ خمس در سراسر کشور و چاپ کتب مختلف همراه بود، همواره در اذهان مؤمنین و علاقه‌مندان ایشان باقی خواهد ماند.

ایشان از پرچمداران تأسیس و ترویج حوزه‌های علمیه خواهران در هرمزگان بود و خدمات ایشان، قطعاً مایه مباهات و باقیات‌الصالحاتی برای این عالم فرزانه خواهد بود. ان‌شاءالله

اینجانب این ضایعه را به محضر امام عصر علیه‌السلام، مقام معظم رهبری، علما، ارادتمندان، علاقه‌مندان و بیت معظم این عالم ربانی تسلیت عرض می‌نمایم و غفران و رحمت واسعه الهی و حشر با سرور و سالار شهیدان علیه‌السلام را برای آن فقید سعید و صبر جمیل و اجر جزیل را برای بازماندگان محترم از خداوند متعال مسألت دارم.

الدُّنْيَا سَوْقٌ الْآخِرَةُ وَالنَّفْسُ تَاجِرٌ وَالنَّيْلُ وَالنَّهَارُ رَأْسُ الْمَالِ وَالْمَكْسَبُ الْجَنَّةُ وَالْخُسْرَانُ النَّارُ.

دنیا همچون بازاری است برای زندگی پس از مرگ و نفس ما تاجر این بازار است. شب و روز سرمایه او هستند، سودش بهشت است و ضررش آتش دوزخ.

أعلام الدین: ص ۹۶



- پیچ تاریخی شرایط جدید: چالش‌ها و مقاومت در برابر استکبار جهانی**

در این فرصت کوتاه هفت هشت دقیقه‌ای، مروری بر برخی نکات مهم درباره شرایط جدید ارائه می‌کنم.

محور اصلی این است که امروز وارد یک مقطع ویژه و تاریخی شده‌ایم؛ واقعاً یک پیچ تاریخی در عرصه اجتماعی و سیاسی که شاهد آن هستیم. در این صفحه جدید، با تحولات جدی انقلاب اسلامی مواجهیم که پیچیدگی‌ها و دشواری‌های بزرگی را به‌همراه داشته و همچنان ادامه خواهد داشت.

چند نکته مهم در این زمینه عبارت‌اند از:

- استکبار جهانی تمام‌قد وارد میدان شده است.
- تقابلی مستقیم، شفاف و بی‌سابقه نسبت به گذشته شکل گرفته است.
- تمام تسلیحات پیشرفته به‌کار گرفته شده است.
- فناوری‌های برتر و هوش مصنوعی به‌شکل غافل‌گیرکننده توسط دشمنان بهره‌برداری می‌شود.
- شبکه‌سازی داخلی با هم‌پیوستگی بی‌نظیر شکل گرفته است.
- شبکه ضدانقلاب خارج از کشور به‌صورت متمایز و با الگوهای بدیل طرح‌ریزی و سامان یافته است.
- زمینه‌های نارضایتی به‌شکل گسترده مورد

ملت غیور ایران همان‌گونه که به فضل الهی تا امروز در صحنه حاضر بوده و باطل‌السحر خیالات شوم دشمنان این مرز و بوم گشته است، با حفظ وحدت و اعتماد به مسئولان و ارکان نظام اسلامی و بر مدار رهبری معظم، دشمن را ناامید و او را از هر تعرض و فکر باطلی مأیوس خواهد نمود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، متن بیانیه اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشورکه با حضور اعضای شورای عالی و مدیر حوزه‌های علمیه و معاونین، مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه در پاسداشت نصرت الهی، تجلیل از حماسه‌آفرینی ملت ایران و تأکید بر حمایت تام از نظام اسلامی و رهبر حکیم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
﴿وَمَا لَنَا نَلْزُقُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾
(آل‌عمران، ۱۲۶)

بیانیه حوزه‌های علمیه در پاسداشت نصرت الهی، تجلیل از حماسه‌آفرینی ملت ایران و تأکید بر حمایت تام از نظام اسلامی و رهبر حکیم انقلاب اسلامی

- ظفر و نصرت الهی**

حمد و سپاس خدای را که بار دیگر در گذرگاه پرافتخار تاریخ ایران اسلامی، پرچم سرخ عاشورا به اهتزاز درآمد و سایه عنایتش را بر این سرزمین مقدس گستراند. در روزگاری که همه هیمنه کفر و استکبار جهانی با تمام قوا از آستین شرور و تبهکار رژیم صهیونی بیرون آمد تا ملت ایران را به زانو درآورد، لطف الهی دوباره تجلی کرد و نصرت خود را نصیب این امت بصیر و زمان‌شناس نمود. این پیروزی، تنها یک رویداد تاریخی نیست؛ بلکه تجلی وعده خداوند متعال است به مؤمنانی که در راه او استقامت ورزیدند و با توکل بر ذات مقدسش، دشمنان اسلام را به ذلت و خواری کشاندند.

- جبهه باطل و توطئه‌های استکبار**

دشمنان اسلام و ایران، این بار با اتحادی شوم و جنگ احزاب‌گونه، تمامی ایادی و ابزارهای سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای و امنیتی را به کار

سخن بزرگان

امام خمینی

پسرم! آنچه مورد نکوهش و سرمایه و اساس شقاوت‌ها و بدبختی‌ها و هلاکت‌ها و رأس تمام خطاها و خطیئه‌هاست حبّ دنیااست که از حبّ نفس نشأت می‌گیرد. عالم ملک مورد نکوهش نیست؛ بلکه مظهر حق و مقام ربوبیت اوست و مهیط ملائکه‌الله و مسجد و تربیت گاه انبیا و اولیا ^(علیهم‌السلام) است.

صحیفه امام خمینی، ج ۱۶، ص ۲۱۳

نگاهی تحلیلی به ۱۴ نکته مهم پیچ تاریخی انقلاب اسلامی در شرایط استثنایی امروز

آیت‌الله علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه کشور، در اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه که با موضوع بررسی «مباحث اخیر و جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ۱۲ روزه» که با حضور اعضای شورای عالی، مدیران حوزه‌های علمیه، معاونان، مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه برگزار شد، ۱۴ نکته کلیدی و راهبردی درباره پیچ تاریخی پیش‌روی انقلاب اسلامی ارائه نمود که به شرح زیر می‌باشد:

مقابل نفوذ بیگانگان هدف اصلی غرب در شرق

و جهان اسلام این است که یا هیچ قدرتی پا نگردد و یا اگر گرفته شد، آن قدرت کاملاً وابسته و تحت تسلط باشد. نظام‌های امنیتی، اطلاعاتی، تسلیحاتی و نظامی کشورهای عربستان و ترکیه، نمونه‌هایی از این وابستگی‌اند که همه فرمان‌ها از سوی آمریکا صادر می‌شود و در صورت اراده، نابود خواهند شد.

غرب گزینه‌ای پیش روی این کشورها می‌گذارد: یا به‌صورتی مونتاژی و با رفاه محدود وابسته باقی بمانند یا به سرنوشت سوریه و لیبی دچار شوند؛ همان‌گونه که در دوگانگی «ذلت و سلاح» به این مسئله اشاره شده‌است.

این روح کلی طراحی‌ها و نقشه‌های چنددهه گذشته است که اینک در مقطع حاضر با شدت بی‌سابقه‌ای دنبال می‌شود. در چند سال اخیر دشمنان گام به گام جلو آمده‌اند؛ اما این حرکت آنها به صخره‌ای مستحکم برخورد کرده است؛ صخره‌ای که ملت ایران، انقلاب اسلامی و رهبری معظم تشکیل می‌دهند. این سد مستحکم اجازه نخواهد داد که کشورمان به سرنوشت سوریه، لیبی و دیگر مناطق دچار شود.

- پایداری و اراده در جنگ ادراکی**

مسیر پیش‌روی ما مبتنی بر جنگ ادراکی است. اگر اراده خود را از دست بدهیم و بگوییم شرایط به همین منوال است و حاضر به حضور فعال نباشیم، شکست قطعی خواهد بود؛ اما اگر اراده داشته باشیم، هیچ مانعی نمی‌تواند جلو ما را بگیرد. ملت ما این واقعیت را نشان داده است و این موفقیت، محصول اراده الهی و درون دل‌های

در بیانیه پایانی اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور مطرح شد

تجلیل مدیران حوزه‌های علمیه کشور از حماسه‌آفرینی ملت ایران و تأکید بر حمایت تام از نظام و رهبری معظم

معنوی سترگی برای ملت شریف ایران شدند؛

۴. مردم شجاع، بصیر و ولایت‌مدار ایران اسلامی که با همدلی، اتحاد، مقاومت و ایستادگی در میدان، شگفتی آفریده و آمریکا و اسرائیل حقیر را به عقب‌نشینی واداشته و ثابت کردند که **﴿وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾** (حج/۴۰)؛

۵. نیروهای مسلح توانمند و سربازان و سرداران و امیران جان برکف سپاه عزیز و ارتش مقتدر که با تقدیم شهدا و خون‌های پاک‌ترین انسان‌ها که به‌حق تجلی مردمی‌ترین نیروی نظامی و با اخلاق‌ترین ارتش جهان در برابر پلیدترین قوای اهریمنی بودند.

- رسالت حوزه‌های علمیه**

حوزه‌های علمیه، به عنوان میراث‌داران مکتب اهل‌بیت ^(علیهم‌السلام)، با درک اهمیت این پیروزی بزرگ، وظایف خطیری را بر عهده گرفته‌اند:

– جهاد علمی و فرهنگی با تولید محتوا و تبیین درست و به‌نگام وقایع و بیدارسازی و هشدار نسبت به کید دشمن در آسیب به کیان ایران اسلامی؛

– تقویت وحدت ملی، تأکید بر انسجام امت اسلامی حول محور ولایت فقیه و ترسیم صحیح و شفاف مرزبندی با دشمنان ملک و ملت؛

– مقابله با جنگ نرم دشمن و روشنگری در برابر تبلیغات سوء استکبار و صهیونیسم جهانی و افشای توطئه‌ها و تهاجمات فکری و فرهنگی و مرزبانی از مرزهای اندیشه و باور ایران اسلامی؛

– تربیت نیروهای مخلص و انقلابی و پرورش طلاب و مبلغانی که بتوانند در خدمت به جامعه، نظام اسلامی و عرصه‌های بین‌المللی از حریم اسلام و انقلاب دفاع و در زمینه بیدارگری و احیای اندیشه

اف‌جوز - سال بیست و چهارم - شماره ۸۴۸ - دوشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۴ ۱۶ صفحه • ۵۰۰۰ تومان
Ofogh-e Hawzah Weekly
- صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه - مسئول مرکز رسانه و فضای مجازی حوزه‌های علمیه: رضاستمی سردبیر: رمضانعلی عزیزی • با همکاری هیأت تحریریه - تلفن: ۳۲۹۰۰۵۳۸ • نمابر: ۳۲۹۰۱۵۲۳ - صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۴۳۸۱ - نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، کوچه ۲، پلاک ۱۵ - پایگاه اینترنتی: www.ofoghhawzah.ir - پست الکترونیک: info@ofoghhawzah.ir - کارشناس فنی چاپ: مصطفی اویسی • چاپ: صمیم (۴۱) ۶۵۵۸۶۸۰

عطریار
گشایش
علی اصغر یونسیان

تا نیایی گره از کار بشر وا نشود
درد ما جز به ظهور تو مداوا نشود
لطف تو گر نشود شامل موسای کلیم
شامل حضرت او، آن ید بیضا نشود
تو اگر یاری عیسی پیمبر نکنی
مرده احیا ز دم عیسی نشود
وعده ی روز ظهور تو که داده است خدای
دارم امید که موکول به فردا نشود
تا تو ای منتظر از پرده نیایی بیرون
شادمان مادر تو حضرت زهرا نشود
صله بر آنکه تقاضا کند از درگه تو
دور از شان تو ببینم که اعطا نشود
کاخ ظلم و ستم افراشته سر تا به فلک
پس چرا خیمه‌ی عدل تو، سر پا نشود
تا خداوند جهان اذن قیامت ندهد
پاک از لوث ستم، صفحه‌ی دنیا نشود
دین و ایمان بشر وزر و وبالش گردد
صحت آن اگر از سوی تو امضا نشود
هر که آزار دهد با عملش قلب ترا
مورد مغفرت خالق یکتا نشود
روز محشر که سائر همه ظاهر گردد
در کف هر که بود خط تو، رسوا نشود
رهرو وادی تقوا و فضیلت نبود
آن که در زمره عشاق تو احصا نشود
ملتجی وای به حال تو و بخت بد تو
نظری گر به تو از جانب مولا نشود

و بشریت است. اگر این گفتمان انقلاب اسلامی به‌فضل الهی باقی بماند، افق‌های روشن آن به سمت ظهور حضرت ولی‌عصر ^(علیه‌السلام) خواهد بود و بسیاری از طمع‌ها را از میان خواهد برد. پایداری، تاب‌آوری، مقاومت، هوشیاری، وحدت و انسجام، تأکید بر مبانی و نظریه انقلاب، ایستادگی در برابر استکبار، اجتناب از وادادگی، روایت‌گری صحیح، تقویت مبانی معرفتی و ایمان، ارتباط مستحکم‌تر با مردم و جوانان و جذب فعال‌تر، همه این‌ها مسیر روشن ماست که از خداوند طلب توفیق و مدد داریم.

بین‌المللی بسط و گسترش دهند و خط تحریف و تزویر و سانسور دشمن را در هم شکنند؛

۴. اصحاب رسانه، صاحبان کرسی منبر و خطابه شایسته است تا با تفکیک دقیق بین تضعیف و مطالبه‌گری مفید و به‌هنگام، از هر اقدامی که به تخریب و سیاه‌نمایی و ناامیدسازی و یا تفرقه در بین صفوف مستحکم مردم و کارگزاران نظام اسلامی می‌انجامد، پرهیز کرده و از این همدلی عظیم ملی و تجلی نورانی گفتمان شجاع‌ت، شهادت‌طلبی، حب وطن و استکبار ستیزی با محوریت ولایت و رهبری صیانت و محافظت نمایند؛

۵. با توجه به اینکه سال جاری قمری مصادف است با هزار و پانصدمین سالگرد میلاد مبارک حضرت رسول اکرم ^(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، لازم است نهادهای ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی و سایر نهادهای دینی همسو در جهان در مسیر معرفی چهره و سیره تائبان پیامبر رحمت به عنوان حلقه اتصال همه مذاهب اسلامی و موضوع تفاهم و گفت‌وگوی ادیان توحیدی از هیچ تلاشی دریغ نوززند و حوزه علمیه نیز به سهم خود در تحقق این رسالت سترگ و دفاع از مظلومان و بی‌پناهان جهان در برابر زیاده‌خواهان و زورگویان خواهد کوشید.

- وعده قطعی الهی**

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَضْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم، ۴۷). این وعده خداوند است و ما بر این باوریم که با استمرار ایمان، وحدت و اطاعت از ولایت، نصرت الهی همیشه همراه این ملت خواهد بود. حوزه‌های علمیه، در کنار امت شهیدپرور ایران، تا تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و تا ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی ^(علیه‌السلام)، استوار، پرتلاش و جان‌فدای این مکتب، ملت و وطن خواهد بود بفضل‌ه و مّته، إن‌شاء‌الله.

«وَأُخِرْ دَعْوَانِ أَنْ الْخُدَّةَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

﴿وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ﴾ (شعراء/ ۲۲۷)

اجلاسیه سراسری مدیران حوزه‌های علمیه کشور مشهد مقدس تیرماه ۱۴۰۴